



# اقتصاد مقاومتی (۱)

تهیه و تنظیم: دکتر سید عادل خراسانی

## اقتصاد مقاومتی ۱ (بخش اول)

### ۱-۱- مقدمه

ایستادگی و پیشرفت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که می تواند الهام بخش سایر ملت ها برای حرکت به سمت استقلال و نفی وابستگی باشد، اصلی ترین نگرانی لیبرال-دموکراسی غرب به حساب می آید که سلطه را عامل اساسی حیات مادی و برتری خویش می داند. به ویژه اینکه ایران اسلامی کانون مقاومت در منطقه خاورمیانه و در بین کشورهای اسلامی نیز هست و این موقعیت موجب به شکست انجامیدن طرح های سلطه جویانه لیبرال-دموکراسی غربی برای در اختیار گرفتن این قلب سرزمینی و ایجاد شرایط مطلوب برای کنترل و مدیریت نظم جهانی نیز شده است. از این رو تغییر ساختار و یا حداقل تغییر رفتار و مهار قدرت جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دولت های غربی به رهبری آمریکا است که برای تحقق آن از هیچ اقدامی فروگذار نبوده و تاکنون طیفی از تهدیدات و تهاجمات گوناگون را علیه مردم و نظام ایران اسلامی تجربه کرده و در عین حال نتیجه ای نگرفته اند.

از سوی دیگر روند تحولات جهانی و به ویژه منطقه ای و داخلی نظام جمهوری اسلامی به نفع قدرت ملی کشورمان و برخلاف منافع لیبرال-دموکراسی غربی بوده و لذا در شرایطی که بحران اقتصادی-اجتماعی غرب از یک سو و بیداری اسلامی در منطقه راهبردی خاورمیانه از سوی دیگر بر نگرانی غرب دامن زده است، آمریکا و حامیان غربی آن، آخرین تیر ترکش تخاصم، یعنی تحریم هوشمند را که ترکیبی از تحریم واقعی و جنگ روانی است، علیه جمهوری اسلامی رها کرده اند. این نوع تحریم که به زعم آنان می تواند فلج کننده باشد، با اعمال تحریم های نفتی، بانک مرکزی، شرکت های کشتیرانی و نفتکش ها و برخی اشخاص ... و در حتی خارج از قطعنامه های ظالمانه شورای امنیت، دنبال می شود که بتواند با ایجاد فشار لازم، ابتدا بین حاکمیت و مردم شکاف انداخته و سپس با ایجاد نارضایتی های اجتماعی، با بهره گیری از جنگ روانی و مدیریت اذهان، نظام جمهوری اسلامی را به ناکارآمدی و بی مسئولیتی متهم و با خالی کردن پشت نظام از حمایت و همراهی مردم، زمینه تحمیل خواسته های ظالمانه خود را بر کشورمان فراهم آورد. به عبارتی، تحریم های جدید با هدف بی ثبات سازی اقتصادی و تسری این بی ثباتی به عرصه اجتماعی و سیاسی-امنیتی دنبال می شود که به زعم طراحان آن، هم می تواند مسیر پیشرفت و توسعه نظام جمهوری اسلامی و تبدیل آن به الگویی برای سایر ملت های در حال خیزش را سد کند و هم زمینه تغییرات ساختاری و یا رفتاری موردنظر نظام لیبرال-دموکراسی غرب و حامیان رژیم صهیونیستی را در داخل کشورمان به وجود آورد. بنابراین در هم شکستن مقاومت مردم و

مسئولان و تبدیل وحدت و انسجام ملی به شکاف بین حاکمیت و مردم و حتی ایجاد تخاصم و آشوب، هدف راهبردی این تحریم ها به حساب می آید که تورم، گرانی، کاهش ارزش پول ملی و موانع موجود بر سر راه نقل و انتقالات ارزی و اختلال در مسیر ترانزیت کالا به جمهوری اسلامی ایران، زمینه دستیابی به چنین هدفی می باشند. شرایطی که می تواند فرصت طلبان و سودجویان داخلی را نیز به کمک گرفته و سازش و پذیرش خواسته های ظالمانه و سلطه جویانه آمریکا و حامیان غربی اش را به عنوان اقدامی در مسیر «نجات ملی» تلقی و لذا سازش و عقب نشینی را به نفع سیاست موازی آمریکایی ها، یعنی فشار و مذاکره توصیه و پیگیری کنند.

حال آنکه در شرایط فعلی، نشان دادن هرگونه ضعف و کوتاه آمدن، لغزیدن به درون پازل (جورچین) تعریف شده دشمن به حساب آمده و او را به تشدید و گسترش تحریم ها به عنوان حربه ای موثر و تعبیر آنان فلج کننده، تشویق خواهد کرد. حال آنکه اینک زمان تبدیل تهدید دشمن به فرصت و قطع وابستگی از اقتصاد نفتی و وارداتی به نفع استقلال فرا رسیده و این اشتباه دشمن در بحبوحه بحران اقتصادی غرب باید تبدیل به پاشنه آشیل نظام لیبرال-دموکراسی شود. همانگونه که تحریم تسلیحاتی کشورمان و عدم فروش تجهیزات و کالاهایی به بهانه کاربرد دوگانه و احتمالاً نظامی، زمینه ساز بومی ساختن تجهیزات و تسلیحات شده و کشوری که زمانی فشنگ کلاش را باید با واسطه تهیه می کرد، توانسته در عرصه تسلیحات راهبردی مثل ساخت موشک تبدیل به قدرت اول منطقه ای و ایجاد بازدارندگی قطعی شود و یا توفیقات ارزشمند دانشمندان جوان کشورمان در عرصه فناوری هسته ای - در شرایط سخت تحریم و کارشکنی- جمهوری اسلامی را در زمره کشورهای عضو باشگاه هسته ای دنیا قرار داده است.

## ۱-۲- بیان مسئله

با ظهور انقلاب اسلامی ایران، شکل جدیدی از حکومت در دنیا پدیدار شد که هم مردمی بود و هم اسلامی. حکومتی که بنای سازگاری با هیچ یک از ابرقدرت های شرق و غرب را نداشت و به هیچ قدرتی جز قدرت ایمان و پشتوانه مردم خویش وابسته نبود. ظهور این نوع جدید حکومتی، آن هم در منطقه ای مانند خاورمیانه که شاهراه حیاتی ارتباطی و قطب انرژی دنیاست، به مذاق مستکبرین ناخوشایند بوده و هست. از آن ناخوشایندتر، صدور این انقلاب به دل ها و قلوب مسلمین و سایر ملل است که به تازگی خود را در انقلاب های اسلامی منطقه نمودار ساخته است.

ذات وجود چنین نظامی برای اردوگاه استکبار، خطری همیشگی را به دنبال دارد. لذا از روزهای آغازین این مولود مقدس، بنای دشمنی را در اشکال گوناگون بنا نهادند. ابتدا به صورت ترورها و اقدامات خونین داخلی، قائله های گوناگون و سپس جنگ تمام عیار نظامی. این نکته نیز قابل ذکر است که تا جمهوری اسلامی ایران با حفظ ارزش های خود باقی بماند این دشمنی ها نیز ادامه خواهد یافت.

جنگ نظامی که پایان یافت، تاکتیک دشمن نیز تغییر کرد و به جای تهاجم نظامی، تهاجمات خود را به سایر عرصه ها از جمله عرصه اقتصادی کشاند. وجود تحریم های گسترده و گاهی بی نظیر اقتصادی پس از دوران جنگ نظامی و تنگ تر شدن هر روزه این حلقه محاصره تحریم ها، خود گواهی بر این مدعاست.

در سوی دیگر این میدان، جمهوری اسلامی ایران که از جمله آرمان های آن، حمایت از مستضعفین و مبارزه با مستکبرین عالم است، در راه نیل به اهداف و ارزش های خویش وارد صحنه مبارزه شد و موفقیت های عمده ای در نبردهای نظامی، علم و فناوری و... به دست آورد.

اما در نبرد اقتصادی چه؟ درست است که مدل بهینه اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران اقتصاد اسلامی است، اما تا به ثمر نشستن این مدل متعالی چه باید کرد؟

آیا مدل های اقتصادی ای که در کشور تدریس می شد، می شود و در برنامه ها پیاده می شود توان مقابله با جنگ اقتصادی دشمن را دارد؟

مدل اقتصادی ای که کشور عمدتاً پس از جنگ در پیش گرفت، مبتنی بر بازار آزاد، پذیرش نظم بین الملل و... بود که در این صورت می بایست ایران نیز به عنوان جزء کوچکی از دهکده جهانی با کدخدایی ایالات متحده آمریکا نقش بازی کند. دهکده ای که هر کس در آن از دستورات کدخدا تخطی کند مورد مجازات سازمان های بین المللی قرار می گیرد. طبیعتاً اهداف رشد اقتصادی و توسعه ای این مدل ها مبتنی بر پذیرش ارزش های غربی است که در تضاد با مبانی و اصول انقلاب اسلامی قرار دارد. حال چه کنیم؟

چند راه وجود دارد: ساده ترین راه نفی ارزش های انقلاب اسلامی و پذیرش اصول لیبرالیسم اقتصادی است. در این راه هدف جمهوری اسلامی ایران می شود رسیدن به نقطه ای مانند ترکیه یا کره جنوبی یا شبیه آنها. راه دوم پذیرش اصول لیبرالیسم اقتصادی و انقلاب اسلامی توأمان با هم است در این شیوه با توجه به این که ارزش های انقلاب اسلامی در تعارض با دیگران است مورد هجمه آنان قرار می گیریم و از طرفی سلاح مقابله با آنان در اختیار ما نیست. چرا که مدل های اقتصادی کنونی، مبتنی بر پیاده سازی در شرایط اطمینان و ثبات پی ریخته شده اند. لذا جمهوری اسلامی ایران در این حالت روز به روز از لحاظ توان داخلی تحلیل رفته و بیشتر در موضع ضعف و انفعال قرار می گیرد. حاصل این شیوه، کاری است که سال هاست در کشور ما انجام می شود: دور زدن تحریم ها و در نتیجه پوسیدگی درونی اقتصاد کشور.

اما راه حل بهینه برای کشور ما مدلی اقتصادی است که بتواند کشور ما را در شرایط جنگ به پیش ببرد. شرایطی که بر خلاف سایر کشورها برای ما شرایط گذرا نیست و حالت دائمی دارد. در این مدل اقتصادی به تحریم ها به عنوان فرصت هایی نگریسته می شود که می تواند از این فرصت ها برای کارا نمودن و اصلاح نقاط ضعف سیستم های اقتصادی کشور استفاده شود. مشکلاتی که زیر سایه سنگین درآمدهای کلان نفتی پوشیده بودند و روز به روز گسترده تر می شدند. این مدل بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی نام دارد. در راستای پیاده سازی اقتصاد مقاومتی، توجه به معنای دقیق آن امری ضروری است. مجموعه بررسی ها نشان می دهد که کلید اصلی مقاوم سازی اقتصاد، تولید محوری است؛ ضعف در این مهم، کانون اصلی آسیب پذیری های اقتصاد کشور را تشکیل می دهد. جای تأسف است که گفته شود، نهادهای مشوق رانت، ربا و فساد دارای

قدرتی هستند که تولید محوری را تا حدودی به محاق برده اند و سختی پایه ریزی اقتصاد مقاوم نیز، از همین جا نشئت می‌گیرد.

اقتصاد مقاومتی مکتب و استراتژی است در جهت رسیدن به حداقل آسیب پذیری و نقطه ی تعادل در موقعیت و شرایط تحریم های اقتصادی و محدودیت های جهانی که بر اقتصاد کشور اعمال می شود. تاب آوری در چهار دهه گذشته به نحو وسیعی توسط رشته های گوناگون علمی به کار گرفته شده است. علاوه بر روانشناسی، کاربرد این واژه را می توان در علوم سیاسی، مدیریت بازرگانی جامعه شناسی، تاریخ، مدیریت و برنامه ریزی بحران، برنامه ریزی شهری و توسعه بین الملل یافت. این استفاده مشترک هرگز به معنای یکسانی مفهوم یا پشتوانه نظری مربوطه به آن نیست. کاربردهای گوناگون، روش ها و روش شناسی های متفاوتی دارد (مارتین برین و اندریاس، ۲۰۱۱). کاربرد این مفهوم، به ویژه پس از بحران مالی ۲۰۰۸، در اقتصاد بیشتر شده است. به گونه ای که مجمع جهانی اقتصاد در پیوست سند گزارش مخاطرات جهانی ۲۰۱۳ خود، گزارش ویژگی های با عنوان ایجاد تاب آوری منتشر کرده است (ریسک های جهانی ۲۰۱۳).

### ۱-۳- واژگان کلیدی

#### علم اقتصاد (Knowledge economy):

علم اقتصاد عبارت است از دانشی که به تخصیص بهینه کالاها و فراورده ها می پردازد. به عبارت دیگر، علمی است که به تفسیر حیات اقتصادی و پدیده های آن و ارتباطشان با عوامل کلی آن ها اهتمام می ورزد.

#### اقتصاد اسلامی (Islamic economics):

نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تأمین عدالت اجتماعی.

#### اقتصاد مقاومتی (Economic strength):

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود.

### روش کتابخانه ای (Library method):

در پژوهش کتابخانه ای، حوزه کار محقق، کتابخانه و اسناد و مدارک است و با محیط بیرونی کار ندارد. اصلی ترین ابزار در این روش کتاب و امثال آن است. محقق باید کتاب شناس باشد و باید از منابع به دیده انتقاد و تدبر بنگرد و مسائلی نظیر اطمینان از صحت انتساب کتاب و مطالب آن، عدم دخل و تصرف در مطالب را نیز رعایت کند.

## اقتصاد مقاومتی ۱ (بخش دوم)

### ۱-۲- مقدمه

تعریف یک راهبرد اقتصادی به نام «اقتصاد مقاومتی» به نسبت تعامل نظام اسلامی با «نظام اقتصادی جهانی» از سویی و تقابل و رویارویی یا به عبارت بهتر مقاومت در برابر خواسته‌های استکبار جهانی و عدم پذیرش سلطه آنان، مرتبط است.

اقتصاد کشوری که دارای جهان‌بینی خاصی است و این جهان‌بینی با منافع ابرقدرت‌های روز دنیا در تضاد است، اقتصاد خاصی خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری پایدار بوده و در هر دوره‌ای به شکلی بروز می‌یابد. از این روی باید همه راهبردها و سیاست‌های کشوری مثل ایران به گونه‌ای طراحی شود که از کیان آن در برابر تهدیدها حفاظت کند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران که همیشه در معرض دشمنی قرار داشته و در برابر آنها مقاومت کرده است باید اقتصادی متناسب با این وضع داشته باشد که از آن به اقتصاد مقاومتی تعبیر می‌شود. وقتی نظامی مانند نظام جمهوری اسلامی در جبهه مقاومت در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی است و امنیت نظام اسلامی در چارچوب مقاومت در برابر نظام سلطه تعریف می‌شود باید دیگر زیرمجموعه‌های نظام مانند: ساختارهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی نظام اسلامی ضرورتاً با همین مفروض و شرایط مقاومت در برابر استکبار جهانی شکل گیرد و عمل کند.

### ۲-۲- تعریف علم اقتصاد

اقتصاد یکی از علوم اجتماعی است که اعمال انسان را در متن جامعه بررسی می‌کند. این علم به واسطه آن دسته از اعمال و نهادهای اجتماعی که با آنها مرتبط است از سایر علوم اجتماعی متمایز و به عنوان یک علم مجزا شناخته می‌شود.

اعمالی که اقتصاد با آنها سر و کار دارد در واقع چیزی نیست جز انتخاب افراد به هنگام مواجهه با منابع کمیاب. انسان دارای نیازهای نامحدود است و منابع محدود پاسخگوی تمامی آنها نمی‌باشد و به همین سبب انسان مجبور است از بین کاربردهای ممکن منابع، تنها تعداد محدودی از آنها را انتخاب کند. اعمال انسان در جامعه با توجه به شرایط اجتماعی صورت می‌گیرد و شرایط اجتماعی همان قواعد، قوانین و آداب و رسوم هستند که مشخص می‌سازند افراد مجاز به انجام چه اعمالی هستند و از انجام چه اعمالی باید بر حذر باشند.

علم اقتصاد با اعمالی همچون تولید، توزیع، و مصرف کالا سر و کار دارد و وظیفه اقتصاددان مطالعه و بررسی اعمال انسان‌ها در ابعاد سه گانه فوق یعنی تولید، توزیع و مصرف و کشف قوانین حاکم بر رفتار تولیدی، توزیعی و مصرفی انسان‌هاست.



برای علم اقتصاد تعاریف متعددی ارائه شده است یکی از مناسب ترین تعاریف به صورت زیر می باشد. اقتصاد علمی است که چگونگی تخصیص منابع کمیاب بین نیازهای نامحدود را بررسی می کند. علاوه بر این تعریف، تعاریف ساده و مناسب دیگری وجود دارد از جمله: اقتصاد علمی است که ماهیت و علل ثروت ملل را مطالعه می کند<sup>۱</sup> و یا اقتصاد عملی است که موضوع آن عبارت است از مطالعه و بررسی نحوه ی تصمیم گیری جوامع راجع به این که چه چیزی تولید شود و برای چه کسی (کسانی) تولید شود (دادگر، ۱۳۹۲).

## ۲-۳- کمیابی و انتخاب

کمیابی واقعیتی است که انسان در طول زندگی خود با آن مواجه بوده است. نیازهای انسان نامحدود است و لذا وی نمی تواند در هر زمان از تمامی چیزها به هر اندازه ای که بخواهد، داشته باشد. کمیابی منابع، انسان را مجبور به انتخاب می کند. مصرف کننده مجبور است درآمد خود را به نحوی بین نیازهای خود یعنی غذا، مسکن، پوشاک، بهداشت، آموزش و سایر موارد تقسیم نماید و این چیزی نیست جز «اجبار به انتخاب». انسان اوقاتی را که در اختیار دارد بین کار و فراغت تخصیص می دهد. انسان هر چه تلاش کند باز با مسئله کمیابی و انتخاب روبرو می باشد. وفور منابع نیز نمی تواند انسان را از این محدودیت یعنی انتخاب، خلاصی بخشد. غنی ترین افراد نیز دارای اوقات محدودی هستند و مجبورند دست به انتخاب بزنند و بعضی از کارها را انجام دهند و بعضی را به حال خود رها نمایند.

انسان با کاربرد منابع کمیاب و مصرف کالاها احساس خوشی و کسب رضایت می کند. افراد به هنگام خرید و مصرف کالاها ممکن است دارای نیاز و انگیزه های مختلف باشند. ما در اقتصاد درصدد کشف نیازها و انگیزه های افراد در خرید و مصرف کالا و خدمات نیستیم بلکه برای اقتصاددان مهم این است که افراد بخشی از درآمد خود را صرف خرید کالای معین نموده اند. باید توجه داشته باشید که علم اقتصاد بیش از آن که به اهداف افراد از انجام اعمالشان پردازد به ابزار و روش هایی که برای تحقق این اهداف به کار می برند مربوط می باشد و اقتصاددان درصدد کشف و شناخت روش هایی است که فرد برای رسیدن به اهداف خود به کار گیرد.

---

<sup>۱</sup> Adam Smith

## ۴-۲- اقتصاد خرد و کلان: موضوع، ارتباط و تفاوت آن ها

اقتصاد علمی است که به شاخه های مختلف تقسیم می شود ولی در یک تقسیم کلی می توان آن را به دو شاخه اصلی یعنی خرد و کلان تفکیک نمود.

### ۴-۲-۱- موضوع خرد و کلان

دو واژه خرد و کلان دارای منشأ یونانی هستند و به ترتیب به معنی کوچک و بزرگ می باشند. در اقتصاد خرد رفتار عاملین اقتصادی انفرادی مثل یک مصرف کننده واحد، یک بنگاه انفرادی و یا یک صنعت یا بازار مطالعه می شود. در واقع به هنگام تجزیه و تحلیل پدیده های اقتصادی از دیدگاه خرد صرفاً یک واحد انفرادی یا بخشی از کل اقتصاد مورد توجه قرار می گیرد. اقتصاد کلان نیز شاخه ای از علم اقتصاد است که موضوع مطالعه آن رفتار جمعی و کلی یک اقتصاد است. اقتصاد کلان پدیده های اقتصادی در مقیاس کلی سر و کار دارد.

### ۴-۲-۲- ارتباط خرد و کلان

اقتصاد خرد و اقتصاد کلان دوشاخه از علم اقتصاد با موضوعات، فروض و کاربردهای متفاوت می باشند. اما علی رغم این تفاوت ها هیچ گونه نزاع و برخوردی بین این دو وجود ندارد و در واقع تکمیل کننده همدیگر می باشند و به عبارت روشن تر اقتصاد خرد، پایه و بنیاد اقتصاد کلان می باشد.

اقتصاد خرد نحوه تصمیم گیری خانوارها و بنگاه های انفرادی را در یک بازار انفرادی مطالعه می کند. اما در اقتصاد کلان رفتار خانوارها و بنگاه ها در یک بازار انفرادی معین مثلاً بازار مواد غذایی مورد توجه نمی باشد. اقتصاد کلان درصدد تبیین رفتار کلی اقتصاد می باشد. علی رغم این تفاوت خرد و کلان باید توجه داشت، هویت کل اقتصاد کاملاً مستقل از اجزا و واحدهای انفرادی نیست بلکه عملکرد کل اقتصاد نتیجه میلیون ها تصمیم انفرادی در سطح خانوارها و بنگاه هاست. متخصص اقتصاد کلان اگر چه قادر به تشخیص و بررسی تک تک این تقسیم ها نمی باشد اما این مسئله را متوجه است که نظریه های اقتصاد کلان می باید با رفتار خانوارها و بنگاه های انفرادی که تعدادشان بسیار زیاد است سازگار باشد زیرا اقتصاد از مجموع آن ها تشکیل شده است. به همین خاطر در اقتصاد کلان جدید سه مرحله مورد توجه می باشد: نخست آن که متخصص کلان کوشش می کند فرآیند تصمیم گیری در سطح خانوارها و بنگاه های انفرادی و اصول حاکم بر رفتار آن ها را از دیدگاه نظری درک کند و سپس با جمع زدن و همفزون کردن تصمیمات تمامی بنگاه ها و خانوارها درصدد تبیین رفتار کل اقتصاد بر می آید.

در مرحله سوم با جمع آوری اطلاعات و ارقام به تحلیل آن ها می پردازد تا اعتبار یک فرضیه را آزمون نماید. رابطه بین جنگل و تک تک درختان آن، تشبیه مناسبی برای درک رابطه ی خرد و کلان می باشد. علی رغم این که تحلیل یک کل متفاوت از نحوه ی تحلیل اجزای آن می باشد اما مطالعه اجزا به درک بهتر کل کمک می کند.

## ۲-۴-۳- تفاوت خرد و کلان

اقتصاد خرد و کلان از دیدگاه های مختلف دارای وجوه افتراق می باشند که از جمله می توان به موضوع و نوع سؤالاتی که این دو شاخه از علم اقتصاد درصدد پاسخگویی به آن ها هستند و همچنین فروض و متغیرهایی که در تحلیل پدیده های اقتصادی به کار می گیرند اشاره نمود.

## ۲-۵- اقتصاد در قرآن کریم

مطالعه زندگی بشر در ادوار گوناگون تاریخ، گویای این حقیقت است که یافتن شیوه های مناسب برای بقای بهتر و بیش تر (سعادت)، از مهم ترین دغدغه های خاطر تمامی انسان هاست و همواره برای نیل به این هدف، تلاش های فراوانی صورت گرفته و رنج های طاقت فرسایی تحمل شده است.

گسترده گی، ظرافت و در هم تنیدگی شئون گوناگون وجودی انسان از یک سو، و پیوندهای او با دیگر کاینات از سوی دیگر، آن چنان پیچیده و اعجاب انگیز است که تمامی جست و جوگران با فراست را به اظهار عجز از شناخت همه جانبه و دقیق انسان واداشته، و طنین فریاد «انسان موجود ناشناخته» را در زمین و زمان پراکنده است. در این میان، انبوه عظیمی از نظریات از سوی صاحب نظران در زمینه های گوناگون علوم انسانی، از جمله اقتصاد (که در آن ارائه راه های دستیابی به تولید، توزیع و مصرف بهینه کالاها و خدمات مورد توجه است)، ابراز و در بوته نقد قرار گرفته است.

در کنار دنیای بزرگ و در خور مطالعه وجود انسانی، عالم با عظمت، ژرف و قابل ملاحظه قرآن کریم، اعجاب هر اندیشمندی را سخت برمی انگیزند؛ و به راستی که عالم قرآن کریم بسی گسترده تر و دارای افقی فراتر و اعماقی ژرف تر از گستره و عمق وجودی انسان و دیگر مظاهر طبیعی است.

اهمیت بررسی متفکرانه آیات قرآن کریم همراه با بهره گیری از حاصل تدبر اندیشمندان در آن، و به ویژه استفاده از افادات اهل بیت علیهم السلام در این خصوص، بر نظریه پردازان اسلام شناس و بصیر در علوم انسانی پوشیده نیست. به همین دلیل، مباحث مبنایی اقتصاد از دیدگاه آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار می گیرند.

## ۲-۶- شیوه شناخت و تدبیر امور اقتصادی

از آیات قرآن کریم مستفاد است که دستیابی به زندگی شایسته و سالم در گرو بهره گیری از معارف آسمانی و تفکر و تعقل است و باید خطوط کلی، اصول و شاهراه های هدایت را از وحی گرفت و در چارچوب آنها و به کمک قوای ادراکی، اندوخته های تجربی را افزایش داد و از این طریق، ابهامات و مشکلات فراروی بشر در زندگی را برطرف کرد.

امور اقتصادی بخش مهمی از زندگی انسان را به خود اختصاص داده اند. جهت دهی و سامان بخشی اقتصاد از این قضیه مستثنی نیست. بنابراین، برای یافتن اصول و خطوط کلی در مسائل اقتصادی نیز باید به آنچه خالق

انسان و زندگی نازل کرده است، مراجعه نمود. حیات طیبه‌ای را که او معرفی کرده، شناسایی و مسیرهای منتهی به آن را از طریق وحی کشف نمود و به وسیله تفقه و تعقل و راه کارهای لازم آن را به کار بست.

## ۲-۶-۱- تفقه (دریافت معارف و حیانی) در احکام اقتصادی

در آیات متعددی خاطر نشان شده است که رهاوردهای وحی انسان را به حقایق هستی واقف و راههای نیل به سعادت و فلاح را به او می‌نمایانند، مسیر را برای او روشن ساخته، او را هدایت می‌کنند:

- «و نزلنا علیکَ الکتابَ تبیاناً لَکُلِّ شَیْءٍ وَ هدیً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرٰی لِّلْمُسْلِمِینَ» (نحل: ۸۹)؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

- «قَدْ جَاءَکُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ کِتَابٌ مُبِیْنٌ یَهْدِیْ بِهٖ اللَّهُ مَن اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ یُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ یَهْدِیْهِمُ اِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیْمٍ» (مائده: ۱۵-۱۶)؛ از سوی خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راههای سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آن‌ها را به سوی راه راست رهبری می‌نماید.

قرآن کریم با صراحت، دعوت خود را دعوت به سوی احیا (زنده کردن) اعلام می‌کند: «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ لِمَا یَحْیِیْکُمْ» (انفال: ۲۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد.

علاوه بر آیات مزبور که بر هدایت انسان به صورت کلی تأکید دارند، در آیات بسیاری نیز رهنمودهای جزئی و مشخص در مسائل گوناگون اقتصادی وجود دارند:

- «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۲۷۵)؛ خدا بیع را حلال کرده است و ربا را حرام.

- «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱)؛ به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید.

- «یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا اَمْوَالَکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْبَاطِلِ اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْکُمْ» (نساء: ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به باطل (و از طرق نامشروع) نخورید، مگر این‌که تجارتی با رضایت شما انجام گیرد.

- «أَوْفُوا الْکَیْلَ اِذَا کَلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقُسْطَاسِ الْمُسْتَقِیْمِ ذَلِکَ خَیْرٌ وَ اَحْسَنُ تَأْوِیلاً» (اسراء: ۳۵)؛ و هنگامی که پیمانه می‌کنید، حق پیمانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

- «وَ اعْلَمُوا اَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِی الْقُرْبٰی وَ الْیَتٰمٰی وَ الْمَسٰکِیْنِ وَ ابْنِ السَّبِیْلِ» (انفال: ۴۱)؛ هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای نزدیکان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است.

- «وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقَرْیِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَیْهِمْ بَرَکَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ» (اعراف: ۹۶)؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم.

از سوی دیگر، قرآن کریم بر فهم دقیق و عمیق معارف وحیانی با عنوان «تفقه در دین» تأکید کرده است: «فلولا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقهوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون» (توبه: ۱۲۲)؛ چرا از هر گروهی از آنان (مؤمنان)، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای در مدینه بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟ شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.

در تفسیر این آیه کریمه، آمده است: «مراد از تفقه، تفهم جمیع معارف دینی از اصول و فروع است.»<sup>۱</sup> بر این اساس، اهتمام به تفقه در دین، از جمله قلمرو احکام اقتصادی، لازم و ضروری است (طباطبائی، ۱۳۹۱).

## ۲-۷- تعقل (وقوف بردانش تجربی بشری)

در کنار تفقه، تعقل نیز مورد عنایت ویژه قرآن کریم است. از منظر قرآنی، استفاده از «عقل جمعی» و مشورت با صاحب‌نظران برای تدبیر امور اجتماعی یک اصل مهم در جامعه توحیدی است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)؛ و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن‌هاست. علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، یادآور شده‌اند که از ویژگی‌های مؤمنان آن است که ایشان اهل رشد و رسیدن به واقع هستند و برای دستیابی به نظر صحیح، اهتمام به مراجعه به عقول دارند.<sup>۲</sup> (همان)

همچنین آیه‌الله جوادی آملی اظهار داشته‌اند که در اموری که از قبیل «امرالله» نمی‌باشند و بلکه «امرالمسلمین» محسوب می‌شوند (لزوما) دستورالعمل خاصی از ناحیه شریعت نمی‌رسد، بلکه مسلمانان از راه مشورت با یکدیگر و استفاده از حاصل تأملات و تعقلات، به تدبیر امور خود می‌پردازند؛ مثلاً، در مورد این که در چه جایی از کشور لازم است سد ساخته شود و این که نوع آن چگونه باشد (خاکی باشد یا غیر آن) باید از تجارب و نظرات افراد صاحب‌نظر استفاده کرد.<sup>۳</sup>

قرآن کریم، علاوه بر طرح مسأله «شورا» به عنوان یکی از ویژگی‌های مؤمنان و اشاره به لزوم بهره‌گیری از «تعقل» برای تدبیر امور (اقتصادی، سیاسی و...)، در مواردی نیز تلویحا کاربرد تجارب بشری یادآوری شده است. در آیه ۱۷ از سوره مبارکه «رعد» در مقام مثل زدن برای حق و باطل و بقای حق و زوال باطل، «کف آب» و «کف حاصل از ذوب فلزات» را مطرح کرده، می‌فرماید: «وَمَا يوقدن عليه في النار ابتغاء حلية أو متاع زَبَدٌ مثله...»؛ و از آنچه (در کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت‌آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کف‌هایی مانند آن (کف آب) به وجود می‌آید.

این آیه مبارکه به این مطلب اشاره دارد که امثال عملیات ساخت کوره، ذوب فلزات و زدودن ناخالصی آن‌ها و به کارگیری فلزات در امور زندگی، که حاصل تجربه و تعقل انسان‌هاست، یک روش جاری در جامعه اسلامی است و از همین قبیل است: «واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم في الارض تتخذون من سهولها قصورا

<sup>۱</sup> محمدحسین طباطبائی، المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۴۰۴.

<sup>۲</sup> «فيه إشارة الى أنهم اهل الرشده و اصابة الواقع يمعنون في استخراج صواب الرأي بمراجعة العقول.»

<sup>۳</sup> برگرفته از درس تفسیر معظم له در سال تحصیلی ۷۸-۷۹

و تنحتونَ الجبال بیوتا فاذکروا آلاءَ اللَّهِ و لا تعثوا فی الارضِ مفسدین. (اعراف: ۷۴)؛ و به خاطر بیاورید که شما را جانشینان قوم عاد قرار داد و در زمین مستقر ساخت که در دشت‌هایش، قصرها برای خود بنا می‌کنید و در کوه‌ها، برای خود خانه‌ها می‌تراشید. بنابراین، نعمت‌های خدا را متذکر شوید و در زمین، به فساد نکوشید. در این آیه مبارکه نیز تصرف در منابع طبیعی برای تدارک امور معیشتی، که مستلزم به کارگیری دانش و تجربه بشری است (مانند ابداع ابزارها و شیوه‌های مناسب برای ساختمان سازی)، خاطرنشان شده، و اشعار دارد بر این که این عمل، یک روش جاری در جامعه است.

مجموعه این آیات ما را به این مطلب رهنمون می‌سازند که در جامعه اسلامی، شیوه‌های عقلایی لازم برای بهره‌گیری از امکانات و قابلیت‌های به ودیعه نهاده شده در طبیعت از یک‌سو، و استفاده از عقل جمعی و تدبیر عقلایی امور امت اسلامی از سوی دیگر، در کنار تفقه در دین و التزام عملی به معارف و حیانی، مورد پذیرش و تأکید قرآن کریم است.

## ۲-۸- تجلی توحید<sup>۱</sup> در اقتصاد

از دیدگاه قرآن کریم، تمامی کاینات از جمله انسان، منابع، و ابزارهای تولید مخلوق خداوند علیم و حکیم هستند. همچنین هرگونه فعالیت از جمله فعالیت‌های تولیدی و فرایند شکل‌گیری آن نیز مخلوق خداوند می‌باشد و مستقل از اراده او - جلّ و علی - نمی‌تواند تحقق یابد. قرآن کریم اصرار دارد به انسان بیاموزد و به این نکته توجه دهد که از عوامل زمینه‌ساز گرفته تا عوامل مباشر در تولید، همه مخلوق اویند:

- «هو الَّذی یُرسلُ الرِّیاحَ بُشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلَّتْ سحاباً ثَقِلاً سَقَناه لیلِدِ مِیّتٍ فَنزَلنا به المَاءَ فَاخْرَجنا به مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ» (اعراف: ۵۷)؛ او کسی است که بادهای را بشارت‌دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا ابرهای سنگین‌بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آن‌ها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله آن‌ها، آب (حیات‌بخش) نازل می‌کنیم و با آن، از هرگونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم.

- «و جَعَلنا آیةَ النهارِ مبصرةً لَتَبْتَغُوا فَضلاً مِنْ رَبِّکُمْ» (اسراء: ۱۲)؛ و نشانه روز را روشنی‌بخش ساختیم تا (در پرتو آن)، فضل پروردگارتان را بطلبید (و به تلاش زندگی برخیزید).

- «رَبُّکُم الَّذی یُزجِی لَکُم الفَلَکَ فی البَحْرِ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضله» (اسراء: ۶۶)؛ پروردگارتان کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت درمی‌آورد تا از نعمت او بهره‌مند شوید.

<sup>۱</sup> منظور از «توحید» در این جا «توحید افعالی» طبق اصطلاح عرفاست. «اصطلاح پنجم توحید، استقلال در تأثیر است؛ یعنی مخلوقات الهی در کارهای خودشان نیز بی‌نیاز از خدای متعال نیستند و تأثیرهایی که در یکدیگر دارند، به اذن خدا و در سایه نیرویی است که خدای متعال به آن‌ها عطا فرموده و می‌فرماید، و در حقیقت، تنها کسی که مستقلاً و بدون احتیاج به دیگری در همه جا و در همه چیز تأثیر می‌بخشد، همان ذات مقدس الهی است و فاعلیت و تأثیر دیگران در طول فاعلیت و تأثیر او و، در پرتو آن می‌باشد. بر همین اساس است که قرآن کریم آثار فاعل‌های طبیعی و غیرطبیعی (مانند ملک و جن و انسان) را به خدای متعال نسبت می‌دهد و فی‌المثل، باریدن باران و رویدن گیاه و میوه دادن درختان را هم مستند به او می‌کند، و اصرار دارد که مردم این استناد به خدا را که در طول استناد به فاعل‌های قریب صورت می‌گیرد، درک کنند و بپذیرند و همواره به آن توجه داشته باشند.» (ر.ک: محمدتقی مصباح، آموزش عقاید، سازمان تبلیغات اسلامی - معاونت فرهنگی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۵).

- «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ» (جاثیه: ۱۳)؛ او آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، همه را از سوی خود مسخر شما ساخته.

- «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَ كَلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵)؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.

- «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرَثُونَ، ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهَا أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ، لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهَا حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ» (واقعه: ۶۳-۶۵)؛ آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانیید یا ما می‌رویانییم؟ هرگاه بخواهیم آن را مبدل به کاه درهم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید.

- «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ» (صافات: ۹۶)؛ و خداوند، هم شما را آفرید و هم آنچه را می‌سازید. هرچند انسان با اراده خود کار می‌کند، ولی اراده خداوند نیز به آن تعلق گرفته است؛ او نمی‌تواند مستقل و بی‌نیاز از خداوند متعال منشأ اثر باشد و بنابراین، فعالیت‌های او مستند به خداوند متعال هستند. «توحید» نه تنها در «تولید» تجلی می‌کند، که قرآن کریم در «توزیع» نیز می‌گوید: «لَهُ مُقَالِدُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ، أَنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (شوری: ۱۲)؛ کلیدهای آسمان‌ها و زمین از آن اوست. روزی را برای هر که بخواهد گسترش می‌دهد یا محدود می‌سازد. او به همه چیز داناست.

بر این اساس، تسهیم محصول ملی بین افراد جامعه نیز نمی‌تواند مستقل از خواست الهی تحقق پذیرد. موحدان در عرصه فعالیت‌های اقتصادی همواره دستی غیبی احساس می‌کنند که هدایتگر فعالیت‌ها و رخدادهای اقتصادی است؛ همانند آنچه آدام اسمیت تحت عنوان «دست نامرئی» مطرح می‌کرد، اما تفاوت بین این دو بسیار است. بر اساس بینش توحیدی، مردم در سخت‌ترین شرایط اقتصادی، دچار یأس نمی‌شوند و در بهترین شرایط اقتصادی، از یاد خدا و اطاعت و عبودیت او غافل نمی‌گردند؛ زیرا مؤثر حقیقی را خداوند متعال می‌دانند. در زمان رکود یا بحران، چشم امید به رحمت واسعه او و گشایش در امور دارند و در هنگام رونق، احساس بی‌نیازی نکرده، طغیان نمی‌کنند؛ چرا که اگر او نخواهد، فراوانی محصول دوام نخواهد یافت.

## ۹-۲- عملیات اقتصادی - مظهری از عبودیت

از دیدگاه قرآن کریم، فعالیت‌های اقتصادی و مبادرت به بهره‌گیری از مواهب طبیعی برای تأمین معاش، می‌تواند یک عمل عبادی و مظهری از عبودیت خداوند متعال باشد. در آیه ۱۵ سوره «ملک» آمده است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَ كَلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ»؛ او کسی است که زمین را رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست. در این آیه مبارکه، پس از یادآوری نهایت رام بودن زمین و آمادگی کامل آن برای بهره‌دهی، ترغیب بلیغ به بهره‌گیری از آن شده است. به راستی، اگر تنها همین یک آیه برای ترغیب به پرداختن به طبیعت و استفاده از مواهب آن می‌بود، بر انگیزنده‌ای قوی برای تلاش‌های اقتصادی به شمار می‌آمد.

روشن است انسانی که براساس این آیه کریمه (و آیات دیگری که معنایی قریب<sup>۱</sup> به آن دارند) اقدام به فعالیت‌های اقتصادی می‌کند، نه تنها خود را از زیّ عبودیت بیرون نمی‌بیند، بلکه خرسند است که با امثال امر الهی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، شأنی از شؤن عبودیت را عینیت بخشیده است. البته همان‌گونه که خود قرآن کریم متذکر شده است، نباید پرداختن به امور معیشتی به گونه‌ای باشد که غفلت از یاد خداوند متعال را به همراه داشته باشد.<sup>۲</sup> همچنین نباید از راه‌های باطل نیازهای معیشتی خود را تأمین کرد<sup>۳</sup> و باید مراقب بود تا رذیله بخل را از خود دور ساخت<sup>۴</sup>، و از پرداخت‌های مالی واجب و مستحب دریغ نورزید.<sup>۵</sup>



## ۲-۱۰- نقش امامت (رهبری و دولت) در اقتصاد

اصل «امامت» ناظر به مسأله حکومت و رهبری در جامعه است. در جهت اصل «توحید»، که حق حاکمیت را از آن خداوند متعال می‌داند، افرادی که از جانب او - جلّ و علی - مأذون به عهده‌داری امر حکومت هستند، مسؤولیت اجرای احکام ثابت الهی را از جانبی و تدبیر امور اجتماعی، از جمله سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم امور اقتصادی در سطح کلان متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان را از جانبی دیگر، به عهده می‌گیرند. از اهمّ وظایف دولت اسلامی، می‌توان اهتمام به برقراری عدالت را ذکر کرد. قرآن کریم به صراحت مأموریت یافتن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بزرگ رهبر جامعه اسلامی، برای برقراری عدالت در بین مردم را در آیه ۱۵ سوره مبارک «شوری» خاطرنشان ساخته است: «أَنِّي أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ»؛ من مأمورم در میان شما عدالت کنم (به عدل و داد رفتار کنم).<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴).

ترمیم کاستی‌ها و نارسایی‌های عملکرد بازار آزاد، ممانعت از اجحاف به عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان کالاها و خدمات، تأمین اجتماعی، اتخاذ تدبیر صحیح و کارآمد برای گردش سالم پول در بخش حقیقی اقتصاد و وضع مقررات مالیاتی عادلانه، مصادیق شاخصی برای اجرای عدالت در قلمرو اقتصاد توسط دولت به شمار می‌آیند. معلوم است که اجرای عدالت، هم نیازمند وضع مقررات عادلانه متناسب با شرایط و مقتضیات است و هم نیازمند اجرای صحیح قوانین مزبور.

مردم نیز موظف به اطاعت از ولیّ امر مسلمانان می‌باشند: «اطيعُوا اللَّهَ و اطيعُوا الرّسول و اولى الامر منكم» (نساء: ۵۹)؛ اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر را. همچنین حرکت در جهت سیاست‌ها و برنامه‌های دولت اسلامی و بذل مساعدت و همکاری‌های لازم، بخصوص پرداخت مالیات‌های مقرر، از دیگر وظایف آنان محسوب می‌شود: «خذ مِن اموالهم صدقةً تطهرهم و تزكّیهم بها» (توبه: ۱۰۳)<sup>۲</sup>؛ از اموال آن‌ها صدقه‌ای (به عنوان ات) بگیر تا به وسیله آن، آن‌ها را پاک‌سازی و پرورش دهی.

## ۲-۱۱- نقش توجه به معاد در اقتصاد

بنا به تأکید قرآن، اعمال انسان در روز قیامت مورد ارزیابی و محاسبه قرار گرفته، به هر کس متناسب با رفتاری که در دنیا داشته است، جزا داده می‌شود. یاد قیامت و خوف از سوء الحساب در یوم‌الحساب، نقش مؤثری در تصحیح رفتارهای انسان از جمله رفتارهای اقتصادی او دارد. مسلماً مراقبت درونی مداوم توسط افراد، عاملی مهم برای تحقق رفتارهای عادلانه و به حق اقتصادی است، این امر تأثیر بسزایی در سلامت و رشد اقتصادی و برقراری رفاه و آرامش عمومی و حفظ کرامت انسان‌ها دارد.

<sup>۱</sup> ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۸۷.

<sup>۲</sup> علامه طباطبائی این آیه را متضمّن حکم زکات مالی (مربوط به طلا و نقره مسکوک، انعام سه‌گانه و غلات چهارگانه) دانسته و یادآور شده‌اند که اخبار فراوانی از طریق ائمه اطهار علیهم‌السلام در این خصوص وجود دارد. ر.ک: المیزان، ج ۹، ص ۳۷۷.

طبیعی است با ورود به عرصه زندگی و اعتقاد به ادامه زندگی پس از مرگ، افق زمانی تغییر می‌کند و نه تنها از کوتاه مدت به بلندمدت، که به ابدیت تبدیل می‌شود. اعتقاد به این که انسان پس از مدتی کوتاه، آن هم به صورت نامشخص به نیستی تبدیل شود، با این اعتقاد که فرصتی کوتاه در اختیار است و باید توشه ابدی برای خود فراهم ساخت، به شدت در رفتار انسانی تأثیر متفاوت خواهد داشت. با نگرش به معاد، دیگر بهترین نظریه مصرف، نظریه «مصرف مودیگلیانی» نخواهد بود. او دوران عمر را به سه دوره پیش از بلوغ، بلوغ و دوران بازنشستگی تقسیم می‌کند؛ در دوران بلوغ است که باید درآمد کسب کرده، علاوه بر مخارج ایام بلوغ، قرض پیش از بلوغ و هزینه دوران بازنشستگی را نیز تأمین کرد.

با تغییر افق زمانی و دیدگاه «الدنيا مزرعة الآخرة»، بسیاری از واژه‌های اساسی اقتصاد مفاهیمی وسیع‌تر به خود می‌گیرند، به ویژه مفاهیمی همچون «مطلوبیت» و «سود» که از مفاهیم مبنایی در اقتصاد هستند، ساختار انگیزش را تشکیل می‌دهند. نیروی محرک مصرف مطلوبیت، و هدف مصرف‌کننده حداکثر کردن آن است و انگیزه کار و تلاش‌های تولیدی کسب سود، و هدف تولیدکننده حداکثر نمودن آن می‌باشد.

با اعتقاد به معاد، متعلق «لذت» و مفهوم «سود» تفاوت اساسی پیدا می‌کند. نه تنها افراد معتقد به معاد منافع جهان پس از مرگ را نیز مورد عنایت قرار می‌دهند، بلکه به دلیل ابدیت حیات اخروی و مخلّد بودن انسان در آن‌جا، اهمیت بیش‌تری به آخرت می‌دهند. به همین دلیل، صله رحم، احسان، انفاق، رعایت حقوق دیگران و تولید بی‌عیب و نقص (اتقان در تولید)، خواه نظام نظارت‌کننده‌ای باشد یا نباشد، توجیه جدی پیدا می‌کند، فعالیت‌های اقتصادی رنگ و بوی عبادی به خود می‌گیرد و پاداش‌های اخروی، انگیزه را برای فعالیت‌ها تشدید می‌سازند. همچنان که عقوبت‌های سنگین اخروی فرد را از تعرض به حقوق دیگران و ارتکاب جرایم، از جمله جرایم اقتصادی، باز می‌دارند.

قرآن کریم از روش انذار به عذاب‌های اخروی و وعده پاداش اخروی برای تحقق رفتارهای بهینه اقتصادی استفاده کرده است. در آیات ۱ تا ۷ سوره «مطفّفين» در خصوص تصحیح و سلامت مبادلات اقتصادی در جامعه با تأکید هرچه تمام‌تر، مسأله قیامت را متذکر شده، می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ إِلَّا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ كُلًّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ لَفِي سَجِّينٍ وَ مَا أَدْرِيكَ مَا سَجِّينٌ» (مطفّفين: ۷-۱)؛ وای بر کم‌فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آن‌ها گمان نمی‌کنند که برانگیخته می‌شوند، در روزی بزرگ؟! روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند. چنین نیست (که آن‌ها درباره قیامت می‌پندارند)، به یقین نامه اعمال بدکاران در سجین است.

از این آیات برمی‌آید که بروز مفاسد اقتصادی نشان از عدم اعتنا به معاد دارد و بنابراین، می‌توان گفت که از دیدگاه قرآن کریم، توجه به روز قیامت و روز محاسبه اعمال عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی است.

## ۱۲-۲- عدالت در عملیات اقتصادی

اصل «عدالت» یکی از بنیانی‌ترین معارف قرآن کریم است<sup>۱</sup> و رعایت عدالت و برقراری قسط در شؤون فردی و اجتماعی انسان‌ها، از جمله فعالیت‌های اقتصادی، یکی از اهداف بسیار بلند اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود: «لقد ارسلنا رُسُلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأسٌ شديدٌ و منافعٌ للناس» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند، و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است.

نحوه بیان اهمیت فراوان «قسط» در این آیه شریفه از لطافت و عنایت شایانی برخوردار است؛ هم فرو فرستادن «میزان» (که ابزار و شاخص برقراری قسط است) در کنار فرو فرستادن «کتاب» (که دارای جلالت و عظمت بسیار زیاد است)، و هم برشمردن برقراری عدالت از اهداف ارسال رسولان الهی، نشانگر اهمیت زایدالوصف اصل عدالت از دیدگاه قرآن کریم است.

در آیه ۱۳۵ سوره مبارکه «نساء» نیز مؤمنان مؤکداً مأمور به برپایی قسط شده‌اند: «يا ايها الذين آمنوا كونوا قوامين بالقسط»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً به عدالت قیام کنید. در آیه ۹۰ سوره «نحل» هم آمده است: «ان الله يأمر بالعدل و الاحسان»؛ خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

همچنین قرآن کریم در خصوص داد و ستد بر مبنای عدالت و قسط با تأکید فراوان، یادآور شده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ وَالسَّمَاءُ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَاقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن: ۱-۹)؛ خداوند رحمان قرآن را تعلیم نمود، انسان را آفرید و به او بیان آموخت. خورشید و ماه با حساب منظمی می‌گردند و

<sup>۱</sup> اهمیت قسط و عدل آن‌قدر زیاد است که در قرآن کریم از «عدالت» به عنوان یکی از صفات خداوند متعال با تأکید هرچه تمام‌تر یاد شده است. ذات اقدس الهی در عین قدرت مطلقه‌ای که دارد، قبل از دستور به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و آحاد جامعه اسلامی به برقراری عدالت، این اصل را به ادق و اشد مراتب آن مراعات می‌کند و در گستره پهناور خلقت، از ازل تا ابد، به هیچ کس ستم روا نداشته است، و نخواهد داشت: «ان الله لا يظلم مثقال ذرّة» (نساء: ۵۴)؛ خداوند (حتی) به اندازه سنگینی ذره‌ای ستم نمی‌کنند. و نیز: «أَنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (یوسف: ۴۴)؛ خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند، ولی این مردمند که به خویشتن ستم می‌کنند. و نیز «و نضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئا» (انبیاء: ۵۴)؛ ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم، پس به هیچ کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود. و «قضى بينهم بالقسط و هم لا يظلمون» (یونس: ۵۴)؛ و در میان آن‌ها، به عدالت داوری می‌شود، و ستمی بر آن‌ها نخواهد شد. همچنین تمامی آیاتی که در آن‌ها تسبیح حضرت حق - جلّ و علی - مطرح شده است، مؤکد صفت عدالت در ذات اقدس او تبارک و تعالی می‌باشند. «فنادى فى الظلمات لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين» (انبیاء: ۸۷)؛ (یونس) در ظلمت‌ها (بی‌متراکم) صدا زد (خداوند!) جز تو معبودی نیست؛ منزّهی تو! من از ستم‌کاران بوده‌ام.

گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند. و آسمان را برافراشت و میزان و قانون (در آن) گذاشت تا در میزان طغیان نکنید (و از مسیر عدالت منحرف نشوید) و وزن را بر اساس عدل برپا دارید و میزان را کم نگذارید.

«أوفوا الكيلَ و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلکَ خیرٌ و احسنُ تأویلاً» (اسراء: ۳۵) هنگامی که پیمانہ می‌کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید. این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

«لا تبخسوا الناس اشیاءهم» (هود: ۸۵)؛ و بر اشیا (و اجناس مردم) عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید.

در مورد «قسط در مبادلات» چند نکته مهم قابل ملاحظه‌اند:

۱. در آیه ۳۹ سوره «اسراء» یادآوری شده است که برقراری قسط در مبادلات، که پیش‌تر ذکر گردیده، از احکام حکیمانہ خداست: «ذلکَ ممّا اوحی الیک ربّک من الحکمۃ» (اسراء: ۳۹) این احکام از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی فرستاده است.<sup>۱</sup> بنابراین، اصل «عدالت» در اقتصاد یک اصل یمانه و واقع‌گرایانه به شمار می‌رود که سلامت و رشد اقتصاد رهین آن است.

۲. همچنان‌که ناقص تحویل ندادن کالایی که فروخته می‌شود مورد تأکید است، عیب نگذاشتن روی کالایی که خریداری می‌شود و ناقص پرداخت نکردن ثمن آن نیز مورد تأکید است.

۳. توزین کامل و اجتناب از کم‌فروشی، عاقبتی خوش به دنبال دارد (ذلکَ خیرٌ و احسنُ تأویلاً). شاید بتوان گفت شخصی که با کم‌فروشی در صدد است در کوتاه مدت ثروت بادآورده‌ای انباشته کند، نباید از این نکته غافل باشد که رواج کم‌فروشی در جامعه در دراز مدت پیامدهای سوء فراوانی به همراه خواهد داشت؛ از جمله این‌که خود او نیز کالاها و خدمات را به طور ناقص (و گران) دریافت خواهد کرد و بنابراین، ثروت او همواره در حال کاهش و زوال خواهد بود. افزون بر این، «کم‌فروشی»، که نوعی سرقت است، یک انحطاط اخلاقی و آفت شخصیتی برای افراد جامعه به بار می‌آورد. همچنین امنیت خاطر مردم در مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی دچار آسیب گشته، سطح رضایت خاطر آنان از حاصل تلاش‌های اقتصادی یکدیگر کاهش می‌یابد.<sup>۲</sup>

قطعا یکی از مظاهر حضور قرآن در صحنه زندگی، جلوه‌گری عدالت در زمینه‌های گوناگون آن است و همان‌گونه که از آیاتی که ذکر شدند برمی‌آید، اجرای عدالت تنها وظیفه منبع رهبری و دولت اسلامی نیست، بلکه مردم نیز به نوبه خود، موظف به انجام این مهم می‌باشند. البته مسئولیت دولت بسیار سنگین‌تر است؛ چرا که با ابزارها و قدرت‌های منحصر به فردی که در اختیار دارد، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سوق دادن جامعه به سوی انجام امور بر مبنای عدالت دارد. مسلماً در رأس برنامه اجرای عدالت، وضع مقررات عادلانه از سوی قوه مقننه است و بدون تردید، آغاز بسیاری از بی‌عدالتی‌ها، وضع مقررات نابخق و تبعیض‌آلود است. همچنین نهادها،

<sup>۱</sup> و این یکی از مصادیق تعلیم حکمت (یزکبهم و یعلمهم الكتاب و الحکمۃ) و هدایت به سبیل سلام (یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام) است و شایسته است جامعه قرآنی ما همواره پای‌بندی خود را به این تعلیم قرآنی نشان دهد.

<sup>۲</sup> بیانات علامه طباطبائی را در این خصوص می‌توان در ذیل آیه ۳۵ اسراء، در ج ۱۳ المیزان، ص ۹۱ و ۹۲ ملاحظه کرد.

سازمان‌ها، تشکّل افراد صاحب نفوذ در فرهنگ و افکار مردم و کسانی که ابزارهای اطلاع‌رسانی را در دست دارند، نقش حسّاس و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی ذهنیات، تمایلات و مطالبات مردم بر اساس حق و عدل دارند.<sup>۱</sup>

پایان این مبحث، لازم می‌نماید خاطر نشان گردد که منادیان و آمران به عدالت باید بدانند که تلاش برای برقراری عدالت در جامعه، کاری بس مقدّس و پیامبرگونه است و بنا به گفته قرآن کریم، چنین افرادی در معرض آسیب دیدن و از دست دادن جان خود می‌باشند (چرا که اجرای عدالت منافع نامشروع تبه‌کاران را به خطر می‌اندازد و آنان را به واکنش‌های ایذایی وادار می‌کند). خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (آل عمران: ۲۱)؛ کسانی را که به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و (نیز) مردمی را به قتل می‌رسانند که امر به عدالت می‌کنند، به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!

## ۲-۱۳- اقتصاد در پرتو تزکیه

یکی از درخشان‌ترین فرازهای قرآن کریم تأکید هرچه تمام‌تر بر لزوم اهتمام انسان‌ها به «تزکیه نفس» است. اهمیت این مسأله به حدی است که یکی از اهداف بعثت انبیاء علیهم‌السلام تحقق بخشیدن به این مهم عنوان شده: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَانْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (جمعه: ۳ و ۲)؛ او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها می‌خواند و آن‌ها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلّمًا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و (همچنین) رسول است بر گروه دیگری که هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند و او عزیز و حکیم است. علامه طباطبائی در المیزان، «زکات» را به معنای رشد شایسته همراه با خیر و برکت، و «تزکیه انسان‌ها توسط رسول الهی» را به معنای رشد دادن آنان به نحو شایسته از راه متّصف کردنشان به اخلاق فاضل و اعمال صالح، دانسته‌اند. در اثر تزکیه، مردم در انسانیتشان به کمال می‌رسند و وضعشان در دنیا و آخرت به سامان می‌رسد و از زندگی سعادت‌مندانه و مرگ سعادت‌مندانه برخوردار می‌گردند.<sup>۲</sup>

برای درک اهمیت فراوان تزکیه از دیدگاه قرآن کریم، کافی است قدری در آیات مبارکه سوره «شمس» تدبّر شود. خداوند متعال پس از یازده قسم به عظیم خلقت و یاداورشدن سرشت انسان و الهام موجبات رشد و تعالی او از یک سو و زمینه‌های سقوط و تباهی او از سوی دیگر، می‌فرماید: فلاح انسان در گرو تزکیه اوست: «وَالشَّمْسُ وَ ضَحِيهَا وَالْقَمَرُ إِذَا تَلٰٓيٰهَا وَ النَّهَارُ إِذَا جَلٰٓيٰهَا وَ اللَّيْلُ إِذَا يَغْشٰٓيٰهَا وَ السَّمَاءُ وَ مَا بَنِيهَا وَ الْاَرْضُ وَ مَا طَحٰٓيٰهَا وَ نَفْسٌ وَ

<sup>۱</sup> در این جا لازم به یادآوری است که در جامعه اسلامی، این شیوه پسنديده‌ای نیست که هر گروه و صنفی تنها به فکر مصالح خود و بی‌اعتنا به سایر قشرها و افراد جامعه باشد و لزوماً قوای مقننه و مجريه بايد در حد مقدور پس از ملاحظه مسائل در سطح کلان کشور و رعايت مصالح تمامی اصناف و فرد فرد جامعه تصميم‌گيري کنند.

<sup>۲۹</sup> محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱۹، ص ۲۶۵

ما سَوِيْهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوِيْهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس: ۱-۱۰)؛ به خورشید و گسترش نور آن سوگند، و به ماه هنگامی که پس از آن در آید، و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن می‌سازد، و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند، و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده و به زمین و کسی که آن را گسترانیده، و قسم به جان آدمی و آن که آن را (آفریده و) منظم ساخته، سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است، که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرد، رستگار شد، و آن که نفس خود را بامعصیت و گناه‌آلوده ساخت، نومید و محروم گشت.

از بیانات علامه طباطبائی در این زمینه، استفاده می‌شود که طبع انسان اقتضای رشد شایسته همراه با خیر و برکت را دارد و «تزکیه» به فعلیت رساندن چنین رشدی است و رشد ناشایست بر خلاف اقتضای طبع و سرشت انسان می‌باشد.

با ملاحظه آیات مزبور و آیات فراوان دیگری که به معرفی و بیان هویت انسان و آغاز و فرجام او پرداخته‌اند، درمی‌یابیم که از دیدگاه قرآن کریم، در انسان قابلیت‌ها و استعداد‌های فراوانی نهفته است که بروز و ظهور و فعلیت آن‌ها تا افق‌های بی‌نهایت می‌تواند ادامه یابد و او شگفت‌ترین موجود خاکی است که هم قابلیت دارد در اثر تربیت صحیح، به مراتب بسیار عالی دست یابد و هم ممکن است در اثر تربیت و رفتار سوء، به هولناک‌ترین ورطه‌های تباهی سقوط کند. بر این اساس و با توجه به این که رفتارهای انسان متأثر از تفکرات و شخصیت اوست؛ «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ» (اسراء: ۸۴) بگو هرکس طبق روش (و خلق و خوی) خود عمل می‌کند. و نیز «الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بَاذِنِ رَبِّهِ وَ اَلَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ اِلَّا نَكْدًا» (اعراف: ۵۸)؛ سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگارش می‌روید. اما سرزمین‌های بد طینت (و شوره‌زار) جز گیاهی ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید.

لزوم توجه عمیق به تزکیه شدن افراد جامعه برای بروز رفتارها شایسته در زمینه‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، از جمله در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، به خوبی نمایان می‌شود و معلوم می‌گردد که نه نظر خوش‌بینانه داشتن به عملکرد انسان و جوامع انسانی صحیح است (آن گونه که برخی از اقتصاددانان سنتی عقیده داشتند) و نه نظر بدبینانه داشتن.

چنان که به رغم دیدگاه برخی نظریه‌پردازان ساده‌اندیش نمی‌توان به این دل‌خوش بود که جهت‌گیری قوانین طبیعی حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی افراد جامعه بدون هیچ معارضی به سمت خیر و کمال است و لزوماً اصلاحات امور به صورت خودکار محقق می‌شوند و بنابراین، لازم است جریان امور اقتصادی آزاد و رها باشد تا به طور طبیعی و خودکار، تولید و توزیع بهینه عینیت یابند. گو این که از دیگر سو، نمی‌توان بدبینانه به عملکرد متغیرهای اقتصادی نگریست و آینده‌ای مبهم و نگران‌کننده از حیث اقتصادی برای بشریت ترسیم کرد، بلکه باید مجدّانه درصدد تزکیه احاد افراد جامعه برآمد و با مراقبتی مستمر، برای رشد صحیح هویت انسانی و جلوگیری از بروز انحراف و رشد ناشایست تلاش نمود، تا اسباب و زمینه‌های اصلاحات شؤون فردی و اجتماعی افراد، از جمله اصلاحات اقتصادی، فراهم شوند.

در خاتمه این مبحث، لازم به یادآوری است که رابطه «اقتصاد» با «تزکیه» دو سویه است؛ یعنی همچنان که تزکیه در سامان بخشی و اصلاح امور اقتصادی نقش تعیین کننده ای دارد، فعالیت های اقتصادی نیز می تواند در تزکیه انسان مؤثر باشند؛ مثلاً، کسی که زکات مال خود را می پردازد، با این کار اقدامی در جهت تزکیه نفس خود نموده است:

- «الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى» (لیل: ۱۸)؛ کسی که مال خود را (در راه خدا) می بخشد تا پاک شود.  
 - «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه: ۱۰۳)؛ از اموال آن ها صدقه (به عنوان زکات) بگیر تا به وسیله آن، آن ها را پاک سازی و پرورش دهی.

بنابراین - همان گونه که ذکر شد - عملیات اقتصادی می تواند مظهری از عبودیت خداوند متعال باشد. در این جا همچنین تأکید می گردد که رفتارهای اقتصادی می توانند راهی برای تزکیه شدن انسان باشند و بدین سان، بی پایگی القائنات کسانی که تلاش های اقتصادی را مانعی برای خودسازی و تزکیه نفس می دانند، روشن می شود.

## ۲-۱۴- اقتصاد در نهج البلاغه

مسائل اقتصادی همواره پیش روی جامعه و دولتمردان قرار داشته اند. موضوع رسیدن به حداکثر سود در انواع نظام های اقتصادی مطرح می باشد و مکاتب گوناگون سعی در پاسخگویی به آن و حل مشکلات ناشی از آن دارند.

هر مکتب با توجه به تئوری های مقبول، با این سؤال مواجه می شود، اما می توان گفت که این قبیل مواجهه ها معمولاً نوعی نگاه از درون را بر مسائل اقتصادی خود صورت می دهند. در این حالت مفاهیم یا موضوعات بزرگ یا اصلی مغفول نهاده شده و لذا مسائل همچنان باقی می ماند.

## ۲-۱۵- اصلاحات اقتصادی در نهج البلاغه

برخی از مهمترین برنامه های علی (ع) در زمینه اصلاحات اقتصادی به شرح ذیل است:

### ۱- فقرزدایی و عدالت اجتماعی:

اسلام دین آزادی است. آزاد کردن انسان از همه بندها و تنها بسته کمند حق ساختنش، چگونه میتوان سخن از آزادی انسان گفت در حالیکه اسیر فقر است. علی (ع) آنگاه که بر مصدر حکومت قرار گرفت مبارزه ای بنیادی علیه فقر سازمان داد و علیرغم همه مشکلات و موانع، موفق گردید در حوزه حکومتی خود تا اندازه ای به آرمان فقرزدایی و عدالت اجتماعی دست یابد، چنانچه خود می فرماید:

کسی در کوفه نیست که در رفاه بسر نبرد.

حتی پایین ترین افراد نان گندم می خورند و سر پناه دارند و از آب فرات می آشامند. (بحارالانوار- ج ۴۰-

ص ۳۲۷)

مبارزه امام علیه فقر را میتوان از سه زاویه مورد بحث قرار داد:

الف- همدردی مسئولین با فقرا:

از یک طرف امام از خود و کارگزاران خود شروع کرده ، به مواسات و همدردی با فقرا می پردازند و معتقدند که:

خدای تعالی بر پیشوایان حق واجب فرموده است که خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا رنج فقیر تنگدست را پریشان و نگران نسازد همچنین ثروتمندان بوسیله ثروتشان سرکشی و طغیان ننمایند.  
ب- برخورد با انگل های اقتصادی:

از طرف دیگر از جایگاه حکومتی مبارزه ای سخت علیه زالو صفتانی که با مکیدن خون مردم متورم شده اند آغاز می نماید.

امام صادق (ع) در حدیث زیبایی در مورد کاهش فاصله طبقاتی و تعیین حد فقر چنین می فرماید :  
خداوند در اموال ثروتمندان نگریست، آنگاه به فقرا نظر کرد، پس در اموال ثروتمندان آنقدر برای مستمندان قرار داد که زندگی ایشان به رفاه باشد و اگر به آن حد نرسد باید افزایش دهند تا جایی که بخورد و بیاشامد و بپوشد و ازدواج کند و صدقه دهد و به حج برود.

از این کلام روشن است که تا کسی به این حد از امنیت اقتصادی و رفاه نرسد، فقیر محسوب می شود و باید تلاش کرد تا با زدن ریشه های اجتماعی، زمینه شکوفایی عدالت اجتماعی فراهم گردد و انسان فقیر و نیازمند، آسوده از دغدغه گذران معاش در بستر آسایش مادی به سوی کمال حقیقی سیر کند.

برخی از اساسی ترین اقدامات حضرت در جهت ریشه کن کردن فساد اقتصادی به شرح ذیل می باشد:  
- بازگرداندن ثروتهای بادآورده و نامشروع به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را در هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آنکس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است. (نهج البلاغه- خطبه ۱۵)  
- جلوگیری از سوء استفاده اطرافیان مسئولین:

ای مالک! همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان و به هیچکدام از ایشان زمین واگذار مکن و بگونه ای با ایشان رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند. (نهج البلاغه- نامه ۵۳)

۲- مبارزه با احتکار و گرانفروشی:

ای مالک! این را هم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ نظر و بدمعامله و بخیلند و احتکار کننده اند که تنها با زورگویی به سود خود می اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می خواهند می فروشند که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می کرد. باید خرید و فروش به سادگی و با موازین عدالت باشد، با نرخهایی که بر فروشنده و خریدار زیانی نرسد. کسی که پس از منع تو احتکار کند او را کیفر ده تا عبرت دیگران باشد اما در کیفر او اسراف مکن.

ج- توجه به محرومان در تعیین بودجه های اقتصادی :



الله، الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم

خدای را، خدای را، در خصوص طبقه پایین جامعه، آن کسانی که دردشان را هیچ چاره ای نیست. امیر مؤمنان علی (ع) جهت رفع مشکلات محرومان جامعه به مالک اشتر چنین توصیه می نمایند:  
- از بیت المال سهمی برای ایشان قرار بده... هرگز مباد، که سرمستی ریاست، تو را از آنان بازدارد و گمان کنی به کارهای مهمتری اشتغال داری؟  
- بویژه امور کسانی از این قشر را بیشتر پرس و جو کن که چندان کوچک و بی شمارند که به چشم نمی آیند و نمی توانند به تو دست یابند.

- برخی از افراد مورد اعتماد، خداترس و متواضعت را آزاد بگذار تا گزارش امور ایشان را نزد تو بیاورند و سپس در موردشان بگونه ای اقدام کن که در روز دیدار با خدایت عذرت پذیرفته باشد.  
از این کلام روشن است که تا کسی به این حد از امنیت اقتصادی و رفاه نرسد، فقیر محسوب می شود و باید تلاش کرد تا با زدن ریشه های اجتماعی، زمینه شکوفایی عدالت اجتماعی فراهم گردد و انسان فقیر و نیازمند، آسوده از دغدغه گذران معاش در بستر آسایش مادی به سوی کمال حقیقی سیر کند.

### ۳- مساوات :

امام در همان سخنرانی نخست خود- بر خلاف خلفای قبلی که تقسیم بیت المال را بر اساس سوابق اسلامی و ترکیب قبائلی قرار داده بودند- با اشاره به آنکه او تنها به کتاب خدا و سیره رسول خدا عمل خواهد کرد، به سیاست مالی خود اشاره کرده، فضل مهاجر و انصار را بر دیگران، برتری معنوی خواند که نزد خدا محفوظ بوده و پاداش آن به نزد خداست، اما در تقسیم بیت المال کسی بر دیگری برتری ندارد. امروز نیز یکی از مشکلات مهم اقتصادی ما، رعایت اصل مهم عدالت و مساوات است. برخورداری از حقوق و مزایای یکسان برای افراد هم رتبه، برخورداری از شرایط یکسان جهت فعالیتهای اقتصادی و گرفتن امکانات عمومی برای همه افراد جامعه و دهها مورد دیگر می تواند از مصادیق عدالت و مساوات اقتصادی باشد.

### ۴- ریشه یابی علل تنگناهای اقتصادی:

کارشناسان اقتصادی معمولاً هنگام بررسی عوامل رکود اقتصادی فقط به مسائل مادی توجه دارند، اما در یک نظام الهی به مسائل معنوی و غیر مادی نیز جهت ایجاد رونق و شکوفایی اقتصاد توجه می شود.  
( آری هنگامی که بندگان خدا کارنامه ای زشت ارائه دهند خداوند به کاهش میوه ها و دریغ داشتن برکتها و فروبستن درهای خزائن خیرات، مبتلاشان می کند تا شاید که توبه کاری توبه کند. آری، چنین است که خداوند استغفار را سببی ساخته است برای روزی رسانی و گسترش رحمت.)

### ۵- امنیت اقتصادی :

در برنامه ریزی های اقتصادی، امنیت عامل مهمی است که بدون آن توسعه اقتصادی امکان پذیر نخواهد بود. مهمترین عامل در ایجاد امنیت اقتصادی، شیوه برخورد دولت با تجار، کسبه، تولید کنندگان و کارگران و برنامه ریزیهای دولتی در جهت امنیت شغلی آنان است.

((هرگز مبادا کسی را از مایحتاجش باز دارید و از رسیدن به خواسته اش بی بهره نمایید، هرگز مبادا به مال احدی از مردم- از مسلمانان نمازگزار تا اقلیتهای در گرو پیمان (متعهد به قوانین کشور)- دست بیازید، مگر آنکه اسب و جنگ افزاری بیابید که در تجاوز به مسلمانان به کار گرفته شده.))

۶- اصلاح نظام مالیاتی :

امام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به نکات مهمی جهت اصلاح نظام مالیاتی اشاره می فرماید:  
الف- مالیات را بگونه ای تنظیم کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد.

ب- تا نظام مالیاتی و امور مالیات دهندگان اصلاح نشود، امور دیگر اقشار جامعه اصلاح نخواهد شد، زیرا همه مردم نان خور مالیات و مالیات دهندگانند.

ج- باید هدف آبادانی کشور باشد نه جمع آوری مالیات، چرا که مالیات جز با آبادانی فراهم نمی گردد.  
د- اگر مردم از سنگینی مالیات، خشکسالی و ... شکایت کردند، به ایشان تخفیف بده تا امورشان سامان گیرد.  
ه- هرگز تخفیف دادن در مالیات تو را نگران نسازد، زیرا این سبب آبادانی شهرها، گسترش عدالت میان مردم و تعریف و ستایش مردم از تو می گردد... و اگر در آینده کاری پیش آید و بر عهده مردم بگذاری با شادمانی خواهند پذیرفت.

۷- اهمیت به تجارت و صنعت:

(از من نسبت به تجار و صاحبان صنعت قبول وصیت کن و خوبی به آنان را به زیردستان خویش توصیه کن، از اینها نباید غافل باشی چرا که تجار و صنعتگران از سبب منفعت و وسیله امن و آسایش مردمند). (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۸- نظارت بر بازار و رسیدگی به امور آن:

الف- اقدامات آموزشی :

(یا معشر التجار ! الفقه ثم المتجر)

ای جماعت بازرگانان ! ابتدا احکام و قوانین اسلامی تجارت را بیاموزید و سپس اقدام به تجارت نمایید.  
آموزش تجارت بدون ربا، پرهیز از گرانفروشی، آموزش اخلاق تجاری (آسان گرفتن معاملات، پرهیز از قسم خوردن، دروغ گفتن و ...) ، رعایت عدل و انصاف و پرهیز از کم فروشی، برخی از اقدامات آموزشی حضرت به تجار و کسبه بازار بود.

ب- اقدامات عملی:

- ۱- مشخص کردن گروهی از افراد معتمد جهت نظارت و بررسی مشکلات بازار
- ۲- مجازات گران فروشان، معتکران و کم فروشان با توجه به گزارش ناظران بازار
- ۳- مجازات بسیار شدید ناظران بازار در صورت تخلف و دریافت رشوه
- ۹- اهمیت به بخش کشاورزی:

امیر مؤمنان نه تنها خود به کار کشاورزی اشتغال داشت بلکه همواره به کارگزاران خویش رعایت حال کشاورزان را توصیه می فرمود و با توجه به شرایط آب و هوایی، از مسئولان مالیاتی می خواست تا در شرایط بحرانی در میزان مالیات به ایشان تخفیف دهند.

۱۰- نظام توانمند بیمه و بازنشستگی:

امیر مؤمنان هنگامی که پیرمرد مسیحی نابینایی را مشاهده نمودند که مشغول گدایی است، فرمودند:

این مرد را در جوانی به کار وادار کرده اید، اکنون که پیر و ناتوان گشته است، از معاش محرومش ساخته اید؟ هزینه زندگی او را از بیت المال بپردازید.

## ۲-۱۶- کار، اشتغال و تولید در آئینه نهج البلاغه

### ۲-۱۶-۱- رویکرد اقتصادی کار، اشتغال و تولید

نامه امام علی علیه السلام به والی شایسته خود، مالک اشتر را می توان، منشور حکومت و تبیین دیدگاههای آن حضرت نسبت به مسائل گوناگون حیاتی جامعه دانست. در ابتدای این منشور، اهداف کلی و آنگاه راهکارهای تحقق آنها را بیان می فرماید.

این اهداف عبارتند از، «جباية خراجها، و جهاد عدوها، و استصلاح اهلها، و عماره بلادها» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) فرایند «عمارت بلاد» بدون «استصلاح» تربیت و تعلیم افراد جامعه ممکن نیست، همچنان که تربیت و تعلیم در جامعه بدون تأمین امنیت «جهاد عدو» و تأمین مخارج این اهداف «جباية خراج» امکان ندارد.

به بیان دیگر این اهداف، اهداف منشور یک حکومتند. ارتباط منطقی و واقعی و نظاممند بین هر یک از این اهداف با یکدیگر را از یک طرف، و ارتباط آنها با راهکارهای آنها را از طرف دیگر، باید مورد توجه قرار داد. زیرا در یک ساختار و چینش خاص، این اهداف و راهکارها زمینه پیدایش و تبلور دارند. مثلاً «عمارۀ البلاد»، «آبادانی شهرها» در هر مرحله تاریخی یک پدیده ای اجتماعی است که در سایه اشتغال تحقق می یابد. اشتغال یعنی تأمین تقاضای کار از طریق نیروی انسانی که در جانب عرضه، جویای کار است.

در صورتی که تولید کالا و خدمت در سطح جامعه پویایی لازم را نداشته باشد، تقاضای مؤثر برای عامل کار شکل نمی گیرد و در نتیجه جامعه مواجه با پدیده بیکاری می شود. همچنین اگر تولید کننده، نیروی کار مورد

نیاز خود را نتواند تأمین کند، بطور طبیعی تا آن جا که تولید وابسته به نیروی کار است مواجه با رکود می شود و در نتیجه نه اشتغال تحقق می یابد، نه عمارت و آبادانی. بنابراین «عمارت بلاد» نیاز به اشتغال و اشتغال در سایه تعادل دو عنصر اساسی زیر شکل می گیرد. الف- تولید (تقاضای کار)؛ ب- نیروی انسانی مناسب تولید (عرضه کار)

بی شک هم تولید و هم تأمین نیروی انسانی مناسب دو پدیده اجتماعی است که مناسبات و شرایط اجتماعی هماهنگ را می طلبد، چرخه تولید کالا و خدمت و تأمین نیروی انسانی با مهارت و کار آزموده نه در خلأ اجتماعی شکل می گیرد و نه در سایه روابط نابهنجار اجتماعی، از این رو در این قسمت بحث، سعی بر این است که ساختار کلی و اصول و شرایط ضروری اشتغال و تولید، به عنوان زیر ساخت اجتماعی - اقتصادی «عمارت بلاد» از دیدگاه امام علی علیه السلام به تصویر کشیده شود. طبیعی است که با پیدایش این اصول کلی به عنوان زیر ساخت، مسیر اشتغال - تولید - در جامعه در هر زمانی هموار می گردد.

## ۲-۱۶-۲- اصول زیرساختی و راهبردی

۱- عدالت اجتماعی (زمینه ساز مشارکت مردم)

۲- تعلیم و تربیت (تربیت نیروی انسانی با مهارت)

۳- شکوفایی بخشهای مهم اقتصادی (زراعت، صنعت و تجارت)

۴- راهبردها.

### ۱- عدالت اجتماعی

بی شک عدالت اجتماعی بر آیند حاکمیت عدالت در نهادهای مختلف جامعه از قبیل اقتصاد، تعلیم و تربیت، قضاوت و قانونگذاری است. با تحقق عدالت در این شؤن و وجوه اساسی جامعه، عدالت اجتماعی شکل می گیرد. از این رو، امام علی علیه السلام عدالت را شرط ضروری استواری روابط مردم و حاکمیت و آهنگ به پیشرفت جامعه می داند.

فاذا أدت الرعيه الى الوالى حقه وادى الوالى اليها حقّها، عز الحق بينهم، وقامت مناهج الدين و اعتدلت معامل العدل، و جرت على أذلالها السنن فصلح بذالك الزمان و طمع فى بقاء الدولة و يئست مطامع الاعداء و اذا غلبت الرعيه و اليها او اجحف الوالى برعيته، اختلفت هناك الكلمه و ظهرت معالم الجور و كثر الادغال فى الدين (نهج البلاغه، خ ۲۱۶).

پس چون رعیت حق والی را بگذارد، و والی حق رعیت را به جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار بشود، و راههای دین پدیدار و نشانه های عدالت برجا، و سنت چنانکه باید اجرا، پس کار زمانه آراسته گردد و طمع در پایداری دولت پیوسته و چشم آزدشمنان بسته، و اگر رعیت بر والی چیره شود و یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار.

عدالت در این نص، همان رعایت حقوق متقابلی که خداوند برای تنظیم روابط و تعیین حدود و مرزهای حاکمیت و ملت، وضع نموده است. فرض این است که با اجرای این حقوق متقابل طبیعی ترین رابطه بین

مسئولان نهاد حکومت و مردم و در نتیجه زمینه مشارکت مردم در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ، دفاع، امنیت، بهداشت، آموزش،... فراهم می گردد. زیرا اعتماد عمومی نسبت به دولت و دلتمردان با زیر پا گذاشتن حقوق مردم از جانب حاکمیت ممکن نیست بارور گردد، و با از بین رفتن این اعتماد، جامعه نسبت به این نهاد، بی تفاوت و احيانا بیگانه می گردد.

منطقی ترین فضای عمومی جامعه این است که ملت نیازمندیهای خود را با سهولت تمام به مسئولان منتقل و دست اندرکاران و کارگزاران هم بدون ابهام داده های آماری و اطلاع رسانی را از متن جامعه دریافت نمایند، و در نتیجه زمینه سازی مشارکت و فراخوانی مردم جهت رفع این نیازها با موفقیت انجام پذیرد. نفس و دستور زیر را می توان نمونه ای روشن از این روابط شفاف و بی پیرایه دانست.

اما بعد فان قوما من اهل عملك آتوني فذكروا أن لهم نهرا قدعفی ودرس و أنهم لو حفروه و استخرجوه عمرت بلادهم و قووا علی خراجهم وزادفی المسلمین قبلهم و سألونی الكتاب إلیک لتأخذهم بعمَلِهِ و تجمعهم لحفره و الانفاق علیه و لست أری أن أجبر احدا علی عمل یکدحه فادعهم ألیک فان کان الأمر فی النهر علی ما وصفوا فمن أحب ان یعمل فمره بالعمل و ان النهر لمن عمله دون من کرهه و لأن یعمروا و یقووا أحب الی من أن یضعفوا (محمودی: ۳۵۹/۵).

«گروهی از حوزه مأموریت تو نزد من آمدند و چنین اظهار کردند که اگر نهر متروک و غیر قابل استفاده آنها لایروبی و حفاری شود، شهرهای آنها آباد و بر ادای خراج توانمند و درآمد مسلمین از این جهت افزوده می شود واز من در خواست کردند، برای تو نامه ای بنگارم، که در انجام چنین کاری آنها را جمع کنی و نیروی آنها را در حفر و عمران نهر و تأمین هزینه آن به کارگیری. اما دوست ندارم کسی را به کاری مجبور سازی که از آن کراحت دارد و بدان بی میل است، اگر نهر، آنچنان است که آنها گفتند، من انجام خواست آنها را به شما ارجاع می دهم، هر کس که دوست دارد در انجام این امر کار کند، از او بخواه که تلاش کند و در نتیجه، نهر مال افرادی است که کار کرده اند، نه افرادی که نسبت به انجام این مهم بی میل باشند و اگر دست به عمران نهر شوند و وضعیت مالی آنها تقویت شود، از نظر من بهتر است تا این که در ضعف در آمد مالی باقی بمانند.» نکاتی که از این نص می توان استفاده نمود عبارتند از:

۱- امام علی علیه السلام تاکید و اصرار دارند که مشارکت مردم، با خواست و رضایت آنها انجام پذیرد و نه تحمیل و اجبار.

۲- عمران و آبادانی مورد خواست امام علی علیه السلام است، او به مسئول مربوطه دستور می دهد که اگر چنین عمران و تولیدی بدست مردم انجام پذیرد، خواست و مطلوب او نیز انجام پذیرفته است.

۳- مسئولان وظیفه دارند، انجام چنین خواست عمرانی را، تسهیل و زمینه اشتغال مردم را فراهم نمایند.

۴- بعد از انجام عمران و آبادانی، عدالت نیز مورد توجه قرار گیرد، آنان که در این امر کار کرده اند در آن سهم دارند، نه آنان که هیچ گونه کار سازنده ای به عهده نگرفته اند.

## ۲- تعلیم و تربیت (استصلاح مردم)

تعلیم و تربیت یکی از وظایف مهم حاکمیت است، همچنان که اشاره شد، امام علی علیه السلام در منشور حکومتش (عهدنامه مالک اشتر) یکی از اهداف حکومت خود را استصلاح مردم (تعلیم و تربیت) می داند و در مورد دیگر یکی از حقوق مردم را تعلیم و تربیت آنها بیان می فرماید.

«و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تأدیبکم کیما تعلموا» (نهج: خ ۳۴) «شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید، و آداب آموزم تا بدانید».

بدیهی است که رویکرد تعلیم و تربیت در عصر امام علی علیه السلام، آموزه های تربیتی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی است و در آن عصر مبارزه با جهل، کوتاه بینی، ظاهرنگری، سطحی نگری، ساده لوحی اجتماعی که زمینه آسیب پذیری جامعه را فراهم می آورد، مسأله ای حیاتی و سرنوشت ساز بوده است، واژه «استصلاح» هم ناظر به همین حوزه از آموزش است.

اداره حکیمانه جامعه آن روز هم، در آن سطح از روابط اجتماعی - اقتصادی، بیش از این نوع تعلیم و تربیت را نمی طلبید؛ ولی در عصر حاضر نهاد تعلیم و تربیت باید جهت «استصلاح» و پیشرفت فرهنگی مردم، بعلاوه رشد فرهنگ عمومی و تقویت وفاق اجتماعی، ریشه یابی آسیبهای گوناگون اجتماعی، به کسب مهارت و فن نیز بپردازد. یکی از زیر ساختهای مهم و سرنوشت ساز اشتغال و تولید، تربیت نیروی انسانی کارآفرین است. هر مقدار که نظام تعلیم و تربیت پیشرفته تر باشد، استعدادهای مختلف افراد جامعه شکوفاتر، و در نهایت کار آفرینی و ایجاد شغلهای کیفی و جدید بیشتر خواهد بود، به دیگر تعبیر محرک اساسی توسعه جامع و همه جانبه در جامعه، توسعه نیروی انسانی آن جامعه است و بار سنگین توسعه نیروی انسانی به عهده نظام تعلیم و تربیت است که در جای مناسب خود می باید مورد بحث قرار گیرد. آنچه که در این جا مهم است و باید بدان توجه شود، این است که در منشور حکومت امام علی علیه السلام به این اصل حیاتی و سرنوشت ساز تصریح شده است که هر کاری باید به کسی که متخصص آن است واگذار شود.

و تَوْخَّ مِنْهُمْ اَهْلَ التَّجَرُّبَةِ وَ الْحِیَاءَ مِنْ اَهْلِ الْبُیُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَ الْقَدَمَ فِی الْاِسْلَامِ، (نهج: نامه ۵۳) «و عاملانی این چنین را در میان کسانی جستجو کن که تجربه و حیاء دارند، از خانواده هایی پارسا و سابقه دار در اسلام. در واقع کارگزارانی می توانند، مسؤولیت مدیریت را به عهده گیرند که هم تجربه کاری دارند و هم صداقت و درستکاری».

### ۳- شکوفایی بخش های مهم اقتصادی

#### الف- کشاورزی:

بخش کشاورزی از نظر امام علی علیه السلام جایگاه ویژه ای دارد. به گونه ای که صلاح، نفع و خیر مردم به صلاح طبقه کشاورز وابسته است، بر همین اساس نسبت به مدارا کردن با دهقانان همواره توصیه می فرمود، کان علی علیه السلام یوصی بالاکارین و هم الفلاحون. (مجلسی: ۱۷۲/۱۰۳)

به فرماندهان نظامی نیز دستور می داد که از جانب آنها به کشاورز ظلم و ستم نشود.

أُنشدكم الله في فلاحی الارض ان یظلموا قبلکم، (محمدی: ۱۷۲/۴) «از شما فرماندهان نظامی می خواهم که مبادا فلاحت پیشه گان از جانب شما مورد ظلم واقع شوند.»  
بر همین اساس سیاست مالی و جمع آوری «خراج» به گونه ای تعیین می کردند که عدالت و انصاف مورد توجه قرار گیرد.

فأنصفوا الناس من أنفسکم و اصبروا لحوائجهم فانکم خزّان الرعیّة و وکلاء الأمّة و سفراء الائمّة و لا تحسموا احدا عن حاجیّة و لا تحبسوه عن طلبته و لا تبیعنّ للناس فی الخراج کسوء شتاء و لاصیف و لا دابة یعتملون علیها. (نهج، نامه ۵۱)

پس داد مردم را از خود بدهید و در برآوردن حاجتهای آنان شکیبایی ورزید، که شما خزانه دار رعیت هستید و وکیلان امت و سفیران امامان، حاجت کسی را روا ناکرده مگذارید، و او را از آنچه مطلوب اوست باز مدارید.  
بی شک بخش کشاورزی در آن زمان با در اختیار داشتن زمین و آب و حیوانی که به کمک آن کشت انجام می شد، به شکوفایی و بهره دهی می رسید، ولی در عصر کنونی بر آوردن نیاز و حاجت کشاورزان به این نیست که فقط سه عامل فوق را در اختیار داشته باشند؛ بلکه زنجیره نیازهای متفاوت باید بطور منطقی برآورده شود تا این که زمینه شکوفایی کشاورزی فراهم گردد. زنجیره ای که سر سلسله آن از کشت و داشت و برداشت شروع و به تثبیت قیمت محصولات و بیمه کردن آنها و بازاریابی و صادرات به بازارهای رقابتی جهان پایان می پذیرد؛ این زنجیره اگر یک حلقه مفقوده داشته باشد، مثلاً قیمت محصولات دچار نوسان چشمگیر باشد، برای ناکامی سیاستهای اقتصادی این بخش کافی است. همچنان که تجربه چندین برنامه پنج ساله در مورد این بخش شاهد این ناکامیهاست.

ب- صنعت و تجارت:

در دیدگاه امام علی علیه السلام جامعه از طبقات مختلفی تشکیل شده است. این طبقات عبارتند از: نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام (هیأت وزیران و معاونان) کارمندان، بازرگانان، صاحبان صنعت و محرومان و ناتوانان. بی شک سرنوشت این طبقات در عینیت جامعه و حیات اجتماعی به یکدیگر وابسته است. و اعلم أن الرعیّة طبقات لا یصلح بعضها الا ببعض و لا غنی ببعضها عن بعض.

بدان که ملت طبقاتی هستند که صلاح برخی به برخی دیگر وابسته و بعضی قشرها از بعضی دیگر بی نیاز نمی باشند، به همین جهت قوام و ایستایی گروههایی همچون نظامیان، کشاورزان، قضات، کاتبان خاص و عام، کارمندان، به دو طبقه بازرگان و صاحب صنعت می باشد. منشأ این وابستگی در عبارت زیر بطور فشرده بیان شده است. و لا قوام لهم جمیعا الا بالتجار وذوی الصناعات فیما یجتمعون من مرافقهم و یقیمونه من أسواقهم و یکفونهم من الترفّق بأیدیهم ما لا یبلغه رفق غیرهم (همان، نامه ۵۳).

و کار این جمله (سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان) استوار نشود جز با بازرگانان و صنعتگران که جمع می شوند و با سودی که بدست می آرند، بازارها را بر پا می دارند، و کار مردم را کفایت می کنند، در آنچه که دیگران مانند آن نتوانند.

اثر وجودی صنعتگران این است که کفایت می کنند کار مردم را؛ زیرا با کمک گرفتن از فکر و بازوی خود، مصنوعات از کالاهای سرمایه ای و مصرفی می سازند که دیگران توان انجام آن را ندارند (یکفونهم من الترفق بایدیههم مالا یبلغه رفق غیرهم) و فلسفه وجودی بازرگانان، این است که این مصنوعات را به بازارهای مصرف می رسانند و در نتیجه چرخه تولید را استمرار می بخشند. اگر مصنوعات صاحبان صنعت بواسطه تجارت به بازارهای مصرف روانه نگردد، تولید صنایع ممکن نیست ادامه یابد و در این صورت، طبقاتی مانند کشاورزان و نظامیان و قضات، و کارمندان به این نوع کالاهای ایزاری و مصرفی مورد نیاز خود نمی توانند دسترسی پیدا کنند. و در نتیجه ادامه کار آنها ممکن نخواهد بود؛ بر همین اساس فرمود قوام و استواری دیگر طبقات به دو طبقه بازرگان و صنعتگر است؛ به دیگر سخن در هر دوره، از تاریخ حیات اجتماعی انسان، طبقه کشاورز نیازمند به صنایع و ابزار آلات کشت و نظامیان و سپاهیان نیازمند سلاح و ساز و برگ نظامی، قضات و دیگر کارگزاران دولت وابسته به در آمد مالیات (خراج) می باشند.

اگر صاحبان صنعت نیازهای فوق را تولید نکنند و بازرگانان آنها را به بازارهای مصرف مورد نیاز نرسانند، بی شک روابط اجتماعی دچار اختلال می شود. همچنان که صاحبان صنعت و کشاورزان و قضات از جهت امنیت، وابسته به نظامیان هستند، وابسته، از جهت وفاق، نظم اجتماعی، زمینه سازی قراردادهای، و اجرای آنها می باشند. در فراز دیگری نیز به همین اثر وجودی بازرگانان و صنعتگران تصریح، و با تأکید و توصیه در مورد آنان می فرماید: ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و اوص بهم خیراً؛ المقیم منهم، و المضطرب بماله و المترقق ببینه، فانهم مواد المنافع و أسباب المرافق، جلابها من المباعده و المطارح فی برک و بحرک و سهلک و جبلک، و حیث لایلتئم الناس لمواضعها و لایجترئون علیها، فانهم سلم لانخاف بائقته و صلح لاتخشی غائلته (همان).

و دیگر این که نیکی به بازرگانان و صنعتگران را بر خود بپذیر، و سفارش کردن به نیکویی درباره آنان را به عهده گیر، چه آنان که در شهر و ثابت هستند. و چه آن که با مال خود از این سو بدان سو رود و با دسترنج خود کسب کند؛ آنان مایه منفعتند و پدیدآورندگان وسایل مورد نیاز و آسایش و آورنده آن از جاهای دوردست و دشوار، در بیابان و دریا و دشت و کوهسار، جایی که مردم در آن جا گرد نیایند و در رفتن به آنجا دلیری ننمایند. این بازرگانان مردمی آرامند و نمی ستیزند، و آشتی و فتنه ای نمی انگیزند.

#### ۴- راهبردها

الف- اصل درآمد مردم به منزله درآمد خزانه دولت:

رابطه اقتصادی حاکمیت با مردم را از دو منظر متفاوت می توان، مورد تحلیل قرار داد. در یک نگاه دولت نسبت به انجام وظایفی مسؤولیت دارد. تأمین امنیت، کالاهای عمومی که بخش خصوصی دست به کار تولید آنها نمی شود، و زمینه سازی فرایند توسعه و رشد برعهده دولت و طبعاً هزینه این وظایف و اهداف را نیز باید از مردم در قالب مالیاتها دریافت نماید، این نگاه می طلبد که دولت درآمدهای خود را با سیاستهای مختلف اعتباری مالی افزایش دهد تا این که با قدرت هر چه بیشتر بتواند به وظایف خود عمل نماید و در نتیجه درآمد دولت نسبت به درآمد مردم اولویت پیدا می کند. نگاه دیگر این است که دولت یکی از وظایف مهم خود را افزایش درآمد مردم تلقی نماید، باور مسؤولان و مدیران میانی و پایین این است که مردم، هرچه بیشتر در آمد



داشته باشند، دولت هم به همان نسبت می تواند بیشتر در آمد داشته باشد و ملت هر مقدار فقیرتر باشد، به همان نسبت بخش عمومی هم دچار فقر خواهد بود. با این نگاه سعی تمام دولتمردان و کارمندان بر این خواهد بود که زمینه کاهش فقر عمومی فراهم شود و در نتیجه مدیران نه تنها موانع حرکت تولید کالا و خدمات را بر می دارند، بلکه خود دست به کار شتاب بخشیدن به این حرکت می شوند.

امام علی علیه السلام بر این مطلب تأکید ویژه ای دارد:

ولا یثقلنّ علیک شی خففت له المؤنة عنهم فانهم ذخر یعودون به علیک فی عماره بلادک و تزیین و لایتک، مع استجلابک حسن ثنائهم و تبجّحک باستقاضه العدل فیهم معتمدا فضل قوتهم بما ذخرت عندهم من اجمامک لهم و الثقة منهم بما عودتهم من عدلک علیهم و رفقک بهم. فرما حدث من الامور ما اذا عولت فيه علیهم من بعد احتملوه طیبه أنفسهم به (همان).

و آنچه بدان بار آنان را سبک گردانی بر تو گران نیاید، چه آن اندوخته ای باشد که به تو بازش دهند، با آبادانی که در شهرهایت کنند و آرایشی که به ولایتها دهند؛ نیز ستایش آنان را به خود کشانده ای و شادمانی که عدالت را میانشان گسترانده ای، حالی که تکیه بر فزونی قوت آنان خواهی داشت بدانچه نزدشان اندوخته ای، از آسایشی که برایشان اندوخته ای و اطمینانشان که با عدالت خود بدست آورده و مدارایی که کرده ای و بسا که در آینده کاری پدید آید که چون آن را به عهده آنان گذاری با خاطر خوش بپذیرند.

با توجه به مفاد این دستور اولاً، در آمد مردم از جهت اقتصادی ذخیره خزانه دولت به حساب می آید، ثانیاً، رابطه عدالت گونه مردم با تو مستحکم تر می گردد، و مردم بهتر به تو اعتماد می کنند. این نگاه که در آمد مردم و قدرت تولید آنها را، در آمد خزانه دولت به حساب می آورد، در روابط اقتصادی جامعه ساختار متناسب را می طلبد.

ب- شرایط کلی ساختار متناسب با اصل اولویت درآمد مردم

#### ۱- کاهش دخالت دولت در حوزه اقتصاد:

بسیاری از مسئولیتهای اقتصادی را که بخش خصوصی می تواند انجام دهد، دولت نباید دست به کار آنها شود، بلکه باید نظارت بر انجام آنها داشته باشد و با سیاستهای اقتصادی این بخش را به طرف اهداف مورد نظر هدایت کند. پدیده های ناهنجاری همانند کسر بودجه، تورم، انحصارات، رانت خواری اقتصادی- سیاسی، اتلاف منابع، کاهش بهره وری، از ناتوانی و ناکارآمدی دولت در حوزه اقتصاد نشأت می گیرد. این ضعف کارآمدی تنها در سایه کم کردن حجم دولت و محدود نمودن میدان دخالت و مباشرت مستقیم آن، مرتفع می گردد. نظارت دقیق تر و هدایت وسیع تر دولت با توجه به گستردگی و پیچیدگی روابط اقتصادی امروز کارسازتر است تا دخالت و تصدی دولت در آنها.

#### ۲- مدیریت در حوزه زیر ساختها:

مسیر توسعه و رشد تولید و اشتغال هموار نمی گردد، مگر این که دولت زیر ساختهای آن را به سامان برساند. بدون داشتن راههای مواصلاتی بهداشت، آموزش، خدمات بانکی، امنیت، دفاع، حرکت توسعه، زمینه عینی ندارد.

با کاهش تصدیهای دولت و هزینه های جاری آن، طبعاً توان دولت بر مدیریت و تولید این زیر ساختها متمرکز، و با شکل گیری این زیر ساختها هزینه بالاسری تولید، کاهش و در نتیجه برخی از شرایط عینی و سخت افزاری رشد تولید و اشتغال فراهم می گردد.

۳- کاهش موانع فرایند تولید:

موانع آشکار و پنهان قانونی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بخش کشاورزی، صنعت و تجارت باید برداشته شود و بطور واقع بینانه شرائط نرم افزاری توسعه و اشتغال در بخشهای فوق فراهم گردد. به عنوان مثال، تجارت داخلی و خارجی در خدمت تولید صنایع و کشاورزی قرار گیرد. تا اینکه مصرف بازارهای داخلی و خارجی نقش پشتوانه استمرار تولید و سرمایه گذاری را ایفا نماید نه این که تولید در خدمت تجارت داخلی و خارجی باشد که در نتیجه درآمد دلالی و رانت خواری زمینه رشد سرمایه گذاری و تولیدات را از بین ببرد.

البته بحث راهبرد به نکات فوق محدود نمی شود، بلکه مسائل حیاتی دیگری را هم زیر پوشش دارد که در جای مناسب خود باید مورد بررسی قرار گیرد. به امید آن روز که جامعه ما به سطح رفاهی که حدیث زیر آن را بیان می کند، دسترسی پیدا کند: ما أصبح بالكوفة احد ناعماً، ان ادناهم منزله لیاكل البرّ و يجلس فی الظلّ و يشرب من ماء الفرات (مجلسی: ۳۲۷/۴۰).

## ۲-۱۷- اقتصاد اسلامی

نظام اقتصاد اسلامی عبارت است از مجموعه قواعد کلی ارائه شده در اسلام در زمینه روش تنظیم حیات اقتصادی و حل مشکلات اقتصادی، در راستای تامین عدالت اجتماعی می باشد.

## ۲-۱۷-۱- نگاه ویژه اسلام به اقتصاد

اقتصاد اسلامی بر خلاف اقتصاد غربی، بر قناعت و پرهیز از مصرف گرایی تأکید دارد. اقتصاد غربی نیازهای انسان را نامحدود و منابع و امکانات جهان را محدود می داند؛ در حالی که در اسلام منابع و امکانات نامحدود معرفی شده اند.

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (سوره ابراهیم، آیه ۳۴)

و اگر بخواهید نعمت های خداوند را در شمار بیاورید نمی توانید نعمت های خداوند را به حد و حصری محدود کنید

اسلام مسأله اقتصاد را (براساس اصالت انسان) به عنوان جزئی از مجموعه قوانین خود که تنها می تواند قسمتی از نواحی حیات انسانی را تنظیم کند، مورد توجه قرار داده و حل مشکلات اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی و اخلاقی مردم می داند.

## ۲-۱۷-۲- ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی

ساختمان عمومی اقتصاد اسلامی از سه اصل اساسی تشکیل یافته است که بر طبق آن، محتوای سیستم اقتصاد اسلامی مشخص می شود، با این ترتیب نظام اقتصاد اسلامی از نظر اصولی از دیگر سیستمهای اقتصادی متمایز میگردد. و این سه اصل عبارتند از:

- ۱- اصل مالکیت مختلط.
- ۲- اصل آزادی اقتصادی در کادر محدود.
- ۳- اصل عدالت اجتماعی.

## ۲-۱۸- تعریف علمی از اقتصاد مقاومتی

امروزه کشور ایران در حوزههای اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون چه در عرصه نظر و در کتابهای درسی و چه در عرصه عمل و تجارب بشری مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین کشور می‌بایست به سمت نوآوری، ابتکار، نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های جدید اقتصادی پیش رود. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است.

در ادبیات علمی، مفهوم اقتصاد مقاومتی تاکنون به کار گرفته نشده است، اما می‌توان مفهوم آن را از دیدگاه‌های رهبر انقلاب ایران، حضرت آیت الله خامنه‌ای که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان کشور ایران این اصطلاح را مطرح کردند و پس از آن در سخنرانی‌های متعددی مورد تأکید ایشان قرار گرفت، و همچنین کارشناسان اقتصادی استخراج کرد.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که برای یک ملت، حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی فراهم می‌کند.<sup>۱</sup>

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن و در شرایط آرمانی، تبدیل چنین فشارهایی به فرصت؛ که نتیجه اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است (قاسمی، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصاد رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی به منظور جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است، چنین اقتصاد مقاومتی باید فعال و پویا باشد نه منفعل و بسته.

اقتصاد مقاومتی را می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. در یک اقتصاد مقاومتی، نباید

<sup>۱</sup>بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۷.

تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره برداری از توان خود برسند (تاری و همکاران، ۱۳۹۱).

اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر - به خصوص کشورهای متخاصم - در شرایط بحرانی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آن‌ها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل به تولید انبوه محصول مورد نظر بپردازد (ممبینی، ۱۳۹۱).

می‌توان از اقتصاد مقاومتی تعاریف دیگری نیز استخراج کرد که در جدول شماره ۲-۱ آمده است.

**جدول شماره ۲-۱: انواع تعریف از اقتصاد مقاومتی (تاج آبادی، ۱۳۹۱)**

نوع اقتصاد	تعریف
اقتصاد موازی	انقلاب اسلامی با توجه به نیازهای خود اقدام به تاسیس نهادهای انقلابی نموده است. لذا برای تامین اهداف انقلاب نیازمند ایجاد نهادهایی موازی برای این کار است.
اقتصاد ترمیمی	اقتصادی که در پی مقاوم سازی، آسیب‌زدایی، خلل‌گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است.
اقتصاد دفاعی	متوجه حجمه شناسی، آفند شناسی و پدافند شناسی ما در برابر آن حجمه است.
اقتصاد الگو	اساساً اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه مدت نیست بلکه چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلند مدت را شامل می‌شود. ما در پی اقتصاد ایده آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم برای جهان اسلام الهام بخش و کارآمد بوده و زمینه ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد.

## ۲-۱۹- چرا اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است؟

امروزه از گزینه تحریم اقتصادی به عنوان مکانیسم و ابزاری برای تعقیب اهداف سیاست خارجی کشورهای استفاده می‌گردد. اعمال تحریم‌های یک جانبه و محدودیت‌های مالی و تجاری، همواره یکی از ابزارهای فشار به کشور جمهوری اسلامی ایران بوده است. با تشدید تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی به کشور جمهوری اسلامی ایران، ضرورت توجه به اقتصادی پویا و فعال اهمیت بیشتری برای این کشور پیدا کرده است. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر این وضعیت باید یک نظام اقتصادی مناسب با تحریم تبیین کند. با توجه به توانمندی‌های اقتصادی ایران، اقتصاد مقاومتی بهترین گزینه می‌باشد. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که از تحریم‌ها فرصت‌سازی کرده و زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌آورد.

انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی این قرن است که شاید ابعاد مختلف آن کمتر شناخته شده باشد. ظهور انقلاب اسلامی ایران در فضای سیاسی و علمی عصر کنونی،

معادلات جدیدی را در این عرصه‌ها رقم زده است. معادلاتی که هر روز ابعاد و پیچیدگی‌های خاصی را بروز می‌دهد. طبعاً نیروهای معارض با چنین دیدگاهی، به همه طرق ممکن سعی در نابودی و محو چنین منظری دارند و در این راه از هیچ برنامه‌ای غافل نخواهند بود.

طرح و اعمال تحریم‌های گوناگون از سوی ایالات متحده آمریکا برای مهار فلسفه سیاسی انقلاب ایران نیز در شرایطی صورت می‌گیرد که این کشور در زمان حکومت پهلوی به عنوان مهم‌ترین شریک خارجی ایران به چپاول و غارت ثروت‌های ملی ایرانیان پرداخته بود. وقوع انقلاب اسلامی که واکنش یکپارچه و قدرتمند مردم ایران به این وضعیت نابهنجار و تحمل ناپذیر بود، نقطه پایانی بر حضور غیرمشروع آمریکا در ایران بود. در واقع ماهیت ضد آمریکایی انقلاب اسلامی موجب شد که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران نیز مناسبات ایران و آمریکا هرگز عادی و بهنجار نباشد.

به همین سبب ایالات متحده از بیم از دست دادن منافع خود در ایران و سراسر منطقه، اقدامات وسیع‌تری را در جهت تضعیف یا تحت کنترل در آوردن نهضت اسلامی ایران انجام داده است. که از آن جمله می‌توان به اعمال تحریم‌های مختلف اقتصادی و وضع قوانین و مقررات گوناگون علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره نمود.

تحریم اقتصادی<sup>۱</sup> جزئی، مهارت‌های دیپلماتیک است که طی قرون متمادی اعمال شده است. تحریم اقتصادی علاوه بر اهداف معمولی، به عنوان یک استراتژی قهرآمیز و جایگزین جنگ نیز لحاظ می‌شود. (لوپز و کوتیت، ۱۹۹۶)

در سال‌های گذشته، دولت‌های متمادی در آمریکا تلاش کردندند که از نظر سیاسی، نظامی و اقتصادی ایران را منزوی و در چارچوب قوانین آن کشور، ایران را تحریم کنند. در زمان ریاست جمهوری کلینتون، کنگره آمریکا تحت تأثیر منافع سیاسی گروه‌های داخلی که با یک کشور خارجی مرتبط می‌شد، ایران را دشمن سال نامیدند و این کشور را متهم کردند که از تروریسم بین‌المللی حمایت و در مقابل روند صلح در خاورمیانه ایستادگی می‌کند و به دنبال دست یابی به سلاح‌های کشتار جمعی و بمب هسته‌ای می‌باشد (علیخانی، ۲۰۰۰).

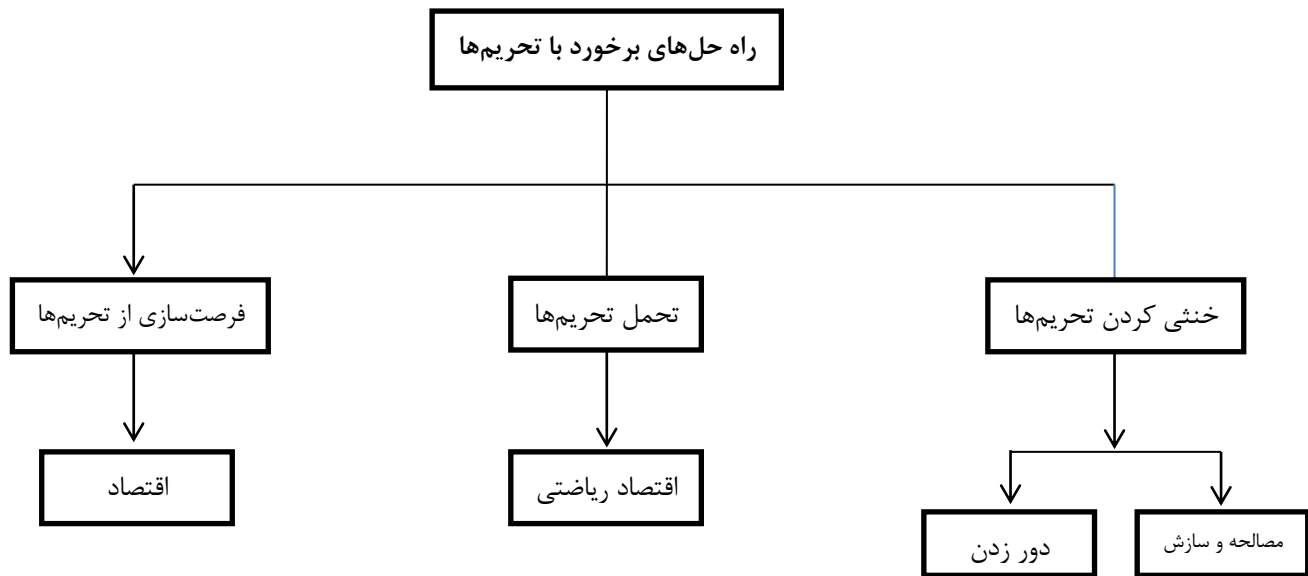
تحریم‌ها و مهار صادرات، لغو آن‌ها و برقراری مجدد آن مستمراً در دولت‌های مختلفی که در آمریکا بر سر کار آمده‌اند بر ایران تحمیل شده است. تشکیلات قانون‌گذاری آمریکا نیز در این کار سهیم شده گهگاه قوانین جدیدی تصویب و اجرا شده است.

با توجه به پتانسیل‌های موجود در ایران، این کشور باید از تحریم‌ها و فشارهای موجود فرصت‌سازی نماید. اقتصاد کشوری که دارای جهان بینی خاصی است و این جهان بینی با منافع ابر قدرت‌های دنیا در تضاد است، اقتصادی خاص خواهد بود، چرا که دشمنی با چنین کشوری همیشه ادامه دارد و در هر دوره‌ای به شکلی بروز

<sup>۱</sup>Economic Sanctions

می‌کند. از این رو باید همه ساز و کارها و اجزا به گونه‌ای طراحی شوند که از آن در برابر تهدیدها حفاظت کنند و مسیر رسیدن به اهداف کشور را هموار سازند.

با تشدید تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی از سوی کشورهای غربی، ضرورت توجه به اقتصادی پویا و فعال اهمیت بیشتری پیدا کرده است. راه کارهای‌های موجود برای مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی تحریم کنندگان را می‌توان در قالب نمودار ۱-۲ نشان داد.



نمودار شماره ۱-۲: راه حل‌های موجود برای برخورد با تحریم‌ها (ممبینی، ۱۳۹۱)

اما معنای اقتصاد مقاومتی<sup>۱</sup> این گونه نیست که مردم کشور ایران مثل کشورهای بحران زده غرب تن به ریاضت اقتصادی دهند و عرصه زندگی برای آن‌ها سخت شود بلکه اقتصاد مقاومتی این امکان فراهم می‌کند تا سبک زندگی مردم به سمت حرکت جهاد گونه و ایستادگی در برابر نقشه‌های دشمن هدایت شود و مردم از سبک زندگی مبتنی بر فرهنگ غرب پرهیز کنند و روش زندگی خود را براساس الگوی اسلامی- ایرانی تنظیم کنند.

در این فضا، اقتصاد مقاومتی طراحی و مدل سازی ویژه‌ای از شرایط و ساز و کارهای اقتصادی است که مبتنی بر آن، فضای اقتصادی کشور براساس فرضی وجود حداکثر تحریم‌ها و فشارها، به صورت فعالی و نه منفعل، طراحی می‌شود. در واقع اقتصاد مقاومتی بنیانی نظری و عملی برای مدل سازی گونه ویژه‌ای از اقتصاد است که فعالانه خود را برای مواجهه با تحریم‌ها، بیش از پیش آماده ساخته است. مکانیسم‌های اقتصادی، فضای کسب و کار، تجارت خارجی، نهادهای مالی و واسطه‌ای و... در اقتصاد مقاومتی مبتنی بر این پیش فرض طراحی

<sup>۱</sup> Resistive Economy

می‌شوند که کشور در تعارض ایدئولوژیک دائمی با نظام سلطه است و هر ضربه اقتصادی از غرب ممکن است در هر لحظه به کشور وارد شود. در چنین فضایی، تحریم‌های اقتصادی نه تهدید، بلکه فرصت ویژه‌ای هستند که زیر فشار آن‌ها می‌توان راهبردهای اقتصاد مقاومتی را با قدرت و اجماع ملی همراه و پیاده سازی آن‌ها را تسریع کرد. در این رویکرد، کسب ثروت و درآمد ملی از مسیرهایی دنبال می‌شود که قدرت چانه زنی کشور در فضای سیاسی بین‌المللی را تقویت می‌کند؛ نه آنکه کشور ناگزیر باشد به دلیل مسائل اقتصادی از اهداف ایدئولوژیک خود در فضای سیاسی دست بکشد.

یک اقتصاد با ویژگی اقتصاد مقاومتی باید تلاش کند تا نقش تأثیر گذاری در اقتصاد جهانی ایفا کند به طوریکه اعمال هر گونه تحریمی علیه کشور مذکور، امنیت اقتصاد جهانی را با مخاطره مواجه سازد. اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصاد و رفع مشکلات موجود در زیر بخش‌های اقتصادی برای جلوگیری از امتیاز دهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است.

مبانی اقتصاد اسلامی نیز مبتنی بر تشکیل یک اقتصاد مقاومتی است. قاعده‌ی نفی سبیل هر گونه تسلط کفار بر مسلمین را در هر زمینه‌ای از جمله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی جایز نمی‌شمارد. (بناء رضوی، ۱۳۶۷: ۶۸) براساس نظر شهید صدر، اسلام دارای مکتب اقتصادی است و نیازی به تقلید از تفکرات انحرافی نیست (آقا نظری، ۱۳۸۵). بر این اساس مبنای اقتصاد مقاومتی برای کشور جمهوری اسلامی ایران باید مبتنی بر اقتصاد اسلامی باشد.

## ۲-۲۰- تبلور نام گذاری چند اخیر در تعریف اقتصاد مقاومتی

در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خودگذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، در نتیجه زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم کرده‌اند و این خود جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی است

چند سال است که نام‌گذاری سال‌ها در ایران با موضوعات اقتصادی انجام می‌شود. برای مثال عنوان تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی نیز موضوعی اقتصادی را در دل خود دارد. این نام‌گذاری‌ها را نمی‌توان بدون دلیل دانست. ریشه اهمیت موضوعات اقتصادی در این چند سال اخیر را می‌توان در تحولات درون کشور و تحولات در عرصه بین‌المللی عنوان کرد با نگاهی به عناوین این چند سال: نوآوری و شکوفایی، اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی و تولید داخلی، حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی به جنبه‌های مختلفی از اقتصاد مقاومتی می‌رسیم. به عبارت دیگر، شعار سال‌های اخیر هر یک به نوبه خود جنبه‌های مختلف اقتصاد مقاومتی را به همراه دارند.

با توجه به شعار چند سال اخیر، ۵ جنبه برای اقتصاد مقاومتی تعریف می‌شود:

## ۱- نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی به عنوان محرک رشد پایدار شناخته می‌شود. همچنین کمبود نوآوری یکی از عوامل اصلی پایین بودن سطح رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه شناخته می‌شود. ایده‌ی اصلی نوآوری مبتنی بر این نکته است که نوآوری سبب افزایش تولید از طریق افزایش توان تولید افراد و نهایتاً رشد اقتصادی می‌گردد (ربیعی، ۱۳۸۸).

بر مبنای این ایده، سال ۱۳۸۷ به عنوان سال «نوآوری و شکوفایی» معرفی شد و انتظار رهبری از نام‌گذاری سال ۱۳۸۷ نیز این بود که در همه‌ی بخش‌ها نوآوری به وجود آید. (پیام نوروزی رهبر انقلاب به مناسبت تحویل سال ۱۳۸۷)

بر مبنای تعریف که در ابتدا از اقتصاد مقاومتی ارائه شد (اقتصادی که با وجود فشار خارجی زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم کند) و نیز با تأثیری که نوآوری و شکوفایی بر افزایش تولید ناخالص داخلی هر کشور دارد، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها برای اقتصاد مقاومتی، نوآوری و شکوفایی است. این مورد، به عنوان یک حلقه‌ی زنجیر از شعارهای چند سال اخیر، از شاخص‌های اصلی اقتصاد مقاومتی به شمار می‌رود. امید است که با توجه به حفظ حقوق مالکیت معنوی در کشور، توجه جدی‌تری به این شاخص گردد.

## ۲- اصلاح الگوی مصرف

در سال ۱۳۸۸ اصلاح الگوی مصرف به عنوان شعار سال انتخاب شد و در راستای تعریف ذکرشده برای اقتصاد مقاومتی، می‌توان اصلاح الگوی مصرف را یکی دیگر از جنبه‌های مهم اقتصاد مقاومتی برشمرد، اما چرایی این موضوع را می‌توان به این صورت بیان کرد که یکی از ابتدایی‌ترین و اصولی‌ترین مبانی علم اقتصاد «کمبود منابع» است. به عبارت دیگر، علم اقتصاد علم استفاده‌ی بهینه از امکانات و منابع محدود در راستای ارضای نیازهای نامحدود بشری است. افزایش مصرف در جامعه باعث افزایش استفاده از منابع محدود می‌گردد و در نتیجه، سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد.

حال عبارت فوق را به این صورت بیان می‌کنیم که اگر با منابع موجود الگوی مصرف جامعه اصلاح شود و در مصرف زیاده‌روی نشود، در نتیجه مقداری منبع که مورد استفاده قرار نگرفته‌اند باقی می‌مانند و می‌توان آن‌ها را سرمایه‌گذاری کرد. در نتیجه، سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و افزایش سرمایه‌گذاری به افزایش تولید می‌انجامد. طبق تعریف اقتصاد مقاومتی، اصلاح الگوی مصرف از طریق افزایش سرمایه‌گذاری باعث رشد و شکوفایی اقتصاد می‌گردد.

رهبری در ابتدای سال ۱۳۸۸، در بیان اصلاح الگوی مصرف، چنین می‌فرمایند:

«مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست. صرفه‌جویی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) به تاریخ ۱/ فروردین ۱۳۸۸)



نکته‌ی حائز اهمیت در ارتباط با اصلاح الگوی مصرف این است که در مصرف یک کشور ۲ گروه عمده وجود دارند: دولت به عنوان یک مصرف‌کننده‌ی بزرگ و مردم. در راستای اصلاح الگوی مصرف در دولت نیاز به سازوکارهای قانونی و دستوری است، در حالی که این رویه در میان مردم جواب نمی‌دهد و در این قسمت نیاز به فرهنگ‌سازی برای اصلاح الگوی مصرف وجود دارد.

### ۳- کار جهادگونه

شعار ۲ سال متوالی ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بیشتر در ارتباط با تشویق به کار و فعالیت است. شعار «همت مضاعف و کار مضاعف» در سال ۱۳۸۹ و «جهاد اقتصادی» در سال ۱۳۹۰ را نیز می‌توان در ارتباط با تعریف گفته شده از اقتصاد مقاومتی دانست. افزایش مهارت و بهره‌وری نیروی کار و استفاده‌ی بهینه از نیروی کار برای پیشبرد اهداف کشور به عنوان یک جنبه‌ی مؤثر از اقتصاد مقاومتی تعریف می‌گردد.

برای جبران عقب‌ماندگی‌های کشور و دستیابی به رشد شتابان، به عزم جدی‌تر و جهادگونه در میان عوامل تولیدی نیازمندیم. یکی از این عوامل تولید نیروی کار است. نیروی کار، به عنوان مهم‌ترین عامل تولیدی، نقش پررنگی را در رشد اقتصادی دارد. با استفاده از منابع موجود، اگر خواهان افزایش تولید باشیم، یکی از راه‌های ممکن، افزایش بهره‌وری نیروی کار یا افزایش ظرفیت تولیدی است.

برای مثال، برای افزایش ظرفیت تولیدی کارخانه‌ای که یک شیفت کاری تولید می‌کند، می‌توان به شیفت‌های کاری اضافه کرد یا در همان یک شیفت کاری، پرت کاری را کاهش داد یا بهره‌وری را افزایش داد. به صورت خلاصه، این امر را می‌توان به کار جهادگونه تشبیه کرد. در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خودگذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، در نتیجه زمینه‌ی رشد و شکوفایی را فراهم کرده‌اند و این خود جنبه‌ی دیگری از اقتصاد مقاومتی است.

### ۴- حمایت از تولید داخلی

یکی از مفاهیم اساسی در ادبیات اقتصادی این سخن است که واردات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار خارجی و صادرات یعنی ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی. این سخن نیز همانند ۳ جنبه‌ی قبلی در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد، اما این جنبه از اقتصاد مقاومتی با ۳ جنبه‌ی قبل تفاوت‌های اساسی دارد. یکی از تفاوت‌ها این جنبه این است که به صورت مستقیم بر رشد و شکوفایی تولید اثر دارد، نه به صورت غیرمستقیم و باواسطه. نکته‌ی دیگر اینکه با حمایت از تولید داخلی (مخصوصاً در مواردی که توانایی تولید کالا در داخل وجود دارد) وابستگی به دنیای خارج کاسته خواهد شد. با کاسته شدن وابستگی به دنیای خارج و به خصوص دنیای غرب که مجری فشار و تحریم بر کشورمان است، اثربخشی تحریم‌ها کاهش می‌یابد و در نتیجه، به رشد و شکوفایی اقتصاد می‌انجامد.

البته مزایای بسیاری در حمایت از تولید داخلی نهفته است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به ایجاد اشتغال برای نیروی کار داخلی، کمتر شدن فشار تورمی، توجه به برند (نماد) داخلی در صنایع مختلف، تقویت بخش خصوصی، کاستن از بار مالی دولت، ارزآوری کالاهای غیرنفتی و بسیاری موارد دیگر اشاره کرد. همه‌ی موارد فوق در راستای تعریف گفته‌شده از اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرند. در واقع «حمایت از تولید داخلی» به صورت مستقیم، یعنی فراهم نمودن زمینه‌ی رشد و شکوفایی برای اقتصاد، به اقتصاد مقاومتی کمک می‌کند.

## ۵- حمایت از عوامل تولید داخلی

بخش دوم شعار سال ۱۳۹۱، یعنی حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی، به معنای حمایت از عوامل تولید داخلی است. در اقتصاد عوامل تولید شامل نیروی انسانی، زمین، کار، سرمایه‌های فکری، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های مادی یا دیگر دسته‌بندی‌های می‌شود. معمولاً عوامل تولیدی غیر از نیروی کار را به عنوان سرمایه می‌شناسند. پس بخش دوم شعار امسال نیز در راستای تعریف ذکرشده از اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد، چرا که برای افزایش و شکوفایی تولید، باید به حمایت از عوامل تولید پرداخت. افزایش حمایت از عوامل تولید نتایجی را به همراه خواهد داشت: اول اینکه چون این عوامل به صورت مستقیم در تولید نقش دارند، به افزایش تولید می‌انجامد و دوم اینکه حمایت از عوامل تولید به مانند سرمایه‌گذاری است و از این طریق نیز منجر به افزایش تولید می‌شود.

مطالعات اقتصادی بیانگر این موضوع است که نرخ رشد بلندمدت اقتصادی با سطح درآمد اولیه‌ی کشور همبستگی بالایی ندارد و پایین بودن موجودی سرمایه‌ی فیزیکی تنها عامل رشد پایین اقتصادی در کشورها نیست، بلکه برخی از عوامل به خصوص سرمایه‌ی انسانی باعث تسریع رشد اقتصادی می‌گردد (رضایی، ۱۳۹۰). در نتیجه، حمایت از عوامل تولید داخلی به رشد بلندمدت اقتصادی می‌انجامد و شکوفایی اقتصاد را در پی خواهد داشت. این مورد نیز در تعریف اقتصاد مقاومتی تبلور می‌یابد، چرا که فشارها و تحریم‌های خارجی تأثیر چندانی بر حمایت از عوامل تولید داخلی نخواهند داشت. البته به شرط آنکه موارد خاص اقتصاد اسلامی رعایت شود و مدیریت بهینه در این خصوص برقرار باشد.

## ۲-۲۱- تحریم اقتصادی

### ۱-۲۱-۲- تعریف تحریم اقتصادی

تحریم<sup>۱</sup> عبارت است از عمل هماهنگ به وسیله گروهی که متضمن امتناع از داشتن روابط تجاری یا هرگونه رابطه‌ای با شخص یا گروه دیگر با هدف مجازات و یا جبران زیان‌ها باشد. (صادقی یارندی و طارم سری، ۱۳۸۵) مقررات تجاری را می‌توان محدودیت‌هایی دانست که دولت‌های ملی بر تجارت بین‌المللی اعمال می‌کنند؛ به ظاهر همان تأثیر تحریم‌های اقتصادی را دارند اما اهداف دیگری را دنبال می‌کنند. این گونه محدودیت‌های

<sup>۱</sup>Sanction

تجاری اهداف تعریف شده سیاست تجاری یک دولت است در حالی که در تعریف تحریم‌های اقتصادی آن را چون ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مطرح می‌کنند. به همین دلیل دولت آمریکا در پیشبرد سیاست خارجی‌اش به تحریم‌های اقتصادی روز افزون متوسل می‌شود. به نظر می‌رسد که اهداف سیاست خارجی که از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی دنبال می‌شود خارج از سیاست عمومی اقتصادی باشد (مالوی، ۱۹۹۰).

تحریم اقتصادی عبارت است از موضع‌گیری‌هایی که تعدادی از کشورها با هدف ایجاد محدودیت در تجارت و رابطه رسمی با کشوری که از نظر آن‌ها قوانین بین‌المللی را نادیده می‌گیرد، اتخاذ می‌شود. (صادقی یارندی و طارم سری، ۱۳۸۵) اغلب این تحریم‌ها علیه یک کشور برای مقابله با سیاست‌ها و برنامه‌های آن تفسیر می‌شود. در واقع تحریم از موضع‌گیری شروع و سپس عملیاتی می‌شود.

تحریم رابطه مستقیمی با به کارگیری قدرت اقتصادی دارد. تحریم اقتصادی یعنی دست کاری روابط اقتصادی به منظور اهداف سیاسی (مرون، ۱۹۹۰).

برخی تحریم اقتصادی جزئی را مهارت‌های دیپلماتیک می‌دانند. این برداشت بیشتر به قرن‌های پیشین مربوط بوده است. در اوضاع کنونی، استراتژی برای برپا کردن جنگ اقتصادی در جریان خصومت‌های جاری عصر نوین دارای اهدافی بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی است. مخصوصاً بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی الگوی تحریم دچار تغییر شده است؛ به طوری که از تحریم اقتصادی به عنوان سیاست برتر یا جایگزین ابزار نظامی با هزینه کمتر یاد می‌شود (عزیز نژاد و سید نورانی، ۱۳۸۸).

از نظر باری ای. کارتر<sup>۱</sup> تحریم‌های اقتصادی به معنی تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور است و یا دست کم بازگو کننده نظریات یک کشور درباره این قبیل سیاست‌های دیگران است (کارتر، ۱۹۸۸).

در تعریفی دیگر تحریم اقتصادی به معنی باز پس گیری عمدی یا تهدید به بازپس گیری روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت است (هاف بوئر، ۱۹۹۰). تحریم‌های اقتصادی برای اهداف سیاست خارجی به کار گرفته می‌شود و هدف از آن تغییر رفتار سیاسی کشور هدف است.

تحریم‌های اقتصادی به نام ابزاری برای ارتقاء منافع سیاست خارجی یک کشور، در میانه طیفی قرار می‌گیرد که در یک سر آن سرسخت‌ترین اقدامات قهرآمیز از جمله توسل به نیروی نظامی، اقدامات سری و یا تهدید به توسل به نیروی نظامی است و در سوی دیگر طیف تدابیر دیپلماتیک، اخراج دیپلمات‌ها، احضار سفیر، اعتراض رسمی دیپلماتیک و به تعلیق درآوردن مبادلات فرهنگی است. به تعبیری می‌توان گفت که برقراری تحریم‌های اقتصادی در میانه این طیف از اقدامات قرار می‌گیرد و این نوع تحریم‌ها اغلب به جای اقداماتی که برشمردیم به کار می‌رود. تحریم اقتصادی اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی برای اعمال فشار به کشور هدف با مقاصد مختلف سیاسی می‌باشد.

<sup>۱</sup>Barry E. Carter

با این حال، دولت آمریکا بر اساس قانون تجارت با دشمن<sup>۱</sup>، قانون اداره صادرات<sup>۲</sup> و قانون اختیارات اقتصادی اضطراری بین‌المللی<sup>۳</sup> اختیارات قانونی لازم، برای تحمیل تحریم‌های اقتصادی یک جانبه بر کشورهای هدف و به خصوص ایران را دارا می‌باشد.

## ۲-۲۱-۲- تاریخچه تحریم اقتصادی ایران

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی را می‌توان به ۶ دوره اصلی تقسیم بندی نمود که هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند.

۱- دوره گروگانگیری ۱۹۷۹-۱۹۸۱

۲- دوره جنگ ایران-عراق ۱۹۸۱-۱۹۸۸

۳- دوره بازسازی ۱۹۸۹-۱۹۹۲

۴- دوره پریزیدنت کلینتون، مهار دوجانبه ۲۰۰۱ - ۱۹۹۳

۵- پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۶- قطعنامه شورای امنیت (زمانی، ۲۰۰۷)

## ۳-۲۱-۲- آثار تحریم اقتصادی بر کشور جمهوری اسلامی ایران

یکی از آثار تحریم‌های اقتصادی آمریکا و متحدانش علیه انقلاب اسلامی ایران در سال‌های گذشته، کاهش ارزش ریال بوده است. کاهش ارزش ریال نیز به دنبال خود باعث کاهش واردات و دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی شده است.

علی‌رغم تحریم‌های اقتصادی ایران، بخش انرژی چندان از این تحریم‌ها اثر پذیر نبوده است و همچنان به رشد و توسعه خود ادامه می‌دهد. به طوری که طی سال‌های اخیر ایران توانسته قرارداد توسعه ۱۰ میدان نفت و گاز و صادرات گاز به کشورهای مختلف به ارزشی بیش از ۶۱ میلیارد دلار را به امضا برساند.

هر چند اعمال تحریم‌های پی در پی و در فاصله زمانی کوتاه، موجب اثر پذیری نظام بانکی از این تحریم‌های مالی شده است، اما به مرور زمان بانک‌های ایرانی با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه این تحریم‌ها را پشت سر گذاشته و به تعهدات خود عمل کرده‌اند و اجازه نداده‌اند وجهه بین‌المللی آن‌ها دچار آسیب شود؛ هر چند تجار و بازرگانان ایرانی به دلیل وجود محدودیت در اعتبارات اسنادی، حواله‌ها و ضمانت نامه‌ها دچار مشکلات فراوانی شده‌اند، اما تجارت ایران هرگز از فعالیت خود باز نایستاده است (عزیز نژاد و سیدنورانی، ۱۳۸۸).

<sup>۲</sup> Trading With the Enemy Act (TWEA)

<sup>۳</sup> Export Administration Act (EAA)

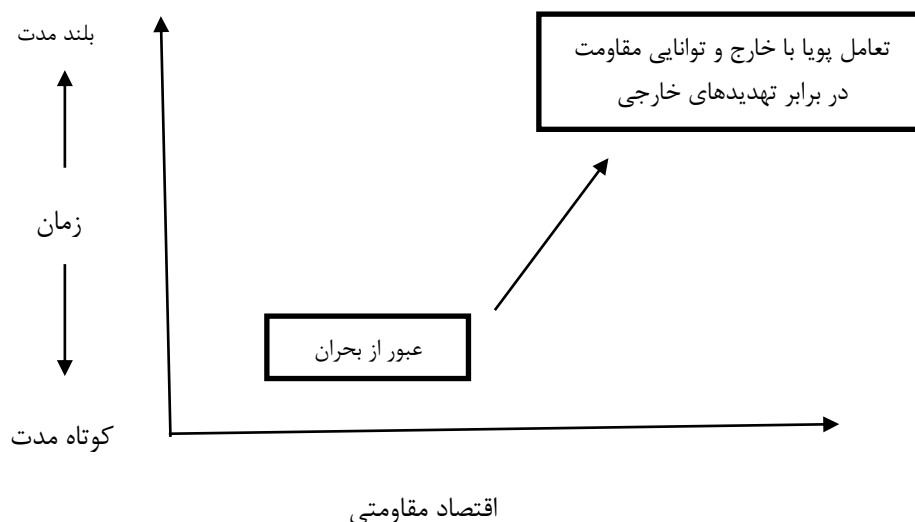
<sup>۴</sup> International Emergency Economic Powers Act (IEEPA)

## ۲-۲۲- بعد زمانی اقتصاد مقاومتی

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از یک سو به دو بخش بلندمدت و کوتاه مدت قابل تقسیم است. اقتصاد مقاومتی بلندمدت، اقتصادی را ترسیم می‌کند که در عین حال هم تعامل پویا با دنیای خارج دارد و هم توانایی مقاومت در برابر تهدیدها و تحریم‌های خارجی را داراست. چنین اقتصادی باید قابلیت انعطاف پذیری بالایی نسبت به شوک‌های وارده داشته باشد. برای دست یابی به اقتصاد مقاومتی در بلندمدت باید برنامه‌ریزی‌های بلند مدت صورت گرفته و سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای اتخاذ شود تا اهداف تعیین شده، محقق شوند.

اما اقتصاد مقاومتی در کوتاه مدت، در حقیقت برای گذر از شرایط بحران طراحی می‌شود. در چنین شرایطی، ضمن توجه به چارچوب‌های اولیه علم اقتصاد و عدم تخطی از آن‌ها، ممکن است تصمیماتی اتخاذ شود که تنها برای گذر از شرایط بحران بوده و در بلند مدت تطابق چندانی با مؤلفه‌های علم اقتصاد نداشته باشند که در این میان می‌توان به دخالت دولت در برخی از بخش‌های اقتصاد اشاره کرد. هر چند که این سیاست‌ها می‌توانند در طول سیاست‌های کلان و بلند مدت قرار گیرند، اما به نظر می‌رسد برای شرایط تحریم و بحران سیاست‌های کوتاه مدت ضروری است و با عبور از تحریم‌ها و بحران‌ها این سیاست‌ها می‌تواند در مسیر بلند مدت اقتصاد مقاومتی قرار گیرد (تاری و دیگران، ۱۳۹۱).

نمودار شماره ۲-۲ اقتصاد مقاومتی در بعد زمان را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲-۲: اقتصاد مقاومتی در بعد زمان (ممبینی، ۱۳۹۱)

## ۲-۲۳- مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی برای کشور ایران

القای تفکر اقتصاد مقاومتی یک تدبیر هوشمندانه است تا مدیران ارشد اقتصادی ایران را از غفلت ایجاد شده در بخش اقتصادی برهاند و رشد، توسعه، شکوفایی، تولید ملی و قطع وابستگی اقتصادی را حتی در سخت‌ترین تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان به بار بیاورد. اقتصاد مقاومتی مکمل جهاد اقتصادی است و سبب امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی می‌باشد. می‌توان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را برای کشور جمهوری اسلامی ایران، در موارد زیر تبیین نمود:

### ۲-۲۳-۱- کارآفرینی

دست یابی به آرمان‌های توسعه پایدار که جایگاه شایسته‌ای در اقتصاد جهانی فراهم می‌کند از طریق اجرای راهبرد توسعه کارآفرینی امکان پذیر است. کارآفرینی موتور محرک اقتصادی کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و خلاقیت، نوآوری و اختراعات از شاخص‌های اصلی کارآفرینی هستند.

### ۲-۲۳-۲- حرکت بر اساس برنامه

از زمان باید حداکثر استفاده انجام شود. حرکت بر اساس برنامه، یکی از کارهای اساسی است. تصمیم‌های خلق‌الساعه و تغییر مقررات، جزء ضربه‌هایی است که به اقتصاد مقاومتی لطمه وارد می‌کند. برنامه ریزی برای موفقیت از الزامات هر فعالیتی می‌باشد. با توجه به برنامه ریزی و چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور ایران، این کشور باید تلاش‌های خود، در زمینه اقتصادی را چندین برابر کند و با برنامه‌ریزی درست و مناسب اهداف افق ۱۴۰۴ که یکی از آن‌ها رسیدن به مقام نخست اقتصادی در منطقه است را برآورده کند.

### ۲-۲۳-۳- کاهش اسراف و وابستگی به خارج

از نمونه‌های کاهش اسراف در ایران می‌توان سهمیه بندی بنزین را نام برد. مصرف بنزین در ایران از سال ۸۴ تا ۸۵ از مرز ۷۳ میلیون لیتر در روز عبور کرد. با آغاز سهمیه بندی بنزین در سال ۸۶ میزان مصرف بنزین کاهش یافته است. طبق گزارش دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ در مجلس شورای اسلامی، اگر سهمیه بندی بنزین و قانون یارانه‌ها عمل نمی‌شد امروز روزانه ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین باید در کشور مصرف می‌شد که این رقم هم اکنون در کشور (میزان مصرف بنزین به طور روزانه) ۵۹/۳ میلیون لیتر است.

برای کاهش مصرف بنزین تلاش جدی باید در جهت اصلاح فناوری خودروهای بنزین سوز کشور و توسعه خدمات حمل و نقل عمومی مانند مترو باشد.

## ۲-۲۳-۴- مدیریت مصرف

از نمونه‌های مصرف گرایی می‌توان به مصرف بی رویه مواد آرایشی در کشور ایران اشاره کرد که هر ساله مقدار زیادی ارز از کشور خارج می‌کند. به گزارش ایندپندنت و بر اساس آخرین آمارهای ارائه شده، ایرانی‌ها هر سال نزدیک به ۲/۱ میلیارد دلار صرف خرید لوازم آرایشی می‌کنند و ۲۹ درصد از بازار ۷/۲ میلیارد دلاری این محصولات در خاورمیانه را به خود اختصاص داده‌اند. در سطح جهانی ایران رتبه هفتم را از لحاظ مصرف لوازم آرایشی به خود اختصاص داده است.

## ۲-۲۳-۵- تولید داخلی (حمایت از تولید ملی)

یک رکن اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد است که بایستی به آن تکیه کرد. دولت باید با اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های تشویق کننده، جامعه را به سمت تولید ملی و مصرف تولیدات داخل سوق دهد. تولید ملی نیازمند حمایت همه جانبه در حوزه‌های قانون گذاری (سیاست‌های کلی اصل ۴۴، رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی)، فرهنگ سازی، فضای کسب و کار، اجرا (اقدامات حمایتی، اجرای قوانین و آیین‌نامه‌ها) و نظارت می‌باشد.

## ۲-۲۳-۶- کاهش وابستگی به نفت

در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران یکی از جهت گیری‌های اصلی در بودجه‌های سالانه، تجهیز منابع درآمدی دولت به منظور دستیابی به هدف اقتصاد بدون نفت تعیین شده بود ولی طی این برنامه نه تنها از سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور کاسته نشد بلکه این سهم رشد قابل توجهی هم پیدا کرد. به رغم اهداف برنامه‌های توسعه، تکیه بر ارز نفتی بیشتر شده و در سال‌های اخیر به سطح بی سابقه‌ای رسیده است. اکثر فروش نفت کشور ایران به صورت خام و با قیمت پایینی می‌باشد، در حالی که کشورهای صنعتی با توجه به فناوری‌های پیچیده و روز دنیا، از هر بشکه نفت خام حداقل ۲۲۰ دلار و حداکثر ۱۳۷۰ دلار بهره‌برداری می‌کنند (قاسمی، ۱۳۹۱). افزایش سهم نفت در بودجه سالانه دولت ایران، خلاف جهت سیاست‌های کلی نظام و قانون برنامه پنجم توسعه در قطع وابستگی به نفت می‌باشد.

## ۲-۲۳-۷- مردمی کردن اقتصاد (اصل ۴۴ قانون اساسی)

ابن خلدون نظریه پرداز معروف مسلمان می‌گوید: اگر دولت تجارت کند، دولت ضعیف و مردم فقیر می‌شوند و اگر مردم تجارت کنند، مردم غنی و دولت قوی می‌شود. تحقق اقتصاد مقاومتی صرفاً با مشارکت مردمی امکان پذیر است و لاغیر. برای بالا بردن مشارکت مردمی باید از هر نوع فعالیت اقتصادی مردمی استقبال کرد. فضایی باید بر کشور و جامعه حاکم گردد که همه مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور حس کنند و بر آن ببالند. باید فضایی به وجود آید که مردم عادی هر فعالیت تولیدی را که خود را در آن توانمند می‌بینند، انجام دهند. مثلاً اگر فردی در

حیات منزل یا زمین کنار منزل خود می تواند کاشتی انجام دهد خود را مقید و مفید بداند و انجام دهد. اگر فردی می تواند منزل خود را به کارگاهی تولیدی تبدیل کند و در کنار سایر فعالیت های خود به تولیدات دیگری دست بزند، این کار را با علاقه انجام دهد. اگر خانواده ای در کنار فعالیت عادی خود می تواند با رعایت مسائل مختلف نظیر امور بهداشتی نسبت به پرورش مرغ و ماهی و گوسفند و غیره اهتمام ورزد، جانانه و با اشتیاق به این امر و بدون وابستگی به دولت اقدام کند و اقدام خود را در راستای خودکفائی و خوداتکایی کشور بداند و حس کند که این عمل او مشکلی از مشکلات کشور و ملت را حل می کند. به عبارتی تولید مردمی می گردد و مردم مستقیماً با تولید درگیر می شوند. کارگاه های تولید خانگی بر پا می شود. مزارع کنار خانه و خانواده سرسبز می شوند. اقتصاد خانواده مقداری استقلال پیدا می کند. وقت اضافی افراد و خانواده ها صرف تولید می گردد. ابتکارات و خلاقیت های فردی و گروهی در تولید و اقتصاد رشد می یابد و فرهنگ عمومی می شود. سرمایه های کوچک و کم حجم در تولید به کار گرفته می شوند. سرزنده بودن و شادابی به سراغ افراد جامعه می آید و تنبلی و خمودگی از جامعه و خانواده ها رخت بر می بندد. واردات به سرعت کاهش می یابد. تنوع محصولات به سرعت افزایش می یابد. ظرفیت های جدیدی به ظرفیت های موجود کشور اضافه می شود. سبک زندگی بسیاری از مردم سبکی جهادی می گردد. اقتصاد مردمی شکل بهتری می گیرد. و حملات اقتصادی دشمن کم اثرتر می گردد.

#### ۲-۲۳-۸- پرهیز از دید کوتاه مدت و زودگذر

برنامه ریزی های کلان کشور ایران باید همزمان حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند تا بتواند در بلند مدت در برابر تهدیدها و تحریم ها مقاومت کند. تلاش و تفکر مسئولان نباید تنها در باره حل بحران ها و تحریم های حاضر باشد، بلکه همچنان کهبه فکر حل آن ها می باشند باید دید بلندمدت نسبت به حل مسائل داشته باشند.

#### ۲-۲۳-۹- مبارزه با مفاسد اقتصادی

با فساد در هر شکلی و در هر سطحی که باشد به شدت، بدون تبعیض و به طور جدی باید مبارزه شود. شفافیت سازی فعالیت های اقتصادی به داشتن یک اقتصاد پویا و رو به رشد کمک می کند. بر اساس آخرین گزارش فساد اقتصادی در سال ۲۰۱۲، که سازمان مستقل شفافیت بین المللی آن را منتشر کرده است، کشور ایران در میان ۱۷۴ کشور دنیا با کسب ۲۸ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز، در رتبه ۱۳۳ قرار گرفت و نسبت به سال گذشته ۱۳ پله سقوط داشته است.<sup>۱</sup> چنین جایگاهی برای کشوری همچون ایران که کشوری اسلامی می باشد و در راستای اقتصاد مقاومتی گام بر می دارد شایسته نمی باشد.

<sup>۱</sup>خبرگزاری تابناک، کد خبر ۳۰۳۵۵۱، تاریخ انتشار ۱۳۹۱/۱۱/۳۰.



## ۲-۲۳-۱۰- مدیریت درست منابع ارزی

نوسانات شدید نرخ ارز موجب افزایش نااطمینانی و ریسک، سفته بازی، تقاضای ارز برای حفظ دارایی و فرار از سرمایه و در نهایت موجب کاهش تولید و سرمایه گذاری می‌شود.

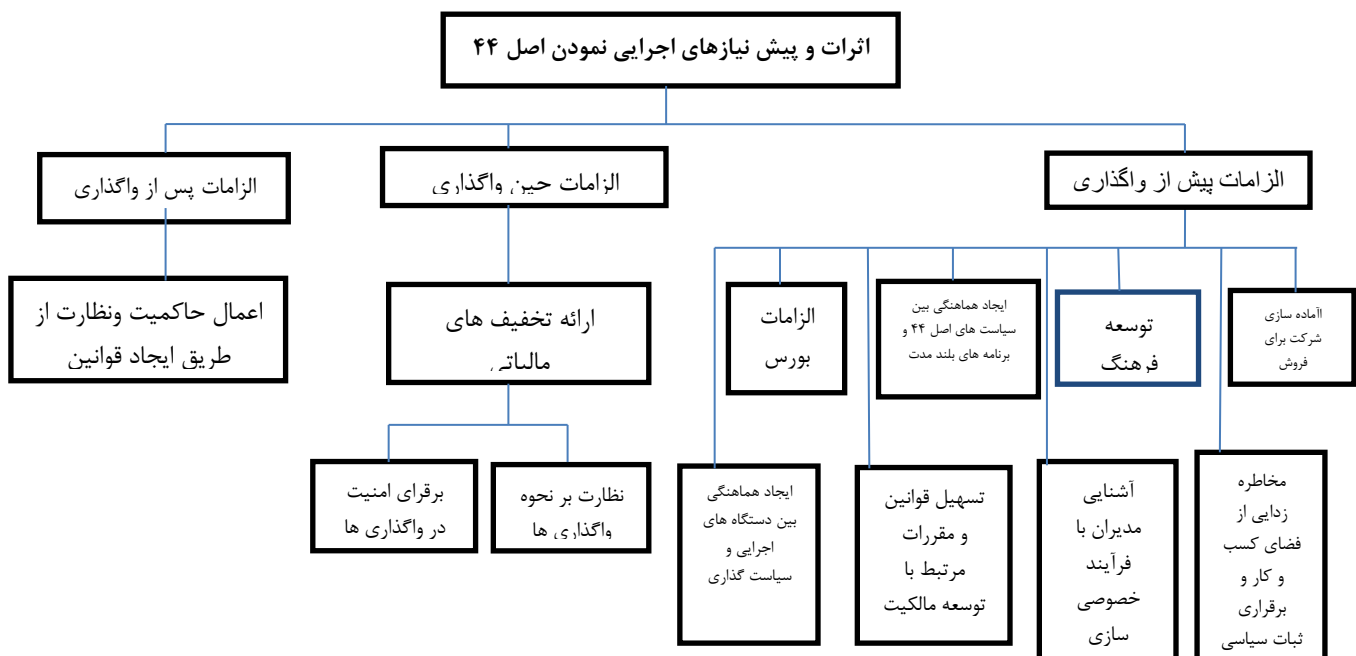
از نمونه‌های مدیریت منابع ارزی کشور ایران بعد از تحریم‌ها، می‌توان به مدیریت ارز مسافرتی اشاره کرد. رئیس کل سابق بانک مرکزی ایران، محمود بهمنی بیان داشته است که حجم ارز مسافرتی مورد نیاز کشور در سال ۵/۶ تا ۷ میلیارد دلار است که از این میزان بالغ بر ۷۰ درصد به مسافران غیر از عتبات عالیات و حج اختصاص پیدا می‌کرد که با حذف این دسته از مسافران از دایره دریافت کنندگان ارز دولتی، مصرف ارز مسافرتی به حدود یک میلیارد و نیم تا دو میلیارد دلار کاهش خواهد یافت که در کل، پنج میلیارد دلار در مصارف ارزی صرفه‌جویی می‌شود (قاسمی، ۱۳۹۱).

این آمار در صورتی بهتر درک می‌شود که بدانیم واحد اطلاعات اکونومیست در سال ۲۰۱۲ میلادی برآورد کرده که به دلیل فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی و تجاری بر ضد اقتصاد ایران، جمهوری اسلامی در مدت زمان یک سال ۱۴ میلیارد و دویست میلیون دلار با کاهش صادرات مواجه می‌شود.

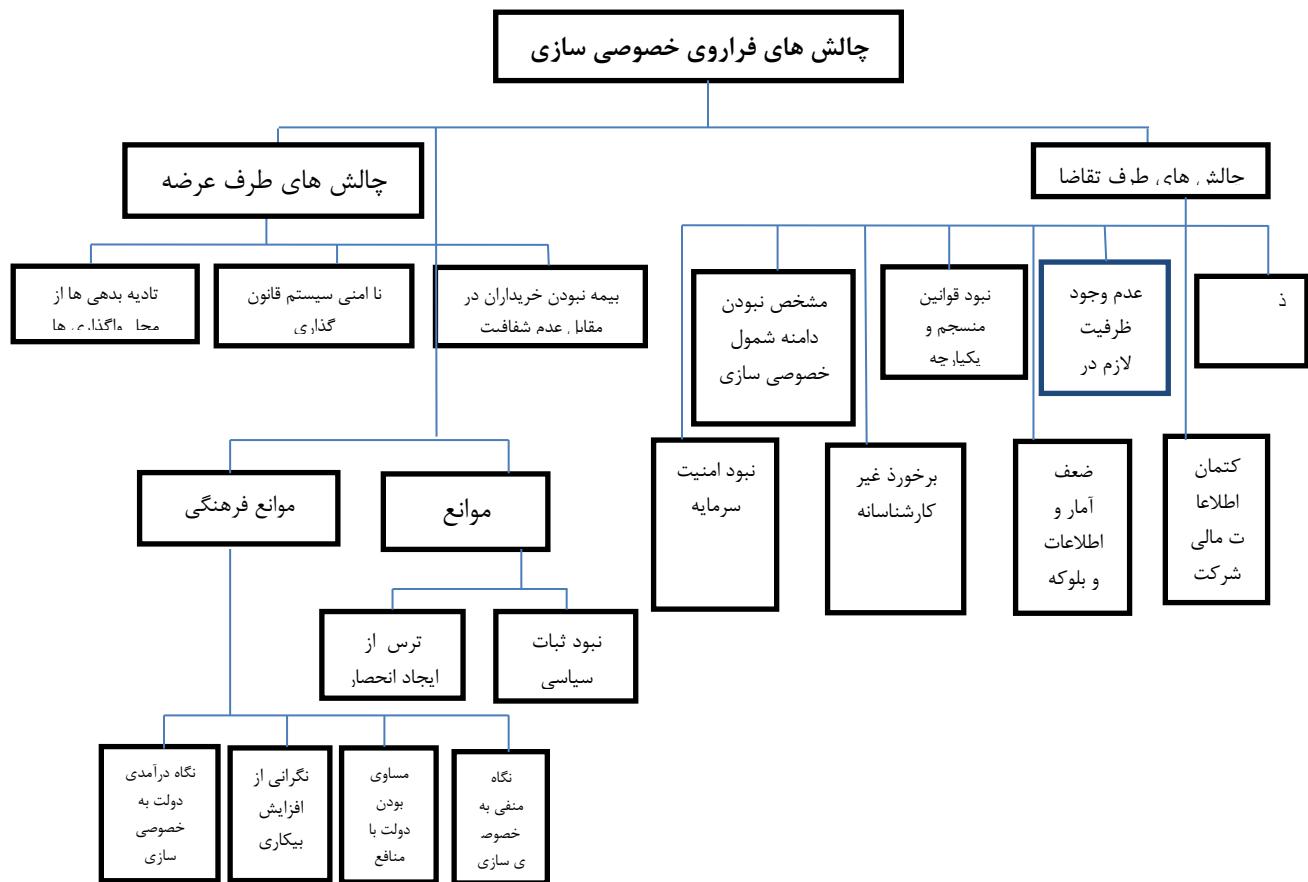
## ۲-۲۳-۱۱- شرکت‌های دانش بنیان

شرکت‌های دانش بنیان نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند. در حال حاضر بیش از سه هزار شرکت دانش بنیان در پارک‌های علم و فناوری کشور ایران فعالیت دارند و با توجه به قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان، تعداد آن‌ها تا برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، باید به ۲۰ هزار شرکت افزایش یابد.

در نمودارهای شماره ۲-۳ و ۲-۴ الزامات اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و چالش‌های فرا روی خصوصی سازی در کشور ایران بیان شده است.



نمودار شماره ۲-۳: الزامات اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (عباسی ۱۳۸۸)



نمودار شماره ۲-۴: تنگناها و مشکلات پیش روی اجرای سیاست‌های خصوصی سازی (عباسی، ۱۳۸۸)

## ۲-۲۴- اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی

"اقتصاد مقاومتی" اصطلاحی است که این روزها نقل محافل خبری و اقتصادی کشور شده و بسیاری آن را راهکار مناسبی برای این روزهای اقتصاد کشور و شرایط تحریم‌های بی سابقه‌ای که به کشورمان تحمیل شده می‌دانند.

به گزارش بانکی دات آی آر، کمتر کسی به تشریح مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی غرب پرداخته است که منجر به بروز ابهاماتی در این خصوص شده و برخی از مردم این دو مفهوم را مکمل و یا مترادف یکدیگر دانسته‌اند یا تصور می‌کنند اقتصاد ریاضتی یکی از شاخه‌های اقتصاد مقاومتی است در حالی که این دو اصطلاح کاملاً متفاوت بوده و هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارند. برای روشن شدن موضوع به شرح مفهوم ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

## ۲-۲۴-۱- تعریف ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

ریاضت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی دو واژه ای هستند که یکی پس از فروپاشی اقتصاد در اروپا و دیگری بعد از تحمیل تحریم های شدید اقتصادی غرب علیه ایران به وجود آمد.

### تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طرحی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام می شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وام ها و کمک های مالی خارجی می انجامد. اینکه بر اقتصاد و شرایط بحران زده اش ریاضت و سختی تحمیل شود در ظاهر اصلاً کار خوشایندی به نظر نمی رسد، اما می تواند به بازبانی درازمدت اقتصاد کمک کند. بنابراین اگرچه اقتصاد ایران شاید ناچار شود در دراز مدت به سیاست های ریاضتی روی بیاورد، اما اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی دو مفهوم جداگانه و مستقل است که به هیچ عنوان منجر به بروز یکدیگر نخواهند شد.

### مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است.

صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنان که مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود. بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشار ها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

اخیراً زمزمه هایی به گوش می رسد که اقتصاد مقاومتی همان ریاضت اقتصادی در حال گسترش در غرب و فضای اقتصاد کاپیتالیستی است. بنابراین برای نشان دادن تفاوت شرایط اقتصادی ایران و غرب و عظمت تدبیر دیر پای امام خامنه ای در برابر دستپاچگی و بی تدبیری طراحان اقتصادی غرب، نکات کوتاهی تقدیم می شود. الف. ریاضت اقتصادی یا اقتصاد ریاضتی: ابتدا اینکه بین ریاضت اقتصادی و اقتصاد ریاضتی تفاوت است. در ریاضت اقتصادی، مردم سختی اقتصادی تحمل می کنند و چه بسا اقتصاد هم بهبودی نیابد؛ مثل آنچه در یونان اتفاق افتاده است اما اگر هوشمندی به خرج داده شود، به جای وارد کردن سختی به مردم، متفکران ریاضت می کوشند برنامه های اقتصادی ای طراحی کنند که هم به مردم فشار نیاورد و هم اقتصاد بهبود یابد. به هر حال اقتصاد ریاضتی ویژگی هایی دارد که به برخی از آن ویژگی های اصلی اشاره می شود:

## ۱- شرایط رویش طرح ریاضت اقتصادی

در شرایط کسری بودجه، بحران اقتصادی و شیب تند سقوط شاخص های اقتصادی.

## ۲- هدف طرح ریاضت اقتصادی

کاهش هزینه های خود و جبران کسری بودجه.

صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود. بنابراین مسئولان و اندیشمندان باید مراقب باشند در راه رسیدن به اقتصاد پویا، در دام اقتصاد بسته و خود محور نیفتند. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد (محمدی، ۱۳۹۲).

موفقه های اصلی «اقتصاد مقاومتی» در مقابل «مقاومت اقتصادی» از دیدگاه رهبر انقلاب به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۲-۲: تفاوت اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی (محمدی، ۱۳۹۲)

ردیف	مقاومت اقتصادی	اقتصاد مقاومتی
۱	کاهش مستقیم حقوق ها	عدم کاهش درآمدها بلکه افزایش آنها: با توجه به رونق اقتصادی ایجاد شده، اشتغال، تولید و رفاه افزایش می یابد.
۲	کاهش غیر مستقیم حقوق ها از راه افزایش مالیات	عدم افزایش مالیات - بلکه کاهش مالیات بنگاه های تولیدی
۳	کاهش و حذف برخی از خدمات عمومی	عدم کاهش خدمات عمومی - بلکه افزایش خدمات عمومی مانند طرح پزشک خانواده
۴	کم مصرف کردن به دلیل فقر و نداری و از سر ناچاری	مسئله مدیریت مصرف یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر.
۵	روی آوردن مردم به کالاهای خارجی به ویژه کالاهای چینی به دلیل قیمت پائین	در همه دستگاه های دولتی باید از تولید داخلی استفاده شود. دستگاه های حاکمیتی مربوط به قوای سه گانه سعی کنند هیچ تولیدی غیر ایرانی را مصرف نکنند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.
۶	حذف فرصت های شغلی	عدم حذف فرصت های شغلی بلکه افزایش آن از طریق کار آفرینی
۷	افزایش ناامنی اقتصادی، کاهش تولید و سرمایه گذاری و فرار سرمایه ها	افزایش امنیت اقتصادی، تولید، جذب سرمایه گذاری حتی رشد سرمایه گذاری خارجی

۸	کاهش بودجه های عمرانی و سرمایه گذاری و در نتیجه طولانی شدن مدت زمان مورد نیاز برای بهره برداری و برگشت سرمایه های هزینه شده در طرح ها و ناگزیری دولت در تصمیم های مقطعی	استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات. از زمان باید حداکثر استفاده بشود. طرح هایی که سالهای متمادی طول می کشید امروز با فاصله کوتاهی به بهره برداری می رسد.
۹	حرکت دولتی سازی شرکت های ورشکسته از طریق خرید سهام افراد مانند حرکت عجیبی که در جریان بحران اقتصادی آمریکا رخ داد.	عدم دولتی سازی بلکه خصوصی سازی اقتصاد اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو اقتصاد مقاومتی است.
۱۰	افزایش ناامنی اجتماعی و جنبش های اعتراضی	اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد. هدفمند کردن یارانه ها هم در جهت شکل دادن به اقتصاد ملی است که اینها می تواند هم رونق ایجاد کند - در تولید و در اشتغال - و هم موجب رفاه شود اینها مایه ی رشد تولید کشور، رشد اقتصادی کشور، مایه اقتدار یک کشور است.
۱۱	وابستگی به استقراض و وامهای ربوی از بانکهای خارجی	کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است.
۱۲	بی ثباتی سیاسی و مخدوش شدن استقلال و اقتدار کشور	یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن مقاومت مدیرانه نکند نه فقط این حربه کند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت.
۱۳	علائمی که تاکنون از اجرای طرح ریاضت اقتصاد ریاضتی در یونان گزارش می شود، موفقیت چندانی را نشان می دهد.	به نظر ما طرحهای "اقتصاد مقاومتی" جواب می دهد. همین مسئله ی سهمیه بندی بنزین که اشاره کردند جواب داد. اگر چنانچه بنزین سهمیه بندی نمی شد امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می رفت. اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد.

## ۲۵-۲- نقش اقتصاد دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی

عوامل زیادی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دخیل هستند. ولی از جمله عواملی که فرآیند رشد اقتصادی را مختل می سازد، تحریم های اقتصادی صورت پذیرفته علیه کشورها می باشد. به نظر می رسد کشورهای ضعیف بیشتر با تحریم مواجه می گردند. لذا این گروه از کشورها می بایستی با جهادی عظیم در راستای شناخت نقاط قوت و ضعف از کانال بررسی دقیق ساختار اقتصادی، و تدوین برنامه های منسجم و هدفمند کلان اقتصادی، جهش عظیمی را در اقتصاد بوجود آورند و با مدیریت دانش بنیان منابع مالی، طبیعی و

انسانی از کانال ارتقای سرمایه‌گذاری‌های مولد، افزایش تولیدات ملی و بهره‌وری و افزایش سطح رقابت‌پذیری با تحریم‌ها مقابله و آنرا تبدیل به فرصتی در جهت شکوفایی و تحکیم پایه‌های اقتصادی کشور نمایند و اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشند. در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی، تقویت و حمایت از اقتصاد دانش بنیان نقش موثری ایفا می‌کند. کشور جمهوری اسلامی ایران با توجه به نوسان شدید در نرخ رشد اقتصادی، پایین بودن قدرت رقابت‌پذیری، وابستگی شدید به ثروت‌های نفتی، نرخ تورم بالا، نرخ بیکاری بالا، عدم تناسب مابین واردات کالا با صادرات غیرنفتی و موارد دیگر همواره نیازمند تدوین برنامه‌های منسجم و هدفمند کلان اقتصادی به منظور مقابله با تحریم‌های اقتصادی می‌باشد. در راستای تحقق این امر، ازجمله عواملی که باعث شکوفایی اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها می‌شود، توجه و تاکید بر افزایش سهم رشد بهره‌وری کل عوامل<sup>۱</sup> در رشد اقتصادی و گسترش بازار عوامل جدید تولید (تحقیق و توسعه، سرمایه انسانی، نوآوری و فناوری اطلاعات و ارتباطات) به منظور نیل به سمت اقتصاد دانش بنیان<sup>۲</sup> و تحقق بخشیدن به اقتصاد مقاومتی می‌باشد. بررسی مؤلفه‌های رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و برخی کشورهای درحال توسعه که گوی سبقت را از دیگر کشورهای درحال توسعه ربوده‌اند، نشان می‌دهد سهم رشد بهره‌وری کل عوامل در تسریع رشد اقتصادی، گاه از سهم رشد موجودی سرمایه و نیروی کار پیشی گرفته است (محرابی، ۲۰۰۲). بنابراین دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی مستمر و باثبات نیازمند توجه خاص به عوامل تاثیرگذار در رشد بهره‌وری کل عوامل است. ازجمله این عوامل، گسترش بازار عوامل اقتصاد دانش بنیان می‌باشد. امروزه با پیشرفت و رشد روزافزون جوامع در عرصه‌های مختلف، علمی و اقتصادی و تولیدی و فناوری، اهمیت اقتصاد دانش بنیان افزایش یافته است. اصطلاح «اقتصاد دانش بنیان» توسط OECD<sup>۳</sup> ابداع و مطرح گردید، اقتصاد دانش بنیان عبارت است از اقتصادی که «مستقیماً مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات» باشد (تروین، ۲۰۰۲). این اقتصاد با وقوع تحولات علمی و تحقیقاتی، دگرگونی عمیقی در عرصه رشد اقتصادی ایفا می‌کند. بنابراین اقتصاد مبتنی بر علم و دانش موجب رشد و توسعه پایدار جامعه و درنهایت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شود. شایان ذکر است اقتصاد دانش بنیان بر چهار پایه (نوآوری، زیرساخت‌های اقتصادی و نهادی، زیرساخت اطلاعاتی و آموزش) به هم پیوسته و وابسته به یکدیگر، بنا شده است. نوآوری- به عنوان یکی از پایه‌های اساسی اقتصاد دانش بنیان- را می‌توان به این صورت تعریف نمود: «تولید محصول (کالا و خدمات)، یا فرآیند جدید، روش بازاریابی جدید یا یک روش سازمانی جدید در کسب و کار، سازمان یا رابطه با خارج از سازمان یا بهبود یافتن هر کدام از موارد مذکور است (آچیم و

<sup>۱</sup> Total Factor Productivity (TFP)

<sup>۲</sup> Knowledge-Based Economy

<sup>۳</sup> Organization for Economic Co-operation and Development

پوپسکو، ۲۰۰۹). همچنین شایان ذکر است مشاهده صحنه بین‌المللی این واقعیت را آشکار می‌سازد که طیف مشخصی از کشورهای در حال توسعه در مقاطعی از حیات اقتصادی خود با این گونه تحریم‌ها روبرو بوده‌اند. اما نحوه تعامل آن‌ها با پدیده تحریم و تأثیر آن یکسان نبوده است. به عنوان مثال به نظر می‌رسد کشور چین که قبلاً در سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۴ به علت آزمایش‌های سلاح‌های هسته‌ای، تجربه بحران اقتصادی ناشی از تحریم را از سر گذرانده بود، در دور بعدی تحریم‌ها که به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸ اتفاق افتاد، در اثر سیاست‌های مناسب، تحریم‌ها را عملاً بی اثر ساخت. با توجه به موارد ذکر شده و به منظور ارائه راهکار سیاستی مناسب در جهت مقابله با تحریم‌های اقتصادی و بی اثر کردن تحریم‌ها، در این بخش به مقایسه و تجزیه و تحلیل وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و برخی اجزاء اقتصاد دانش بنیان ایران با چین طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ می‌پردازیم.

#### ۱-۲۵-۲- اقتصاد دانش بنیان

دانش و فناوری در توسعه و پیشرفت کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه نقش عمده‌ای دارد (همانطور که نبود آن‌ها در توسعه نیافتگی کشور مؤثر است) زیرا در دنیا فعلی کشورهای موفق، آن‌هایی هستند که بتوانند نوآوری فنی را به تولید اقتصادی تبدیل کنند. پس از چالش‌های فکری قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، که رقابت اقتصادی میان کشورهای صنعتی جهان جدی‌تر شد و جنبه‌های کاربردی اقتصاد بیشتر مورد توجه قرار گرفت، شومپیتر به نقش دانش در ابداع و نوآوری و پویایی اقتصاد توجه کرد و آن را اساس کارآفرینی و تحول اقتصاد معرفی نمود. در حالی که مدل‌های اولیه‌ی رشد اقتصادی بیشتر بر عوامل فیزیکی تولید (مانند سرمایه‌ی فیزیکی، نیروی کار و زمین) به عنوان منابع تولید تأکید کرده‌اند، برخی از مدل‌های رشد نئوکلاسیکی، دانش را عاملی برون‌زا در تعیین رشد اقتصادی می‌دانند؛ اما در مدل‌های جدید رشد، عامل دیگری نیز با عنوان بهره‌وری عوامل تولید به عنوان یکی از ارکان رشد معرفی می‌شود و دانش یکی از مؤثرترین عوامل در بهره‌وری و رشد اقتصادی مطرح می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اقتصاد دانش بنیان تأثیر بسزایی در افزایش تولید سرانه‌ی بالاتر، کاهش نابرابری در توزیع درآمد و در عین حال، اصلاح کیفیت محیط زیست به عنوان شاخصه‌های اصلی توسعه‌ی پایدار دارد. مشکل بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، باور آن‌ها به توسعه از طریق گسترش اقتصاد کلان، با افزایش تولید مواد خام، محصولات صنعتی و کشاورزی و همزمان با آن به وجود آوردن ظرفیت صادراتی گسترده می‌باشد، اما در دنیای کنونی، اقتصادهای موفق، آن‌هایی هستند که نظامی مؤثر برای تبدیل دانش و فناوری به ظرفیت تولید اقتصادی داشته باشند، نظامی پیچیده که بخش مهمی از اقتصاد مبتنی

بر دانش است؛ لذا به رسمیت شناختن اقتصاد دانش بنیان و نظام ملی نوآوری توسط کشورهای در حال توسعه می‌تواند مکمل یا حتی جایگزین دیدگاه اقتصاد کلان باشد.

از آنجا که توسعه اقتصادی موفق رابطه بسیار نزدیکی با ظرفیت یک کشور در به دست آوردن، جذب، پراکنده کردن، استفاده از فناوری‌های مدرن و مهم‌تر از همه در به وجود آوردن ظرفیت بومی نوآوری دارد، سرمایه انسانی به عنوان عامل ایجاد کننده ظرفیت یک کشور در دستیابی، اشاعه و خلق نوآوری بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. اولین بار اصطلاح نظام نوآوری توسط فریمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) در مورد ژاپن به کار برده شد. بعدها به طور کلی تر و جامع‌تر توسط لاندوال<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، نلسون<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) و ادکواست<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) توسعه یافت و سازمان‌های نظیر OECD، EU<sup>۵</sup> و UN<sup>۶</sup> تلاش‌هایی برای تهیه آمارهای مناسب که بتواند این نظام را به صورت مناسب ارزیابی کند، انجام دادند، اما هنوز پذیرش نظام نوآوری برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه یک پدیده جدید است و هنوز در نوباوگی خود قرار دارد (فریدمن، ۱۹۸۷).

نظام ملی نوآوری مجموعه‌ای از قوانین، مؤسسات، سرمایه انسانی و برنامه‌های دولتی است که در متصل کردن دانش، فناوری و نوآوری به اقتصاد نقش دارد. در واقع مولفه‌های مهم نظام ملی نوآوری شامل: (۱) دولت، (۲) زیرساخت‌های فناوری و (۳) محیط حقوقی و فرهنگی می‌باشد. در این میان عملکرد ناقص هریک از مؤلفه‌های فوق موجب ناکارآمدی سیستم ملی نوآوری می‌شود.

• دولت: دولت نقش مهمی در هماهنگی همه عوامل و بازیگران ایفا می‌نماید، تا کشور در فعالیتهای علمی و فناوری کارآتر، پویاتر، رقابت‌پذیرتر و همه فعالیت‌ها مرتبط با رشد و توسعه اقتصادی گردد، دولت سیاست‌هایی را باجاء در می‌آورد تا دانش تولید و توزیع شود. سیاست‌های نوآوری دولت در سه دسته تقسیم می‌شود:

• سیاست‌های تولید نوآوری (عرضه): سیاست‌های عرضه نوآوری بوسیله فعالیت‌های دولت تعریف و مشخص می‌شود بطوریکه باید منابع از قبیل نیروی انسانی متخصص و تأمین منابع اطلاعات نوآوری را تأمین و تسهیل نماید تا بنگاه در بستر مناسب فعالیت کند.

<sup>۱</sup> C. Freeman

<sup>۲</sup> B. Lundvall

<sup>۳</sup> R. Nelson

<sup>۴</sup> C. Edquist

<sup>۵</sup> Europe Union

<sup>۶</sup> United Nations



- سیاست‌های تقاضا: به آن دسته از سیاست‌ها اطلاق می‌گردد که مستقیماً بر روی بنگاه و مصرف کننده نهایی دانش تأثیر می‌گذارد تا دانش تولید شده بکار گرفته شود.
  - سیاست‌های اشاعه بر حسب خلق، انتشار و کاربرد علم: به سیاست‌هایی اطلاق می‌گردد که هم بر طرف عرضه و هم بر طرف تقاضای نوآوری تأثیر می‌گذارد.
  - زیرساخت‌های فناوری: فعالیت‌های نوآورانه هر کشوری بستگی تام به زیرساخت‌های فناوری آن دارد. ویژگی‌های زیرساخت فناوری عمدتاً غیرقابل لمس بودن، همبستگی بیشتر داشتن، تنوع بیشتر و ساختار ارائه سرویس مشخص و تخصصی را دارد. زیرساخت فناوری در مفهوم نظام ملی نوآوری شامل: نظام آموزشی، تحقیقات دانشگاهی، مؤسسات تحقیقات عمومی، نظام اختراع و نظام انتشار اطلاعات می‌شود.
  - محیط حقوقی و فرهنگی: این محیط عناصر متعددی از قبیل سیستم مالی، فرهنگ سازمانی، روابط کار، فرهنگ مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی و غیره دارد. نظام ملی نوآوری یک کشور با نهادینه شدن فضاها و محیط‌های فوق تعریف می‌شود. بطور مستقیم و غیرمستقیم این محیط‌ها بر روابط فیما بین بازیگران و نحوه جریان اطلاعات فنی و بر بنگاه‌های نوآور تأثیر می‌گذارد (حاجی حسینی، ۱۳۸۵)
- در یک تقسیم بندی جزئی‌تر اجزای زیر را برای نظام ملی نوآوری در نظر می‌گیرند:
- (۱) عناصر ساختاری، (۲) چهارچوب قانونی و تنظیمی، (۳) فرهنگ نوآورانه، (۴) پیشرانان نوآوری، (۵) زیرساخت‌های نوآوری، (۶) اعتبارات مالی، (۷) انتشار اطلاعات، (۸) مکانیزم انتقال/ انتشار فناوری و (۹) حمایت برای تجاری سازی (سیف‌الدین و سلیمی، ۱۳۸۰).
- بنابراین طبق مطالب بیان شده عواملی نظیر: نظام آموزشی، سیاست‌های دولت، نظام مالی، شرایط اقتصادی، محیط سیاسی- اجتماعی و حقوق اجزای تشکیل دهنده نظام ملی نوآوری یک کشور است.

## ۲-۲۵-۲- تجزیه و تحلیل آماری اقتصاد دانش بنیان

دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار مؤثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید و یک کالای عمومی محسوب می‌شود، زیرا می‌توان دانش را بدون کاهش و استهلاک، با دیگران به اشتراک گذاشت. در عین حال، این یک مشخصه‌ی منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می‌گردد که بر خلاف سایر کالاهای فیزیکی (مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی)، استفاده از آن، از کمیتش نمی‌کاهد و می‌توان از آن بارها استفاده کرد. در حقیقت دانش، به عنوان یک منبع دائمی، همواره در اختیار بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد و با مشارکت مکرر در فرآیندهای گوناگون تولیدی و خدماتی، سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده می‌شود. در نتیجه، این امر می‌تواند سبب گسترش رفاه اجتماعی و عامل کاهش فقر و بی‌عدالتی و موجب

ارتقای روند توسعه‌ی پایدار گردد. نکته‌ای که باید همواره در نظر داشت این است که برای دستیابی به اقتصاد دانش بنیان، فقط تولید و توزیع اطلاعات و پرداختن به آموزش و پژوهشی کافی نیست، بلکه نکته‌ی مهم به کارگیری آن‌ها در استفاده از منابع اقتصادی به صورت مستمر و پایدار است. در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش بنیان، گویای تأکید بر نقش دانش و فناوری در جریان توسعه‌ی اقتصادی است. از این رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش بنیان، به دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت‌تر از گذشته نگرسته می‌شود. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه‌ی بازار در توسعه‌ی اقتصادی ملل نقش اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می‌کند. به عبارت دیگر، کاربردی کردن دانش و استفاده‌ی مؤثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای درجه‌ی بهره‌برداری از منابع است که تحقق یک اقتصاد دانش بنیان را ممکن می‌سازد. در این قسمت به منظور بررسی و مقایسه وضعیت اقتصاد دانش بنیان اقتصاد ایران و چین، از برخی مؤلفه‌های تشکیل دهنده نظام نوآوری استفاده شده است که این مؤلفه‌ها شامل (۱) تعداد حق ثبت اختراع (۲) تعداد مقاله‌های پذیرفته شده در مجله‌های علمی و فنی (۳) هزینه تحقیق و توسعه (R&D) و (۴) شاخص حمایت از حقوق مالکیت است. در ادامه به بررسی وضعیت مؤلفه‌های نوآوری کشور ایران و چین خواهیم پرداخت.

#### ۱-۲-۲۵-۲- تعداد حق ثبت اختراع

در الگوی رشد سولو، اختراع و ابداع از موتورهای رشد اقتصادی کشورها بشمار آمده است، بگونه‌ای که در این مدل لازمه رسیدن به رشد مستمر و باثبات، افزایش ایده‌ها و تفکرات نو و بدیع می‌باشد. در این راستا عنوان می‌شود باید ضمن فراهم کردن زمینه‌های اختراع ابزارهای جدید و ایده‌های خلاقانه و کاربردی، از این اختراعات و ابداعات نیز حمایت قانونی به عمل آید تا توسط کسانی دیگر مورد اعتراض و تشکیک قرار نگیرد. بنابراین گسترش اختراع و تفکرات خلاقانه در گرو حمایت‌های مادی و معنوی از آثار جدید و کاربردی نیز می‌باشد. حق ثبت اختراع از جمله حقوقی است که در قبال اختراع ثبت شده به مخترع آن اثر تعلق می‌گیرد و براساس آن از ساخت، استفاده، فروش، واردات و صادرات آن اثر توسط سایرین جلوگیری به عمل می‌آید، به گونه‌ای که در صورت فقدان این حق، اثر اختراع شده به راحتی می‌تواند مورد تعرض دیگران قرار گیرد. با توجه به اهمیت تعداد اختراعات ثبت شده بعنوان ستاده فعالیت‌های نوآورانه، شاخص تعداد ثبت اختراعات برای تجزیه و تحلیل و مقایسه وضعیت اختراعات و ابداعات کشور ایران و چین با یکدیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد. شایان ذکر است در این مطالعه به منظور بررسی این شاخص، از آمار و اطلاعات بانک جهانی<sup>۱</sup> استفاده شده است که به دلیل نبود

<sup>۱</sup> World Bank

آمار کافی برای کشور چین در طی دوره ۱۹۸۰-۱۹۸۴، این دوره محدود به ۱۹۸۵-۲۰۰۹ شده است. بر اساس آمار، متوسط تعداد حق ثبت اختراع برای ساکنین جمهوری اسلامی ایران و چین، نشان می‌دهد که طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۵، چین با متوسط ۴۷۳۶۵ مورد ثبت اختراع و ایران با میانگین ۹۱۵ مورد وضعیت مناسبی نسبت به چین ندارد و اختلاف فاحشی با کشور چین دارد. نکته جالب توجه این است که چین در طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۰ و ۲۰۰۹-۲۰۰۵ نسبت به ابتدای دوره پیشرفت قابل توجهی در زمینه تعداد حق ثبت اختراع داشته است، به گونه‌ای که تعداد حق ثبت اختراع در این کشور به طور متوسط از ۴۰۷۰ مورد در سال ۱۹۸۵، به تعداد ۴۳۵۴۹ مورد طی دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۰ و ۱۵۸۵۰۸ مورد در طی دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۹ رسیده است در حالی که در کشور ایران این روند روبه رشد بسیار کند می‌باشد که این بیانگر شکاف عظیم بین جمهوری اسلامی ایران و کشور چین در مورد این شاخص می‌باشد. همچنین میزان حق ثبت اختراع به ازاء هر یک میلیون نفر برای کشور چین ۳۵,۴ و برای کشور ایران ۱۲,۶ می‌باشد که بیانگر شکاف عظیم بین ایران و چین می‌باشد.

## ۲-۲۵-۲-۲- تعداد مقاله‌های پذیرفته شده

داشتن نیروی انسانی خلاق و آموزش دیده با کارایی بالا سبب انجام تحقیقات متعدد و لذا تولید علم شده و به طبع آن ایجاد تفکرات نو و بدیع را بدنبال خود می‌آورد و این امر زمینه را برای ارتقا دانش و گسترش نوآوری فراهم می‌آورد. از این‌رو، یکی دیگر از متغیرهایی که به عنوان شاخص نوآوری برشمرده می‌شود، تعداد مقاله‌های علمی چاپ شده در مجلات معتبر و مصوب بین‌المللی است. بر طبق آمار، متوسط تعداد مقاله‌های چاپ شده در مجلات علمی و فنی طی دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۸۵ برای کشور چین با متوسط ۲۱۱۱۶ مقاله و ایران با ۱۳۵۰ مقاله را در این دوره داشته می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران همانند شاخص حق ثبت اختراع، در این شاخص نیز شکاف عظیمی با چین دارد به طوری که تعداد مقاله‌های چاپ شده در مجلات علمی و فنی در چین در طی دوره ۲۰۰۹ - ۱۹۸۵، در حدود ۱۶ برابر ایران می‌باشد که این امر بیانگر عملکرد بسیار ضعیف ایران در این حوزه است. همچنین متوسط این شاخص به ازای هر یک میلیون نفر در کشور چین ۱۵,۷۸ و کشور ایران ۱۸,۴۹ می‌باشد، با توجه به اینکه تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد در هر کشوری، با تولید علم و گسترش فعالیت‌های نوآورانه در زمینه‌های مختلف به ویژه تولید کالاهای با کیفیت بالا در آن کشور همراه است و می‌تواند به کشورها در جهت کسب سهم بیشتری از بازارها و تثبیت موقعیت آن‌ها در رقابت‌های بین‌المللی کمک نماید، لذا انتظار می‌رود ایران با نگاهی جدیدتر و جدی‌تر به مقوله پژوهشگران و محققین خود، آن‌ها را در مسیر بروز استعدادهایشان در راستای تحقق آرمان‌های اقتصاد مقاومتی یاری دهد.

### ۲-۲۵-۲-۳- هزینه تحقیق و توسعه (R&D)

از جمله عوامل مؤثر بر نوآوری و از ملزومات ورود به بازارهای بین‌المللی، سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تحقیق و توسعه و توجه به تحقیقات بنیادی و کاربردی می‌باشد. فعالیتهای تحقیق و توسعه زمینه را برای ایجاد نوآوری و بهبود کیفیت، تنوع محصولات، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش کارایی و قدرت رقابت‌پذیری در بازارهای داخلی و بین‌المللی، تغییر هزینه‌های نسبی و افزایش مزیت نسبی بنگاه‌ها و کشور و افزایش بهره‌وری کل عوامل و به تبع آن رشد اقتصادی فراهم می‌کند. از این روست که گفته می‌شود، فعالیتهای تحقیق و توسعه یکی از پایگاه‌های نوآوری است و هر کشوری که منابع کافی به فعالیتهای تحقیق و توسعه اختصاص داده و منابع را بطور کارا در تحقیق و توسعه بکار گیرد، زمینه را برای افزایش بهره‌وری آماده کرده و می‌تواند به افزایش رشد اقتصادی خود امیدوار باشد. متوسط هزینه تحقیق و توسعه کشور ایران و چین در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ نشان می‌دهد، کشور چین به طور متوسط با اختصاص ۱,۰۹ درصد از GDP به هزینه‌های تحقیق و توسعه، بالاترین هزینه‌های R&D را داشته است، در حالی که جمهوری اسلامی ایران تنها ۰,۶۵ درصد از GDP خود را به طور متوسط صرف هزینه تحقیق و توسعه نموده است که ضعف شدید ایران در سرمایه‌گذاری بر روی فعالیتهای تحقیق و توسعه که از ارکان اقتصاد مقاومتی است را نشان می‌دهد.

### ۲-۲۵-۲-۴- حمایت از حقوق مالکیت معنوی

نظر به اینکه دستیابی به رشد فناوری و اقتصاد دانش بنیان در گرو توجه به مولفه‌های دانش نظیر نوآوری، تحقیق و توسعه و جذب نخبگان می‌باشد، بهبود فضای نوآوری در کشورهای در حال توسعه از طریق زمینه سازی و ایجاد قوانین مؤثر جهت حمایت از مبتکرین، متخصصین، صاحبان فکر و ایده، طرح، علائم و تألیفات و به طور کلی نخبگان و نوآوران جامعه می‌باشد. چرا که حمایت از حقوق مالکیت فکری موجب تشویق، تقویت و اشاعه فعالیتهای و خلاقیت‌های علمی، تحقیقاتی، صنعتی، فکری و هنری و در نهایت افزایش بهره‌وری می‌شود. متوسط شاخص حمایت از حقوق مالکیت فکری طی دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۸۰ برای ایران ۱,۹۱ و برای چین ۲,۹۶ می‌باشد. با بررسی دقیق تر به این نکته پی می‌بریم در ایران از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ میزان این شاخص در مقدار ۱,۹۱ ثابت مانده و تغییری نکرده است، که بیانگر حمایت ضعیف از نوآوران و مبتکران می‌باشد. در صورتی که در چین از سال ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۵ این شاخص از میزان ۱,۳۳ در سال ۱۹۸۰ به ۴,۰۸ در سال ۲۰۰۹ رسیده است یعنی تقریباً ۳ برابر شده است.

### ۲-۲۵-۳- تجزیه و تحلیل آماری متغیرهای کلان اقتصادی

طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰، چین با متوسط تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت ۲۰۰۰) ۹۹۴,۹۶ میلیارد دلار در مقایسه با جمهوری اسلامی ایران با ۹۲,۶۶ میلیارد دلار، از وضعیت بسیار بهتری نسبت به ایران برخوردار است به عبارت دیگر متوسط تولید ناخالص داخلی چین حدود ۱۱ برابر کشور ایران می‌باشد که بیانگر شکاف بسیار در تولید ناخالص داخلی بین این دو کشور می‌باشد که با مقایسه این متغیر با شاخص‌های اقتصاد دانش بنیان به این نتیجه می‌رسیم جمهوری اسلامی ایران می‌تواند همانند کشور رو به رشد چین و دیگر کشورهای موفق شرق آسیا با اتخاذ سیاست‌های صحیح اقتصادی و تأکید بر الگوهای جدید رشد درون‌زا از طریق افزایش قدرت رقابت پذیری و بهره‌وری اقتصاد ملی، سهم خود را در اقتصاد جهان افزایش دهد. مقایسه متوسط رشد اقتصادی در طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ نشان می‌دهد کشور چین با متوسط رشد اقتصادی ۱۰,۰۱ وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با کشور ایران با متوسط ۳,۱۴ دارد و نشانگر شکاف عظیمی در شاخص رشد اقتصادی در این دو کشور می‌باشد. از مقایسه متوسط رشد بهره‌وری کلی عوامل طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ به این نتیجه می‌رسیم که رشد بهره‌وری کلی عوامل چین به طور متوسط سالانه حدود ۳,۲ درصد است در صورتی که جمهوری اسلامی ایران رشد متوسط سالانه ۰,۴ درصد را نشان می‌دهد که در برابر رشد بهره‌وری چین در طی این دوره بسیار ناچیز است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رشد بهره‌وری کل عوامل نقش به سزایی در کشور چین دارد که این خود بیانگر توجه بسیار زیاد این کشور به شاخص‌های اقتصاد دانش‌بنیان می‌باشد. در طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ میزان متوسط رشد سالانه نیروی کار برای هر دو کشور ایران و چین برابر یک می‌باشد و همچنین در طی این دوره کشور چین با متوسط رشد سرمایه فیزیکی سالانه ۴,۵ وضعیت بهتری نسبت به کشور ایران با میزان رشد سالانه ۲,۶ دارد. در طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ متوسط صادرات و واردات کالا و خدمات کشور چین به ترتیب ۲۰,۸۱ و ۱۸,۷۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و در مقابل در کشور ایران متوسط صادرات و واردات کالا و خدمات به ترتیب ۱۹,۰۶ و ۱۹,۳۴ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است. نکته‌ای که از داده‌های صادرات و واردات کالا و خدمات استنباط می‌شود این است که در طی دوره مورد بررسی متوسط شکاف بین صادرات و واردات ایران منفی است و در برخی سال‌ها میزان واردات از صادرات پیشی گرفته است. در اینجا باید به این نکته توجه کرد که افزایش میزان واردات کالا و خدمات زمانی مطلوب است که متعاقب آن صادرات کالا و خدمات بهبود یابد، نکته دیگر اینکه هر چه صادرات و واردات کشور بیشتر باشد و یا سهم کشور در تجارت جهانی افزایش یابد، نشان از عملکرد گسترده‌تر اقتصاد و تعامل بیشتر با اقتصاد جهانی است. نکته قابل تأمل آنکه در تجارت جهانی مهم ایجاد وابستگی متقابل کشور با اقتصاد جهانی می‌باشد. با توجه به این نکته که کشور جمهوری اسلامی ایران یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفتی به شمار می‌رود، لذا رقم قابل توجهی از سهم تجارت در اقتصاد جهانی مختص صادرات نفتی است به طوری که ۲۷,۵۶

درصد از سهم تولید ناخالص داخلی کشور را صادرات نفت تشکیل می‌دهد و بدون در نظر گرفتن صادرات نفتی، تراز تجاری این کشور منفی می‌گردد. لذا جمهوری اسلامی ایران به منظور کسب سهم بیشتر از تجارت جهانی می‌بایست ابتدا از طریق بهبود شاخص‌های اقتصاد دانش بنیان و ایجاد فضای رقابت‌پذیری به رونق تولید ملی و صادرات غیرنفتی دامن بزند و تا زمان پر کردن شکاف فناوری به منظور افزایش قدرت رقابت‌پذیری می‌تواند در قالب برنامه زمان‌بندی متناسب با واقعیات و پتانسیل اقتصادی کشور به واردات کالاهای و فناوری‌های نوین ادامه دهد. همچنین از جمله عوامل اصلی دخیل در ظرفیت تولیدی کشور، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی می‌باشد. سرمایه گذاری‌های فیزیکی، تربیت نیروی کار ماهر و ارتقاء سرمایه انسانی، بعنوان تکانه‌ای برای جهش اقتصاد محسوب می‌شوند. همچنین در طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۵، چین از لحاظ سهم صادرات کالاهای با فناوری بالا از صادرات صنعتی با متوسط ۱۹,۵۸ وضعیت بهتری نسبت به جمهوری اسلامی ایران با متوسط ۱,۶۳ دارد که بیانگر شکاف عظیم بین این دو کشور می‌باشد، شاید یکی از دلایل این امر بالا بودن متوسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه در کشور چین باشد که زمینه را برای انتقال فناوری فراهم نموده و با گسترش تولید کالاهای با فناوری بالاتر به کسب این رتبه از سوی چین کمک شایانی نموده است. بطور کلی باید عنوان کرد وضعیت صادرات کالاهای با فناوری بالا در کشور ایران قابل قبول نیست و با در نظر گرفتن این نکته که یکی از شاخص‌های اصلی اقتصاد مقاومتی، صادرات کالاهای با فناوری بالا که قدرت رقابت‌پذیری بالاتری دارند، می‌باشد، لزوم توجه هر چه بیشتر تصمیم‌گیران اقتصادی این کشورها در جهت فراهم کردن زمینه‌های تولید کالاهای با فناوری بالا را گوشزد می‌نماید. به همین جهت، این کشورها به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی باید توجه بیشتری به رقابت‌پذیری محصولات تولیدی خود با هدف قرار دادن فعالیت‌های تحقیق و توسعه هدفمند و کاربردی مبذول نمایند.

بررسی جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند بیانگر درجه توسعه یافتگی فضای رقابتی برای فعالین اقتصادی باشد. کشورهایی که نهادها و بسترهای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی را فراهم می‌آورند باعث شکوفایی و رشد مزیت‌های کشورشان می‌شوند. متوسط سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ برای ایران و چین به ترتیب برابر ۰,۴۴ و ۲,۸۷ درصد تولید ناخالص داخلی می‌باشد که تفاوت فاحشی با یکدیگر دارند. در واقع کشور چین توانسته است در طول دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۹ به طور متوسط هر سال ۲,۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کند و از منافع جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از قبیل ورود دانش، مدیریت و تکنولوژی جدید خارجی جهت پر کردن شکاف عمیق تکنولوژی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری استفاده کند. لذا با مقایسه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران و چین به نظر می‌رسد یکی از راهکارهای افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مهیا ساختن بستر و ایجاد نهادهایی جهت

توسعه فضای رقابتی است که سرمایه گذاران خارجی را مجاب به آوردن سرمایه و دانش خود به این کشور کند. با انتقال تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی ناشی از ورود این سرمایه‌گذاری‌ها به کشور به تدریج انتظار می‌رود شکاف تکنولوژیکی بین ایران با سایر کشورها کاهش یابد و زمینه‌های استفاده بهینه‌تر از منابع و عوامل تولید و افزایش بهره‌وری و قدرت رقابت پذیری اقتصاد فراهم آید. همچنین متوسط نرخ تورم طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ برای جمهوری اسلامی ایران ۲۰٪ درصد در سال می‌باشد. این در حالی است که کشور چین به طور متوسط سالانه نرخ تورم ۵,۵۱ درصدی را داراست که بیانگر این است که به طور متوسط نرخ تورم در ایران تقریباً ۳,۵ برابر متوسط نرخ تورم در چین می‌باشد. نرخ ارز یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است و ارتباط مستقیمی میان عرضه آن با صادرات هر کشور وجود دارد. در صورتی که نرخ ارز در کشورهای موفق عمدتاً توسط مکانیسم بازار تعیین شود، هر چه صادرات کشورها بیشتر باشد نرخ ارز مؤثر به عنوان قیمت ارز در بازار کاهش خواهد یافت. تناسب بین نرخ ارز با قیمت سایر عوامل تولید به علامت دهی و راهنمایی صحیح فعالان اقتصادی و توسعه فضای رقابتی کمک می‌کند. برای مثال کشورهایی که نرخ ارز را نسبت به قیمت دیگر عوامل به طور نسبی پایین‌تر از قیمت بازاری آن ثابت نگه می‌دارند، به جای تکیه بر مزیت‌های نسبی کشور در فرآیند تولید، به واردات کالاهای سرمایه‌ای روی می‌آورند. نهایتاً بررسی میانگین شاخص نرخ ارز مؤثر واقعی طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ در کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با میزان ۲۰۰۷، متوسط شاخص نرخ ارز را به خود اختصاص داده است و چین با میزان ۱۴۲,۱۸ کمترین متوسط شاخص نرخ ارز را دارا می‌باشد، همچنین هر دو کشور ایران و چین به طور متوسط دارای نرخ رشد سالانه شاخص نرخ ارز مؤثر منفی بوده‌اند. نکته قابل توجه تناسب مابین نرخ رشد ارز و نرخ تورم در بین کشورها می‌باشد. هنگامی که نسبت بین نرخ ارز و نرخ تورم کاهش می‌یابد و یا به عبارت دیگر تورم افزایش می‌یابد، تقاضای خارجی برای کالاهای صادراتی کاهش یافته و قدرت رقابت‌پذیری بنگاه‌های تولیدی و اقتصاد ملی در مقایسه با رقبای خارجی کاهش می‌یابد. بنابراین کشورهایی که سطوح تورم کمتری را تجربه می‌کنند در فضای بین‌المللی قدرت رقابت‌پذیری بیشتری خواهند داشت و سهم صادراتی آن‌ها قابل توجه‌تر می‌باشد.

در زمینه ارتباط بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی، در خلال دو دهه اخیر مطالعات تجربی بسیاری انجام شده که اغلب آن‌ها به یافتن ارتباط مثبت و معنی دار بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی منجر شده است. آزادسازی اقتصادی از طریق ایجاد مناسبات اقتصاد بازار، توسعه بخش خصوصی، توسعه تجارت خارجی، حذف مقررات زاید دولتی و اصلاحاتی از این دست می‌تواند سبب ترغیب سرمایه‌گذاری، ارتقای سطح مهارت‌ها، انتقال فناوری و استفاده کارآمد از این سرمایه‌گذاری‌ها شده و از این راه زمینه را برای توسعه فعالیت‌های مولد فراهم

کند. در این مطالعه برای آزادی اقتصادی از شاخص «جی وارتنی»<sup>۱</sup> متعلق به مؤسسه کانادایی «فریزر» استفاده شده است. لازم به ذکر است دامنه تغییرات هر یک از شاخص‌های آزادی اقتصادی بین صفر تا ۱۰ بوده که مقدار کمتر نشان دهنده آزادی اقتصادی کمتر و مقدار بیشتر نشان دهنده آزادی اقتصادی بیشتر می‌باشد و همچنین شاخص کل بر مبنای میانگین متغیرهای پنجگانه فوق محاسبه شده است. بر طبق آمار، متوسط شاخص کل آزادی اقتصادی برای کشورهای جمهوری اسلامی ایران و چین در طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۸۰ به ترتیب برابر با ۵۶ و ۵۶٫۶۷ می‌باشد که بیانگر عملکرد ضعیف کشور ایران در زمینه آزادی اقتصادی می‌باشد، هرچند شاخص آزادی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران روند صعودی طی نموده است. لذا به نظر می‌رسد جهت تحول تولید ملی، ایجاد بستر اقتصاد مقاومتی و تحقق اهداف کلان اقتصادی، انتخاب استراتژی‌هایی مبتنی بر بهبود مؤلفه‌های دخیل در شاخص آزادی اقتصادی در راستای بهره‌گیری هر چه بیشتر از بهبود آزادی اقتصادی و تأثیرات مثبت آن بر بهبود سایر متغیرهای کلان اقتصادی ضرورت دارد.

نهایتاً آخرین شاخصی که مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاخص ثبات سیاسی می‌باشد. ناپایداری و بی‌ثباتی نظام‌های سیاسی و وجود تهدیدهای داخلی و خارجی هزینه‌ی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده و انگیزه را برای فعالیت‌های مولد کاهش می‌دهد. در این مطالعه مقیاسی که برای سنجش میزان پایداری و ثبات دولت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، شاخص ثبات سیاسی از مجموعه شاخص‌های «کافمن» منتشر شده از سوی بانک جهانی (۲۰۱۲) می‌باشد. این شاخص میزان آسیب‌پذیری نظام‌های سیاسی را در برابر تهدیدات و اقدامات غیرقانونی و خشونت‌آمیز بررسی می‌کند. دامنه تغییرات این شاخص بین ۵- و ۲٫۵+ بوده که مقادیر بالاتر بیانگر ثبات سیاسی بیشتر می‌باشد. طی دوره ۲۰۰۹-۱۹۹۵، متوسط شاخص ثبات سیاسی برای کشور جمهوری اسلامی ایران (۰٫۹۱-) و برای کشور چین (۰٫۴۴-) می‌باشد که نشان دهنده‌ی فقدان ثبات سیاسی در کشورهای مورد مطالعه می‌باشد و چین از لحاظ سیاسی با ثبات‌تر از جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد کشورهایی که در کنار یک فضای با ثبات سیاسی و اقتصادی، سعی می‌کنند از طریق برنامه‌ریزی منسجم و عملی به نفع عوامل جدید تولید از قبیل هزینه‌های تحقیق و توسعه، فناوری اطلاعات، مدیریت علمی و... به افزایش رشد بهره‌وری عوامل تولید، گشایش بازارها و محصولات جدید، صادرات چند محصولی به جای وابستگی به صادرات تک محصولی و جهش صادراتی و صنعتی و افزایش قدرت رقابت-پذیری بنگاه‌های تولیدی و اقتصاد ملی کمک کنند، در سطح ملی دارای نرخ‌های رشد اقتصادی مستمر و باثبات و ارتقای استانداردهای زندگی هستند و در عرصه بین‌المللی نیز قدرت اثرگذاری و مشارکت بیشتری در اقتصاد جهانی خواهند داشت و بدین وسیله توانایی مقابله با تحریم‌ها را کسب خواهند نمود.

<sup>۱</sup> G- Wartney



در شرایط کنونی جهان و با وجود فشارها و تحریم‌های کشورهای غربی علیه ایران، مسئله راهکار مقابله با تحریم‌ها و خلق جهاد اقتصادی همواره دغدغه اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است. سوال اینجاست که چرا جمهوری اسلامی ایران تحریم‌پذیر است، اما کشوری مانند چین تحریم پذیر نیست؟ جواب این سؤال را باید در برخی سیاست‌های اقتصادی این کشور جستجو کرد. در جمهوری اسلامی ایران صادرات نفت قسمت اعظم صادرات کشور را به خود اختصاص داده و بخش وسیعی از درآمد اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی است در حالی که اقتصاد چین در سطح جهانی اقدام به صادرات چند محصولی کرده است، همچنین در کشور چین، بخش قابل توجهی از رشد اقتصادی متعلق به رشد بهره‌وری کل عوامل تولید است و در راستای افزایش رشد بهره‌وری کلی عوامل تولید، کاربرد اقتصاد دانش بنیان در این کشور جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد، به عبارت دیگر سیاست‌های اقتصاد چین (پولی، مالی، ارزی و تجاری) در راستای سیاست‌های کلان اقتصادی و آموزشی و پژوهشی است، در صورتی که در اقتصاد ایران این جایگاه وجود ندارد و هزینه تحقیق و توسعه و دیگر اجزاء اقتصاد دانش بنیان درصد ناچیزی از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است، شایان ذکر است مشکل اقتصاد ایران عدم وجود دانش نیست، مشکل اقتصاد ایران عدم کاربرد دانش در درون صنایع اقتصاد می‌باشد. به بیان دیگر دانش در اقتصاد ایران به پشتوانه فروش ثروت‌های نفتی عرضه محور است و باز به پشتوانه ثروت‌های نفتی و اتخاذ سیاست‌های نادرست اقتصادی و ناهماهنگ با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و نوآوری تقاضا برای عوامل اقتصاد دانش بنیان وجود ندارد. ایران به واسطه فروش نفت، واردات کالاهای با فناوری بالا را انجام می‌دهد که این خود مانع شکل‌گیری بازار نوآوری در کشور می‌باشد. بنابراین باید گفت جمهوری اسلامی ایران در راستای خلق حماسه سیاسی و اقتصاد مقاومتی باید خالق نوآوری شود، نه خریدار آن، و این امکان پذیر است. چرا که این کشور با داشتن نیروهای جوان مستعد و بااستعداد و خلاق و به پشتوانه مدیریت درست ثروت‌های فراوان نفتی به راحتی می‌تواند در مسیر خودکفایی قدم بردارد و آنچه روزی عامل سلطه‌ی اقتصادی غرب بر آن‌ها می‌شده است را نابود کند. لذا باید مسیر وابستگی به مسیر خودکفایی و بومی شدن در تولید داخلی تغییر یابد. امروزه آنچه در ذهن خیلی‌ها نقش بسته است این است که خودکفایی امر مهمی نیست چرا که حتی خود آمریکا و کشورهای پیشرفته نیز در همه ابعاد خودکفا نیستند. مسئله مهمی که این تحلیل‌گران از آن غفلت به عمل می‌آورند این است که همه این کشورها تقریباً در یک سطح از لحاظ دانش و تکنولوژی قرار گرفته‌اند و همین عاملی می‌شود که کشوری نتواند بر کشور دیگر مسلط شود. مسئله این است که وجوه دانش و خلاقیت و نوآوری آن قدر پیچیده و گسترده است که هر کشوری نمی‌تواند در همه امور خودکفا شود. چرا که کشورهای جهان با محدودیت مغزهای جوان رو به رو هستند. برای همین است که به جذب نیروهای خبره

کشورهای در حال توسعه همت می‌گمارند. بنابراین کشور جمهوری اسلامی ایران باید در جهت مقابله با تحریم‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت و تحقق جهاد عظیم اقتصادی، ایجاد فضای مطلوب نوآوری در کشور را در اولویت تمامی سیاست‌گذاری‌ها و استراتژی‌ها قرار دهد و از کانال فعالیت‌های تحقیق و توسعه و گسترش تقاضای اصولی سرمایه انسانی و نوآوری از کانال تحریک انگیزه فعالین اقتصادی بواسطه اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی و با هماهنگی کامل سیاست‌های کلان اقتصادی با سیاست‌های آموزشی و پژوهشی و نوآوری راهکارهایی به منظور افزایش ظرفیت بالفعل و رسیدن به ظرفیت بالقوه ارائه نماید و از این وادی قدرت رقابت پذیری کشور را در صحنه بین‌المللی افزایش دهد و اهرم‌های فشار تحریم‌ها را خنثی نماید و متعاقب آن ضمن اینکه از وابستگی دولت به درآمدهای نفتی به طور چشم‌گیری کاسته می‌شود، رشد اقتصادی مستمر و باثبات را به دنبال خواهد داشت چراکه اقتصادهایی که با ایجاد و حمایت از نهادهایی همچون محترم شمردن حقوق مالکیت فکری و همچنین گسترش و تسهیل دستیابی به مؤلفه‌های جدید فرآیند تولید نوآوری و ابداعات را تشویق و تحریک می‌کنند، شاهد استانداردهای بهتر زندگی و رشد اقتصادی مستمر و باثبات و افزایش سهم رشد بهره‌وری کلی عوامل در رشد اقتصادی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری هستند.